

ایران

دیپلماسی واقعی

اقتصاد محور دیپلماسی دولت سیزدهم
در یک سال گذشته بوده است



احیای دیپلماسی انقلابی

آبی شدن نقشه کرونایی کشور تنها چند ماه بعد از آنکه دولت جدید، درست در هنگامه قربانی شدن روزانه قریب به هزار نفر از شهروندان مبتلا به کرونا قدرت را در دست گرفت، از نخستین و مهم‌ترین نتایج سازنده ابتکارات فردی رئیس‌جمهور بود که بدون ائتلاف وقت کوشید همکاری کشورهای دوست را جهت واردات واکسن کرونا در کوتاه مدت به بالاترین سطح ممکن برساند. رئیسی در همان اولین جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، پس از بحث و بررسی آخرین وضعیت تأمین منابع ارزی واردات واکسن کرونا، دستور داد همه اقدامات و تمهیدات لازم برای تسریع در تأمین منابع لازم برای واردات واکسن به میزان مورد نیاز با اولویت به کار گرفته شود. او خود نخست برای تحقق این هدف آستین بالا زد. گفت‌وگوهای متوالی‌اش با مقام‌های عالی رتبه چین، روسیه، ژاپن و بسیاری دیگر از کشورهایی که آمادگی خود را برای همکاری با ایران در مواجهه تمام عیار با بیماری کرونا اعلام کرده بودند، مجموعه تلاش‌هایی را رقم زد که بر درستی گزاره ثمربخشی ابتکار عمل فردی رئیسی مهر تأیید می‌گذارد.

ورود جدی رئیس‌جمهور به عرصه تقابل با بیماری مرگبار کرونا و پیگیری شخصی او از یک سو سبب شد مقام‌های عالی‌رتبه دیگر کشورها مسیر کمک به ایران را در مقابله با کرونا تسهیل کنند و در داخل هم در کمترین زمان ممکن، هماهنگی بین بخش‌های فعال و مؤثر در سیاست خارجی و تمرکز در تصمیم‌گیری برای رفع بحران موجود حاصل شود. این چنین بود که رضا زبیب، دستیار وزیر امور خارجه که در صفحه شخصی توییتری خود، به‌طور مرتب از تأمین و ورود واکسن، از مسیرهای متعدد گزارش می‌داد، در گزارش خود در همان روزهای آغاز به کار دولت این‌طور نوشت: «خدا را شاکرم که نه تنها قول «۱۲ میلیون دوز» محقق شد، بلکه واردات با بسته‌های فوق برنامه به ۱۷ (و شاید ۲۰) میلیون دوز می‌رسد. چشم‌انداز واردات عالی است». اینها در کنار واردات مجزای چندین میلیون دوز از سبدهای کوواکس استراژنکا بود که در کوتاه مدت از کشورهای دیگر چه به صورت خریداری و چه به صورت اهدایی وارد ایران شد. از این‌رو در نتیجه تلاش شخصی رئیس‌جمهور که بلافاصله بعد از آغاز کار با فعال کردن ظرفیت‌های مغفول در عرصه دیپلماسی به جریان افتاد، زمینه برای ورود انواع واکسن‌های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی فراهم شد و دولت با موفقیت در وارد کردن میلیون‌ها دوز واکسن در کوتاه



«ایران» دیپلماسی مبتکرانه سید ابراهیم رئیسی در تحولات سیاست خارجی را بررسی می‌کند

اعجاز دیپلماسی «فردی»

بدون تردید گفت‌وگوی سیاستمداران در عالی‌ترین سطح یکی از تأثیرگذارترین وجوه دیپلماسی است و از این منظر سید ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم در یک سال گذشته از آغاز مسئولیت خود، این وجه از دیپلماسی را در بالاترین سطوح ممکن به منصفه ظهور گذاشته است. چنانکه اگر در مسیر صعب العبور مبارزه با پاندمی کرونا و فرصت‌های رخ داده در مسیر تقویت همکاری‌های منطقه‌ای - تعللی از آن دست که پیش از آن تجربه شده بود - رخ می‌داد، شاید نتیجه امری دور و خارج از دسترس می‌نمود و ایران همچنان در حال دست و پنجه و نرم کردن با خسارت‌های ویرانگر «کووید ۱۹» و رایزنی‌های بی‌حاصل در سمت اشتباه سیاست خارجی بود. آنچه طی ماه‌های اخیر و در فاصله یک سال گذشته از زمان روی کار آمدن دولت رئیسی در عرصه دیپلماسی عمومی رخ داده است، پیگیری یک رفتار هدفمند، همراه با پشتوانه فکری و با هدف تأثیرگذاری بر رویدادهایی بوده است که پیشتر دولت در عرصه‌های مربوط به آنها اعلام برنامه کرده بود. فعال شدن دیپلماسی عمومی و فردی رئیس‌جمهور که تاکنون اگر نگوییم رئیسی یکتا آن را به پیش برده است، باید بگوییم بیشترین بار آن را به دوش گرفته است؛ حاصل اعتقاد داشتن به گفت‌وگو و تأثیرگذاری آن است. چه آنکه کلمات، اعلام مواضع و پاسخ گفتن به ابهام‌ها می‌توانند همچنان که بر افکار عمومی موثرند، بر فضای گفت‌وگویی حاکم تأثیر بگذارند و به‌طور غیرمستقیم تصمیمات نخبگان سیاسی را هدف قرار دهند. از این‌رو دیپلماسی فردی رئیس‌جمهور ایران ذیل راهبرد «تعامل گسترده و سازنده» در فراسوی مرزها طی ماه‌های گذشته یکی از فعال‌ترین ادوار خود را پشت‌سر گذاشته است.

ویژنامه

دولت

ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

دبیر ویرژنامه: مصطفی عیوضی

تحریریه: مریم سالاری، عبدالرضا هادی‌زاده نائینی

با تشکر از: الیاس قنبری، امیر یوسفی و حسین مسلم

ایران

www.iran-newspaper.ir
editorial@iran-newspaper.ir

زمان، ویروس مرگبار کرونا را مغلوبه کرد. اهمیت و ارزش چنین اقدامی زمانی مشخص می‌شود که مسئولان ارشد دولت قبل با دستاویز اختلافات سیاسی نظیر آنچه درباره FATF در جریان بود، ضعف خود در نجات جان مردم را به دستاویزهای جناحی تقلیل داده و بر افکار عمومی خدشه وارد کردند.

راهی که برای شانگهای هموار شد

تأکید آیت‌الله رئیسی در نخستین نشست خبری خود پس از انتخابش به عنوان رئیس دولت سیزدهم، بر این گزاره مهم که «برجام تمام هدف او در سیاست خارجی نیست و دنیا باید

و یک موفقیت دیپلماتیک در امتداد تحقق شعار تقویت نگاه به شرق برای کشور رقم بزند. چه حضور ایران به عنوان عضو دائم در این سازمان زیر سایه اهداف تعریف شده این سازمان در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، پولی و بانکی، انرژی و حمل و نقل می‌توانست شرایط بهتری را برای توسعه تبادلات بین‌المللی ایران و کاهش ابعاد بحران اقتصادی فعلی فراهم کند.

تسهیل زیارت عتبات و سفر اربعین

رئیس جمهور در حالی در آغاز به کار خود و در جریان نخستین جلسه



شورای عالی حج و زیارت که پس از ۸ سال برگزار شد، بر ضرورت تسهیل و ارزان‌سازی سفر به اماکن زیارتی خارج و داخل کشور تأکید کرد که خود تلاش‌های گسترده‌ای را برای نیل به این هدف آغاز کرد؛ هدفی که ذیل آن مردمی‌سازی اربعین، رفع مشکلات حمل و نقل جاده‌ای و هوایی در مسیرهای ایران و عراق، جلوگیری از ازدحام جمعیت پشت مرزها، تدبیر برای پیشگیری از بروز مشکلات متعدد برای زائران را مد نظر داشت. رئیسی علاوه بر تعیین دستورالعمل‌های لازم به نهادهای داخلی مرتبط با سفرهای زیارتی، خود برای گره‌گشایی از مسائل موجود در سفر زائران ایرانی به عراق، گفت‌وگوهای ویژه‌ای را با عالی‌ترین مقام‌های این کشور به جریان انداخت. این چنین بود که بخش مهمی از گفت‌وگوی رئیس جمهور با مصطفی «الکاظمی»، نخست‌وزیر عراق در جریان سفر تیرماه گذشته به تهران به این مهم اختصاص یافت و پس از آن قرار شد که دولت عراق تسهیلات بیشتری برای زائران ایرانی در نظر بگیرد. از این رو در پی رایزنی‌های ویژه رئیس جمهور، اخذ ویزا برای سفر اربعین لغو شد؛ رویدادی که علاوه بر سهولت و کاستن از هزینه‌های سفر برای زائران اربعین حسینی فرصت‌های جدیدی را برای همگرایی فرهنگی ایران و عراق به وجود می‌آورد.

تمرکز بر حل بحران ریزگردها

موضوع ریزگردها و بحران‌های متعددی که در نتیجه ورود این ریزگردها از کشورهای همسایه به داخل ایران به وجود آمده از جمله موضوعاتی بود که از همان ابتدا مورد توجه ویژه رئیس دولت سیزدهم قرار گرفت؛ موضوعی که از چندین سال پیش به یکی از بحران‌های اصلی کشور تبدیل شده و اینک دامن بخش‌های غربی، جنوبی و حتی مرکزی ایران را گرفته و نفس چند کلانشهر بزرگ را تنگ کرده است. این در حالی است که ایران متأثر از ۸ کانون خارجی ریزگرد با حدود ۲۷۰ میلیون هکتار وسعت است که در کشورهای همچون عراق، سوریه، امارات، کویت و... قرار دارد و باید برای ساماندهی آن، یک عزم منطقه‌ای ایجاد کرد. ایده تشکیل «شورای منطقه‌ای محیط‌زیست» از سوی رئیسی ذیل تلاش برای جلوگیری از تعمیق بحران ریزگردها در کشور مطرح شد. وی همچنین حل ریشه‌ای این موضوع را نیازمند همکاری با کشورهای منطقه و همسایه دانست و به سازمان حفاظت محیط زیست مأموریت داد با همکاری وزارت امور خارجه و دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط، از طریق رایزنی با

بداند که سیاست خارجی دولت از برجام شروع نمی‌شود، به برجام هم محدود نخواهد شد» گویای نگاه همه‌جانبه دولت جدید به تعمیق مناسبات خارجی ایران از جمله روابط منطقه‌ای و آسیایی کشور بود. در پیگیری چنین نگاهی عضویت در سازمان همکاری منطقه‌ای «شانگهای» به عنوان دستاورد نخستین حضور رئیس دولت سیزدهم در یک نشست بین‌المللی رقم خورد. نتیجه‌ای که بیش از هر چیز حاصل ویژگی‌های شخصیتی رئیسی در مراودات دوجانبه‌اش با همتایان خود در اجلاس شانگهای و نشان دادن اراده‌اش بر گسترش همکاری ایران با کشورهای آسیایی بود. پیشتر آخرین تلاش‌های ایران برای ارتقای سطح همکاری خود برای عضویت دائم در سازمان همکاری «شانگهای» در سال ۲۰۱۷ به شکست انجامیده بود اما رئیسی با حضوری برنامه‌ریزی شده در نشست جدید این سازمان مهم حضور یافت و در خلال تبادلات دوجانبه و چندجانبه‌اش در این نشست کوشید با پررنگ کردن مزیت‌های سنتی ایران در حوزه انرژی و تبادلات تجاری میان شرق و غرب، راه را برای عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای هموار کند

رئیس جمهور در حالی در آغاز به کار خود و در جریان نخستین جلسه شورای عالی حج و زیارت که پس از ۸ سال برگزار شد، بر ضرورت تسهیل و ارزان‌سازی سفر به اماکن زیارتی خارج و داخل کشور تأکید کرد که خود تلاش‌های گسترده‌ای را برای نیل به این هدف آغاز کرد؛ هدفی که ذیل آن مردمی‌سازی اربعین، رفع مشکلات حمل و نقل جاده‌ای و هوایی در مسیرهای ایران و عراق، جلوگیری از ازدحام جمعیت پشت مرزها، تدبیر برای پیشگیری از بروز مشکلات متعدد برای زائران مورد توجه قرار داشت

کشورهای همسایه مشکل آلودگی هوا را حل کنند.

ذیل این دستور و تأکید رئیس جمهور بر اهمیت بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای، قرار شد که مسئولان اجرایی کشور با به جریان انداختن تعامل جدید با نهادهای منطقه‌ای، به استفاده از اسناد و نسخه‌های تدوین شده متناسب با الزامات و اقتضائات زیست بوم کشور اقدام کنند. با این فرمان، وزیر امور خارجه با ارسال نامه‌ای به همتایان خود در کشورهای دارای منشأ ریزگرد یا مبتلا به بحران زیست محیطی حاصل از انتشار گسترده گردوغبار در منطقه، برای مهار ریزگردها خواستار انعقاد یک کنوانسیون منطقه‌ای با مشارکت سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی آن بویژه برنامه محیط زیست ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی شد. رئیس جمهور در بحبوحه این تلاش‌ها خردادماه گذشته علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست را به عراق فرستاد تا در نتیجه دیدار او با «مصطفی الکاظمی» نخست‌وزیر، «عثمان الغانمی» وزیر کشور، «فؤاد حسین» وزیر خارجه و همچنین وزیران کشاورزی و منابع آب عراق، توافقات اولیه خوبی حاصل شود.

این در حالی بود که رئیس جمهور، خود رایزنی‌های ویژه‌ای را با همتایان خارجی از کشورهای مرتبط با این بحران از جمله عراق به جریان انداخت و کمی پس از سفر معاونش به بغداد، در تماس تلفنی با مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق به مشکلات میان دو کشور بر سر بحران‌های ناشی از طوفان‌های خاک و هجوم ریزگردها به ایران اشاره کرد. او با تأکید بر اینکه تغییرات آب و هوایی مختص یک کشور خاص نیست و از مرزها عبور می‌کند، اعلام کرد که «امروز مقابله با این ریزگردها به خواست مشترک منطقه‌ای تبدیل شده است». الکاظمی هم در این گفت‌وگو به ملاقات خود با رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشورمان اشاره کرده و این خبر را تصریح کرد که در گفت‌وگوهای علی سلاجقه با مقامات عراقی مقرر شد، همکاری برای مقابله با معضل ریزگردها در قالب یک تفاهمنامه دنبال شود.

نگاه ویژه به حل موضوع حقایه هیرمند

موضوع حقایه ایران از رود هیرمند و عدم همکاری افغانستان در رهاسازی آب از جمله مسائلی بوده که در سال‌های اخیر مورد بحث و گفت‌وگوی مقام‌های تهران و کابل قرار داشته است. این در حالی بود که با وجود قول همکاری مقامات سیاسی افغانستان و کمیسار طرف افغان در مورد پایبندی به معاهده

۱۳۵۱ هیرمند و تحویل حقایه ایران، در سال آبی جاری کمتر از میزان تعیین شده بر اساس حقایه ۸۲۰ میلیون متر مکعبی مندرج در معاهده مذکور وارد کشور شده است. حال آنکه براساس معاهده مذکور هیرمند، سهم ایران از آب رود هیرمند معادل ۸۲۰ میلیون متر مکعب در سال و حدود ۲۶ متر مکعب در ثانیه است که البته در ماه‌ها و فصول مختلف تفاوت می‌کند. از آنجا که این رودخانه از مناطق خشک و کم آب شمال استان سیستان و بلوچستان می‌گذرد برای جنوب شرقی کشور در بحث تأمین آب آشامیدنی، کشاورزی و صنعتی مهم است. تلاش برای گرفتن حقایه ایران از افغانستان با روی کار آمدن طالبان و تداوم این بحران با شتاب بیشتری از سوی دولت سیزدهم صورت گرفت و مسئولان ایرانی ذیل تأکید رئیس جمهور برای حل و فصل این امر مهم مذاکراتی را بر سر آزادسازی سهم ایران از رود هیرمند در دستور کار خود قرار دادند. رئیس دولت سیزدهم همچنین در پیگیری جدی دیپلماتیک حقایه هیرمند، مسئولیت مهم «نماینده‌ی ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان» را به وجود آورد و حسن کاظمی قمی را به نمایندگی خود جهت پیگیری این مهم به کار گرفت. کاظمی قمی از

رئیس دولت سیزدهم در پیگیری جدی دیپلماتیک حقایه هیرمند، مسئولیت مهم «نماینده‌ی ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان» را به وجود آورد و حسن کاظمی قمی را به نمایندگی خود جهت پیگیری این مهم به کار گرفت. کاظمی قمی از همان روزهای اول تحت تدابیر ویژه رئیسی که به‌طور مستقیم این موضوع را دنبال می‌کرد، سفرهای متعددی را به کابل انجام داد



ویژنامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

همان روزهای اول تحت تدابیر ویژه رئیسی که به‌طور مستقیم این موضوع را دنبال می‌کرد، سفرهای متعددی را به کابل انجام داد. مهم‌ترین بخش این تلاش‌ها در جریان سفر «مولوی امیرخان متقی»، سرپرست وزارت خارجه هیأت حاکمه افغانستان در دهم دی ماه سال گذشته صورت گرفت که مقام‌های دیپلماتیک ایرانی به دستور مستقیم رئیسی رایزنی‌های مفصلی را با مقام‌های طالبان پیرامون موضوع حقابه به جریان انداختند. حاصل این پیگیری‌ها چند روز بعد، باز شدن درچه‌های بند سد کمال‌خان توسط افغانستان و جاری شدن آب به سمت مرزهای جمهوری اسلامی ایران بود. در گام اول رهاسازی آب سد کمال‌خان به سمت ایران، حدود ۴ میلیون مترمکعب از حقابه حدود ۸۲۰ میلیون متر مکعبی ایران تأمین شد که فاصله زیادی با حد مطلوب داشت. از این رو رئیسی در پیگیری این موضوع تا تحقق کامل منافع کشور، وزرای امورخارجه و نیرو را مأمور پیگیری کرد و یادآور شد که «دولت در پیگیری حقوق ملت به هیچ عنوان کوتاه نخواهد آمد». وزیر امور خارجه در پی این دستور بلافاصله با وزیر خارجه طالبان به صورت تلفنی گفت‌وگو کرد و با اشاره

به بازندگی‌های اخیر و جاری شدن آب در رودخانه هیرمند اظهار امیدواری کرد که «موانع مصنوعی جهت رسیدن آب» به ایران و تأمین حقابه ایران وجود نداشته باشد. وزیر امور خارجه ایران به وزیر خارجه طالبان یادآور شد که «تحویل حقابه ایران شاخص مهمی برای سنجش تعهدات هیأت حاکمه افغانستان در عمل به تعهدات بین‌المللی در قبال ایران است.»

گفت‌وگوی بی‌واسطه

وجه دیگر نقش‌آفرینی رئیسی در پیگیری دیپلماسی منحصر به فردش را می‌توان در گفت‌وگوهای مفصلی جست‌وجو کرد که او در آغاز مذاکرات حساس ایران و کشورهای ۴+۱ با هدف رفع تحریم‌های ظالمانه علیه ایران از سر گذراند. رئیس جمهور در گفت‌وگوهای مهم خود با «امانوئل مکرون»، رئیس جمهور فرانسه با مورد توجه قرار دادن منافع مشترک تهران و پاریس، کوشید همتای فرانسوی‌اش را متوجه این واقعیت کند که رویکرد جدید تهران تا چه اندازه معطوف برداشتن گام‌های عملی جهت تحقق منافع برجامی‌اش است. با در نظر گرفتن چنین پیشینه‌ای و با توجه به واقعیت‌های حاکم بر روابط ایران و کشورهای منظومه غرب، فعال‌سازی دیپلماسی فردی در مقطع کنونی یکی از بهترین گزینه‌های پیش روی سیاست خارجی ایران است. این گفت‌وگوها که اتفاقاً بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهان داشت، به مفهومی گفت‌وگوی بی‌واسطه با دولت‌های غربی بود. گفت‌وگوهایی که در آنها صریح‌ترین مواضع ایران از جمله واکنش احتمالی به تبعات محقق نشدن منافع اقتصادی کشور در قالب برجام مطرح شد و اتفاقاً تأثیر ممکن خود را یافت. حمایت بی‌قید و شرط رئیس جمهور از دیپلمات‌هایش و تشریح رویکرد هوشمندانه برجامی ایران سبب شد که مذاکرات حساس وین در کوتاه‌مدت، چشم‌انداز روشنی جهت حل و فصل اختلافات برای رفع تحریم‌ها پیش روی خود ببیند.

فعال شدن دیپلماسی شخصی اگرچه منحصر به شخص رئیس جمهور باقی نمی‌ماند، اما به کارگیری همه ابعاد آن، تمام ظرفیت‌های ممکن را در مسیر دیپلماسی متوازن و موفق ممکن می‌سازد. گسترش روابط دیپلماتیک مؤثر با اغلب کشورهای آسیایی و منطقه خاورمیانه و در عین حال حفظ کانال دیپلماسی با غرب، نقطه عزیمتی است که رئیس دولت سیزدهم ذیل ابتکارعمل ویژه خود دنبال کرده که با قرار گرفتن در مسیر تدریجی و غایی خود، فرصت برداشتن گام‌های بلندتری را نیز در پیش رو به وجود می‌آورد.

ورود جدی رئیس جمهور به عرصه تقابل با بیماری مرگبار کرونا و پیگیری شخصی او از یکسو سبب شد مقام‌های عالی‌رتبه دیگر کشورها مسیر کمک به ایران را در مقابله با کرونا تسهیل کنند و در داخل هم در کمترین زمان ممکن، هماهنگی بین بخش‌های فعال و مؤثر در سیاست خارجی و تمرکز در تصمیم‌گیری برای رفع بحران موجود حاصل شود

نشست وزیران و مدیران ارشد محیط‌زیست غرب آسیا؛ تیر ۱۴۰۱



ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱



مروری بر دستاوردهای سفر آیت‌الله رئیسی به روسیه

همکاری بر محور منافع

شبکه بانکی مشترک و غیرقابل تحریم

از همین رو در مذاکرات کاخ کرملین، ایران و روسیه درباره مسائل پولی و بانکی بین دو کشور گفت‌وگو کردند تا گامی مهم در مبادلات با پول ملی کشورها و همچنین شکستن سلطه دلار بر روابط مسکو و تهران بردارند. همچنین مقامات هر دو دولت به گفت‌وگو برای ایجاد کانالی غیرقابل تحریم در روابط با یکدیگر پرداختند.

وزیر اقتصاد در بازگشت از سفر روسیه حتی خبر داد که توافقی درخصوص شبکه بانکی مشترک بین دو کشور صورت گرفته است. طی این سفر قرار شد تجار ایرانی که با روسیه کار می‌کنند، بتوانند از شبکه بانکی مشترک بین ایران و روسیه استفاده کنند. یکی از نکات قابل توجه اینکه تقریباً تمام پیشنهادها و وزارت اقتصاد کشورمان در دیدار با همتای روس خود مورد پذیرش قرار گرفت و حتی رئیس جمهور روسیه در دیدار با رئیس جمهور کشورمان گفته بود که نکات ارائه شده توسط وزیر اقتصاد شما مدنظر ما هم قرار دارد.

از توسعه میادین تا انتقال تکنولوژی

از دیگر محورهای همکاری ایران و روسیه مسأله توسعه همکاری‌های مشترک در زمینه نفت و گاز بود. در جریان سفر رئیس جمهور کشورمان به مسکو که با همراهی معنادر وزرای اقتصادی بوده گفت‌وگوهای مهمی در این خصوص انجام شد.

در این سفر وزیر نفت کشورمان ملاقات‌های متعدد و فشرده‌ای با معاون نخست‌وزیر، وزیر انرژی و مدیران ارشد بخش خصوصی توانمند روسیه در حوزه نفت و گاز برای توسعه همکاری‌های مشترک برگزار و اسناد

پایان دی‌ماه ۱۴۰۰ بود که سفر رئیس جمهور کشورمان به روسیه آغازی بر فصل جدید روابط دو کشور را رقم زد؛ سفری که با جنگ تمام عیار رسانه‌های فارسی زبان بیگانه و غربگرا روبه‌رو شد؛ سفری که بسیاری تلاش کردند تا جای متن و حاشیه آن را عوض کنند و با تحلیل‌های مغرضانه و عجیب اهمیت و دستاوردهای آن را نادیده بگیرند، اما هرچه زمان گذشت مشخص شد که سیاست خارجی متعادل و متوازن دولت سیزدهم مورد استقبال کشورهای مختلف جهان قرار گرفته و دستاوردهای قابل توجهی داشته است. پس از این سفر بود که وزارت خارجه روسیه اعلام کرد، تهران و مسکو در حال کار و تلاش برای ایجاد یک مکانیسم برای محافظت از مبادلات تجاری و مالی در مقابل خطر تحریم‌ها هستند. همچنین این کشور خبر داد، مسکو مقید به هیچ گونه ممنوعیت برای همکاری‌های فنی و نظامی با تهران نیست. این صحبت‌ها چند روز پس از سفر آیت‌الله رئیسی به مسکو و گفت‌وگوهای سه ساعته با پوتین رخ داد. مسکو همچون بسیاری از کشورهای دیگر با تغییر سیاست خارجی تهران از غرب‌گرایی افراطی به سمت توازن در همکاری با همه کشورهای جهان این پیام را از مقامات جدید ایران دریافت کرده بود که جمهوری اسلامی روابط با کشورهای جهان را در وین و واشنگتن خلاصه نمی‌کند و به جایگاه و اهمیت همکاری با دوستان دوره تحریم و سختی به خوبی واقف است.



سخنرانی آیت الله رئیسی در مجلس دوماي روسیه

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

یکی از دستاوردهای این سفر تنها چند روز پس از سفر هیأت ایرانی به مسکو محقق شد و اولین بخش از خط اعتباری برای نیروگاه سیریک توسط روسیه تخصیص داده شد. لازم به یادآوری است، تأمین خط اعتباری برای ساخت نیروگاه سیریک از دولت قبل مطرح بود اما پیگیری نشد. در همین زمینه، توافقنامه‌ای در اواخر سال ۱۳۹۵ و در زمان وزارت حمید چیت‌چیان به عنوان وزیر نیروی دولت یازدهم با روسیه امضا شد و پس از کلنگ زنی مقرر شد تا نیروگاه ۱۴۰۰ مگاواتی (چهار واحد ۳۵۰ مگاواتی بخار) سیریک هرگزگان با خط اعتباری روسیه احداث شود اما سیاست‌های غربگرایانه و غیرمتوازن دولت یازدهم و دوازدهم مانع استفاده کشور از ظرفیت‌های موجود شده بود



را ضروری کرده است. با اجرای این پروژه نه تنها ده‌ها روستای سیریک در استان هرمزگان از نعمت آب شرب پایدار برخوردار می‌شوند که جهش بزرگی در منطقه مکران اتفاق خواهد افتاد. در طول اجرای این پروژه ۳ هزار نفر مشغول به کار خواهند شد و ظرفیت‌های بسیاری در پرتو آن شکل خواهد گرفت.

بازگشت به تعادل و تعامل

این خبرها نشان می‌دهد سیاست خارجی در دولت سیزدهم وارد مرحله جدیدی شده است. دولتمردان جدید کشورمان علاوه بر پیگیری مذاکرات رفع تحریم در وین، خنثی‌سازی تحریم‌ها و تعامل گسترده با تمام نقاط دنیا را مورد توجه قرار داده‌اند و از هرگونه گره زدن مشکلات کشور به مذاکرات وین و رفع تحریم توسط آمریکا که در دولت سابق انجام شده بود فاصله گرفته‌اند. این مهم نتایج خود را در شروع نوشته شدن قراردادهای ایران و چین ذیل سند همکاری ۲۵ ساله، افزایش سطح همکاری‌ها با روسیه و نوشتن قراردادهای متعدد و توجه جدی به همسایگان، نوشتن قرارداد سوآپ گازی از ترکمنستان به سمت ایران و جمهوری آذربایجان و توجه به ظرفیت‌های همکاری‌های مشترک ایران و روسیه نشان داده است. افزایش فروش نفت کشورمان و ورود پول حاصل از آن به ایران نیز از دیگر موضوعاتی است که پیشرفت قابل توجهی داشته است. همین عوامل به علاوه توسعه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای باعث شده است تا دولت آمریکا با نگرانی به شکست کارزار فشار حداکثری علیه کشورمان اعتراف کند و عملاً در مقابل بازی هوشمندانه ایران سردرگم شود.

تفاهمات صورت گرفته کریدور شمال - جنوب با تکمیل قطعه‌ای از راه‌آهن رشت - آستارا به زودی بندرعباس را از طریق راه‌آهن به شرق روسیه و سن پترزبورگ متصل می‌کند و در مرحله آینده این خط آهن به شمال شرق اروپا و فنلاند کشیده خواهد شد. این رخداد منافع بسیاری برای شبکه تولید، تجار و افزایش درآمد کشورمان خواهد بود، به طوری که با اجرایی شدن راه گذر شمال-جنوب حدود ۲۰ میلیارد دلار درآمد حاصل از ترانزیت نصیب ایران خواهد شد. این رقم نقش مهمی در خنثی‌سازی تحریم‌ها و کم کردن وابستگی اقتصاد کشورمان به نفت خواهد داشت.

خط اعتباری روسیه برای ساخت نیروگاه سیریک

یکی از دستاوردهای این سفر تنها چند روز پس از سفر هیأت ایرانی به مسکو محقق شد و اولین بخش از خط اعتباری برای نیروگاه سیریک توسط روسیه تخصیص داده شد. لازم به یادآوری است، تأمین خط اعتباری برای ساخت نیروگاه سیریک از دولت قبل مطرح بود اما پیگیری نشد. در همین زمینه، توافقنامه‌ای در اواخر سال ۱۳۹۵ و در زمان وزارت حمید چیت‌چیان به عنوان وزیر نیروی دولت یازدهم با روسیه امضا شد و پس از کلنگ زنی مقرر شد تا نیروگاه ۱۴۰۰ مگاواتی (چهار واحد ۳۵۰ مگاواتی بخار) سیریک هرگزگان با خط اعتباری روسیه احداث شود اما سیاست‌های غربگرایانه و غیرمتوازن دولت یازدهم و دوازدهم مانع استفاده کشور از ظرفیت‌های موجود شده بود. کمبود جدی برق در سال‌های گذشته یکی از موضوعاتی بوده است که برای مردم ایجاد سختی و زحمت کرده است و استفاده از شیوه‌های مختلف تأمین منابع برای پیشبرد پروژه‌های مربوط به نیروگاه

مهمی به امضای طرفین رسید، تا جایی که جواد اوجی دستاوردهای این سفر را پربارتر از آنچه انتظار داشته توصیف کرده است. توافقاتی امضا شده شامل توسعه میادین نفتی و گازی تا بحث سوآپ نفت و گاز را شامل می‌شود و علاوه بر افزایش برداشت نفت و گاز، تولید مشترک تجهیزات پیشرفته و انتقال تکنولوژی هم در آن مدنظر قرار داده شده است.

همین زمینه‌سازی باعث شد تا بیست و هشتم تیرماه امسال، تفاهمنامه‌ای ۴۰ میلیارد دلاری بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت گازپروم روسیه به امضا برسد. این تفاهمنامه که به‌اذعان مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، لقب بزرگترین سرمایه‌گذاری خارجی در تاریخ صنعت نفت ایران را از آن خود کرد مورد عصبانیت غربی‌ها نیز قرار گرفت.

افزایش سطح تعاملات تجاری

افزایش سطح تعاملات تجاری از دیگر موضوعات مورد توافق بین دو کشور بود و تفاهم شد در گام اول تعاملات تجاری ایران و روسیه به ۱۰ میلیارد دلار در سال افزایش یابد.

ناگفته نماند که افزایش همکاری‌های تجاری دو کشور از سال ۱۴۰۰ و به خصوص با شروع به کار دولت جدید به شدت مورد توجه واقع شده است تا جایی که گمرک کشورمان خبر از افزایش کم سابقه تعاملات تجاری دو کشور داده است.

درآمد ۲۰ میلیارد دلاری کریدور شمال - جنوب

یکی از موضوعات مورد توافق دالان تجاری است که اقیانوس هند را از طریق ایران به روسیه و شمال اروپا متصل می‌کند. طبق



رئیی اوایل خرداد ماه سال جاری در یکی از مهم‌ترین سفرهای دوجانبه خود راهی «مسقط» شد

اتحاد طلایی محافظان تنگه هرمز

تحولات پر فراز و فرود منطقه

مهم‌ترین وجه سفر رئیس‌جمهور ایران به عمان در تأکید بر یک مشارکت راهبردی در بطن تحولات پرفراز و فرود منطقه غرب آسیا دیده می‌شود. نگاه به آنچه خاورمیانه پرتلاطم در سال‌های اخیر از سرگذراند، نشان داده است که صف‌بندی‌های پیکارجویانه برخی کشورهای عربی برای منزوی کردن ایران به «باطل السحر» خود تبدیل شده است. بروز شکاف در میان کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس درباره رویکردی که نقطه کانونی جهت‌گیری آن در رابطه‌اش با ایران تعریف شده بود، از یک سو بر ناکام ماندن مثلث ریاض، تل‌آویو و واشنگتن برای اجماع‌سازی علیه ایران صحنه می‌گذاشت و از سوی دیگر مؤید کارساز بودن دیپلماسی منطقه‌ای دولت سیزدهم برای قبولاندن موضع همگرایانه ایران حتی به کشورهایی بود که در دایره نفوذ عربستان قرار گرفته‌اند. پس از قطع رابطه عربستان با ایران، عمان از همراهی با جبهه ساخته شده توسط ریاض علیه تهران و تغییر در سطح روابط دیپلماتیک خود با تهران اجتناب کرد چنان که پیش‌تر از همراهی با عربستان در حمله به یمن نیز قویاً خودداری کرده بود.

سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اوایل خردادماه سال جاری در یکی از مهم‌ترین سفرهای دوجانبه خود راهی «مسقط» پایتخت عمان شد. «هیثم بن طارق آل سعید» به عنوان جانشین سلطان قابوس، پادشاه فقید و خوشنام عمان دست دوستی رئیسی را به گرمی فشرد تا این واقعیت بخوبی هویدا شود رابطه طلایی ایران و عمان در دوره سلطان جدید این کشور همچنان ادامه خواهد یافت. در تبیین این اتحاد تاریخی که در سفر مهم رئیسی به عمان در بالاترین سطح مورد تأکید قرار گرفت، می‌توان به وجه سیاسی شراکت دو کشور در آبراهه تنگه هرمز که هر دو کشور برای عبور صلح آمیز و بی‌ضرر شناورها و کشتی‌ها از آن به توافق رسیده‌اند، اشاره داشت. آبراهه‌ای که به خواست ایران و عمان قرار شده آبراهه صلح و دوستی باشد و نه جنگ و ستیز.



ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

سفر رئیسی به عمان به عنوان یکی از اعضای عضو شورای همکاری خلیج فارس و نیز همکاری‌هایی که در آستانه این سفر طرح‌ریزی شده بود، آشکارا نشان از آن داشت که مسقط تمایلی به پیروی بی‌چون و چرا از مواضع علیه ایران در منطقه نداشته است. «عبدالخالق عبدالله»، نویسنده و صاحب‌نظر اماراتی در کتاب «نظام منطقه‌ای خلیج فارس» می‌نویسد: «عمان اشتیاق چندانی به همگرایی و همکاری نزدیک با دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس ندارد و فکر نمی‌کنم در آینده نیز داشته باشد. عمانی‌ها همواره خود را کشوری جدا از دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس می‌دانند.»

موضعی که حالا قطر هم با قوت بیشتر به آن پیوست و همین شکاف و دو نیم شدن شورای همکاری خلیج فارس بر سر رابطه و همکاری با ایران را به امری جدی و غیرقابل انکار تبدیل کرد. شکافی که حالا به باور تحلیلگران یکی از دلایل احتمال قریب‌الوقوع فروپاشی شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود. شورایی که برای ایستادن در برابر موج انقلاب ایران شکل گرفت اما امروز بر سر رابطه با ایران به دو نیم تقسیم شده است.

الگوواره رابطه

در چنین فضایی است که سفرهای

در خلال سفر یک روزه رئیسی در مسقط، ۱۲ سند همکاری در حوزه‌های سیاسی، حمل و نقل، همکاری‌های دیپلماتیک، اقتصادی و گردشگری بین ایران و عمان به امضا رسید. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های توسعه همکاری دو کشور در زمینه ترانزیت و حمل و نقل مطرح است. خاصه آن که تجارت جهانی و مبادله کالا در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بتدریج رو به افزایش است و ایجاد یک دالان ترانزیتی قابل اعتماد به منظور حمل و نقل منظم کالا و مسافر بین بنادر خلیج فارس و دریای عمان و کشورهای آسیای میانه امری بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد

پیش ضروری به نظر می‌رسد. در همین چهارچوب می‌توان یکی از درخشان‌ترین نتایج سفر اخیر رئیسی به عمان را ایجاد زمینه برای به اجرا درآوردن «موافقتنامه عشق‌آباد» دانست. توافقی که پیش‌تر بین عمان، ایران، ترکمنستان و ازبکستان منعقد شده بود که می‌توانست ترانزیت کالا را از مسیر ایران بین دو کشور آسیای میانه و حاشیه خلیج فارس و دریای عمان رونق بدهد. در حالی که این توافقنامه تا پیش از این، امکان اجرا نیافته بود اما در جریان سفر رئیسی جمهور ایران به عمان مقدمات خوبی برای به اجرا درآمدن این توافق چهارجانبه فراهم شد. با اجرایی شدن آن، نقش ترانزیتی ایران در منطقه ارتقا خواهد یافت و فرصت استثنایی استفاده از سود ناشی از افزایش حجم تجارت و معاملات بین اروپا و آسیا، نقش‌آفرینی در حمل و نقل دریایی و نیاز منطقه به بنادر چند وجهی را نصیب ایران خواهد ساخت.

توسعه میدان نفتی «هنگام»

از سوی دیگر در پی حضور رئیسی در «مسقط» یکی از مهم‌ترین توافقاتی که حاصل شد، توسعه یکپارچه میدان نفتی مشترک موسوم به «هنگام» بود. میدان نفتی هنگام بین ایران و عمان مشترک است و قرار است به‌صورت یکپارچه یعنی مشترکاً توسط دو کشور توسعه پیدا



دیپلماتیک مقامات ایران به کشورهای عربی از جمله عمان به عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدانش بر خواست آن برای توسعه همکاری و همگرایی با همه کشورهای همسایه و عربی برای ایجاد الگوواره‌ای جهت همکاری درون منطقه‌ای تأکید دارد. خاصه آنکه عمان نزدیک‌ترین همسایه جنوبی ایران در آب‌های خلیج فارس به شمار می‌رود که دارای ریشه‌های فرهنگی مشترک با کشورمان است.

امضای اسناد مهم همکاری

انتظار می‌رفت حاصل چنین پیوند عمیق سیاسی، هموار شدن راه برای امضای توافقنامه‌های رنگارنگی باشد

که برای تعمیق همکاری‌های دوسویه میان ایران و عمان در عرصه‌های مختلف پیش‌بینی شده بود. چنان که در خلال سفر یک روزه رئیسی در مسقط، ۱۲ سند همکاری در حوزه‌های سیاسی، حمل و نقل، همکاری‌های دیپلماتیک، اقتصادی و گردشگری بین ایران و عمان به امضا رسید. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های توسعه همکاری دو کشور در زمینه ترانزیت و حمل و نقل مطرح است. خاصه آن که تجارت جهانی و مبادله کالا در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بتدریج رو به افزایش است و ایجاد یک دالان ترانزیتی قابل اعتماد به منظور حمل و نقل منظم کالا و مسافر بین بنادر خلیج فارس و دریای عمان و کشورهای آسیای میانه امری بیش از

کند تا بالاترین میزان برداشت از آن ممکن شود. علاوه بر این، قرار شد طرح ساخت خط لوله صادرات گاز ایران به عمان که پیش‌تر میان دو کشور امضا شده اما به مرحله اجرا درنیامده بود، از سر گرفته شود. گرچه تا پیش از این، ایران و عمان از ضرورت انجام همکاری در عرصه‌های متعدد سخن به میان آورده بودند اما نگاه کم‌رنگ دولت پیشین کشورمان به تقویت مناسبات همسایگی سبب شده بود که تفاهم‌های به امضارسیده از روی کاغذ فراتر نرود. از این رو سفر اخیر رئیسی جمهور ایران به عمان امکانی برای پیگیری هدفمند و عملی این توافقات را فراهم کرد.

ایران و چندجانبه‌گرایی

کارویژه اصلی «سازمان‌ها و نهادهای همکاری» در مواجهه با تحولات پرتنش جاری در سطح هر منطقه، از یک سو خارج کردن کشورها از بحران و از سوی دیگر افزودن بر روند همگرایی و مشارکت آنها ذیل هدف مشترک نهاد است. رهیافتی که فرصت‌های مناسبی را برای تقویت همگرایی بازیگران منطقه‌ای در زمینه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... جهت مستحکم کردن صلح و امنیت فراهم می‌کند. سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور با درک این مهم، رویکرد خود را در بازیابی روابط ضعیف شده ایران با کشورهای منطقه غرب و شرق آسیا به جریان انداخت تا افزایش مراودات تجاری و همکاری اقتصادی و همچنین حضور فعال در سازمان‌های مهم و مؤثر همکاری به توازن سیاست خارجی ایران در دولت سیزدهم بینجامد.

در همین چهارچوب نقش‌آفرینی دولت در یک سال گذشته در حوزه منطقه به‌عنوان حوزه‌ای که دارای اهمیت ویژه از منظر سیاسی و اقتصادی به شمار می‌آید و در عین حال با پیچیدگی‌های متعددی روبه‌رو است، به صورت فعالی به جریان افتاده است. این در حالی است که دولت قبل در سال‌های گذشته با نادیده گرفتن ظرفیت‌های موجود اقتصادی در کشورهای منطقه، خودخواسته از مزیت‌های بالقوه همکاری با این کشورها بویژه در قالب نهادهای منطقه‌ای محروم مانده است. ۱۵ کشور همسایه آبی و خاکی ایران شامل امارات متحده عربی، ترکیه، روسیه، عربستان، پاکستان، عراق، قطر، کویت، قزاقستان، عمان، بحرین، جمهوری آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان و ارمنستان که هر یک در ائتلاف‌ها و سازمان‌های متعدد منطقه‌ای قرار دارند، با دارا بودن ۵۶۰ میلیون نفر جمعیت حدود ۶/۳ درصد از حجم ۱۶ تریلیون دلاری واردات جهان را به خود اختصاص داده‌اند؛ درحالی که صادرات ایران به این ۱۵ کشور همسایه در سال‌های گذشته تنها ۲/۱۳ درصد از این بازار بزرگ را شامل شده است. دولت رئیسی با در نظر گرفتن چنین پیشینه‌ای، احیای دیپلماسی اقتصادی و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای منطقه‌ای را جهت بالفعل کردن ظرفیت‌های داخلی در دستور کار قرار داد تا با چندجانبه‌گرایی در روابط خارجی، همزمان با مذاکره برای لغو تحریم‌ها به راهبرد اصلی خود یعنی بی‌اثر کردن تحریم‌ها تحقق ببخشد.

این در حالی است که برتری و مزیت‌های نسبی ایران همچون موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، زیرساخت حمل و نقل و بازار پرونق اقتصادی نسبت به دیگر کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای فرصت‌های قابل ملاحظه‌ای را در روند به اجرا درآوردن رویکرد مشارکت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای به وجود آورده است. این چنین بود که رسمی شدن عضویت در سازمان همکاری‌های «شانگهای»، تحرک بخشیدن به نقش کشور در سازمان منطقه‌ای «اگو» و چراغ سبز به ایران برای پیوستن به گروه بین‌المللی «بریکس پلاس» در کنار رشد صادرات غیرنفتی، امضای تفاهمنامه‌های رنگارنگ اقتصادی با بازیگران بزرگ و کوچک آسیایی از چین و روسیه گرفته تا کشورهای همچون تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و... در گذر تنها یک سال از عمر دولت سیزدهم نشان داد که مدار سیاست خارجی چگونه از رویکرد انحصاری نگاه به غرب خارج شده و در صحنه عمل به «توازن» رسیده است تا به صورت حداکثری منافع ملی را تأمین کند.

در ادامه مروری کوتاه بر روند رویدادهای رخ داده در یک سال اخیر به خوبی از دستاوردهای پرشمار دولت سیزدهم در احیای سیاست خارجی فعال پرده برمی‌دارد.

وقتی کريدورهای ایرانی احيا شدند

شکستن قفل عضویت در «شانگهای»

نخستین سفر خارجی سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور به منظور شرکت در بیست و یکمین نشست همکاری‌های اقتصادی امنیتی «شانگهای» در شهریورماه سال گذشته رقم خورد؛ سفری که درست در بحبوحه تلاش‌های سیاسی و اقتصادی امریکا برای افزودن بر سطح تنش‌ها در منطقه جهت تحقق اهداف مداخله‌جویانه‌اش صورت گرفت، اما بر خلاف پیش‌بینی‌ها به پذیرش عضویت رسمی ایران در این سازمان بزرگ منطقه‌ای انجامید. بنای «شانگهای» که یکی از قدرتمندترین پیمان‌های جهانی به شمار می‌آید و اعضای آن، دسته‌جمعی در زمینه‌های امنیتی- دفاعی تلاش می‌کنند، در سال ۲۰۰۱، توسط رهبران چین، روسیه، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان گذاشته شد و کشورهای هند و پاکستان نیز در سال ۱۳۹۵ به عنوان عضو اصلی آن انتخاب شدند. این در حالی بود که ایران از سال ۱۳۸۴ به عنوان عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای حضور داشت و درخواست‌های متعدّدش برای عضویت دائم در این سازمان از سال ۱۳۹۵ با پاسخ منفی روبه‌رو می‌شد. اما ۶ شهریور سال ۱۴۰۰ بود که با حضور رئیسی در نشست سال گذشته شانگهای در شهر «دوشنبه»، پایتخت تاجیکستان قفل عضویت ایران در این سازمان پس از بیش از یک دهه تلاش دیپلماتیک شکست و رهبران ۸ کشور عضو اصلی این سازمان با تبدیل عضویت ایران از عضو ناظر به عضو اصلی اعلام موافقت کردند.

ویژمنامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱



عکس یادگاری سران شرکت کننده در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای



امضای اسناد همکاری در بخش های مختلف میان ایران و تاجیکستان



سخنرانی آیت الله رئیسی در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای

مراودات بی‌رقیب

پیوستن رسمی به سازمان همکاری‌های شانگهای در شرایطی که مؤلفه‌های اصلی راهبرد سیاست خارجی دولت سیزدهم بر مبنای تقویت همکاری‌های همسایگی و آسیامحور تعیین شده، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. چه آنکه حمایت پکن و مسکو به عنوان ۲ قدرت محوری سازمان شانگهای از عضویت دائمی تهران در آن، این نهاد امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را از منظر نفوذ سیاسی و هژمونیک در نیمه شرقی جهان بی‌رقیب می‌کند. بویژه که «شانگهای» در پیگیری اهداف غایی خود ایجاد یک حلقه ارتباطی برای تعمیق همکاری مؤثر کشورهای عضو در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و تبادلات در موضوعات آموزش، انرژی، حمل‌ونقل، گردشگری و حفاظت محیط زیست را دنبال می‌کند. حفظ و تضمین صلح، امنیت و ثبات در منطقه و حرکت به سوی استقرار یک نظم سیاسی و اقتصادی جدید بین‌المللی نیز از دیگر اهداف این سازمان به شمار می‌آید که بی‌تردید در زمره اهدافی جای می‌گیرد که سیاست خارجی ایران دنبال می‌کند. این در حالی است که دولت رئیسی فارغ از تلاش برای رفع تحریم‌های غرب در طراحی سیاست جدید آسیایی خود می‌کوشد به رابطه با کشورهای آسیا جنبه راهبردی ببخشد. عضویت دائم در سازمان همکاری‌های منطقه‌ای شانگهای مقدمه خوبی برای نیل به این مهم به شمار می‌آید. حال آنکه بهره‌مندی از حدود یک سوم جمعیت جهان و بخش بزرگ منطقه اوراسیا با منابع پرشمار انرژی و قرار گرفتن در یک موقعیت ژئواستراتژیک میان دو قطب پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، سازمان همکاری شانگهای را در موقعیت منحصر به فردی قرار داده است.

توسعه انرژی و حمل و نقل

با این همه آنچه در رویارویی ایران با رویکرد تحریمی از سوی غرب بر اهمیت عضویت در شانگهای و طی شدن مراحل اجرایی عضویت کشورمان می‌افزاید، گشوده

شدن مسیر هموارتر برای ورود به بازار گسترده کشورهای عضو سازمان و امکان تقویت روابط تجاری، ترانزیتی و انرژی با این کشورها است. پیوند یافتن با سازمانی که در آن چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان و هند و روسیه به‌عنوان دیگر کشورهای قدرتمند اقتصادی حضور دارند، برای کشوری همچون ایران که از ظرفیت‌های ویژه از جمله در حوزه انرژی و امکان تبدیل شدن به کریدور ارتباطی اعضا با خود و با کشورهای خارج از سازمان برخوردار است، بی‌شک می‌تواند به یکی از محرک‌های رشد و توسعه اقتصادی تبدیل شود. چه آنکه ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال نفت جهان و یکی از شاهراه‌های مواصلاتی در منطقه با برخورداری از منابع غنی انرژی، دسترسی به دو دریای مهم و موقعیت سوق‌الجیشی بی‌نظیر، قادر به تأمین نیازهای اصلی بسیاری از کشورهای منطقه و اعضای سازمان شانگهای است.

این مهم را رئیسی در سخنرانی سال گذشته خود در مجمع عمومی سازمان شانگهای با اشاره به ظرفیت ترانزیتی کشور مورد توجه قرار داد و یادآور شد که «ایران می‌تواند از طریق کریدور شمال - جنوب حلقه وصل جنوب و شمال اوراسیا باشد و آسیای مرکزی و روسیه را به هند پیوند دهد»؛ کریدوری که از امکان تقویت زیرساخت همگرایی در قالب اوراسیای بزرگ بهره‌مند است. چه قرار گرفتن ایران در مسیر یکی از کریدورهای «ابتکار کمربند و راه» یعنی کریدور چین - آسیای مرکزی و غرب آسیا می‌تواند از یک‌سو پیونددهنده شرق و غرب اوراسیا باشد و از سوی دیگر بندر بزرگ چابهار را به مرکز تبادلات چندین کشور عضو و همسایه تبدیل کند، چنانکه به نماد همکاری همه اعضای سازمان شانگهای تبدیل شود.

چتر امنیتی

افزون بر اهمیت وجه اقتصادی سازمان «شانگهای»، عضویت در این سازمان همکاری به چتر حمایتی این اتحادیه در حوزه‌های سیاسی و امنیتی نیز منجر می‌شود که می‌تواند حمایت قابل ملاحظه‌ای را برای روزهای بحرانی ایران به ارمغان آورد و میدان

بازی را جهت کسب و پیگیری منافع ملی و ایفای نقش منطقه‌ای ایران مهیا کند. چه آنکه چین و روسیه که دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل به شمار می‌آیند، در روزهای پر تب و تاب پس از خروج امریکا از برجام، پشتوانه سیاسی خوبی برای مواجهه ایران با تقابل‌جویی‌های دولت دونالد ترامپ در صحنه‌های بین‌المللی بوده‌اند.

به این ترتیب فارغ از ابعاد اقتصادی و سیاسی عضویت در شانگهای، عمیق‌تر شدن همکاری‌های امنیتی ایران و اعضای این سازمان را می‌توان از دیگر نتایج حضور دائم کشورمان در این سازمان به شمار آورد. شکل‌گیری فضای مناسب جهت ایجاد طرح نظام امنیت دسته‌جمعی با هدف مقابله با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و حتی مهیا کردن امکان پیگیری مطلوب و فعال‌تر رژیم حقوقی و امنیتی دریای خزر از دستاوردهای امنیتی این رویداد است. بهره‌مندی ایران از موقعیت ژئوپلیتیک که آن را به عنوان مهم‌ترین کشور در ثقل ارتباطات سیاسی، اقتصادی و حمل و نقل منطقه نشانده است و عضویت دائم ایران در شانگهای و تمرکز بر ترمیم مناسبات در حوزه آسیایی و یافتن راهکارهایی که ورای تحریم‌ها تسهیل‌کننده پیگیری اهدافش متناسب با شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی باشد، می‌تواند کشورمان را در نقطه کانونی مناسبات و مرکز ارتباطی قرار دهد.

نقطه عزیمت

در پی پیوست دائمی به «شانگهای»، گسترش روابط دیپلماتیک مؤثر با اغلب کشورهای آسیایی و منطقه خاورمیانه، نقطه عزیمتی است که دولت سیزدهم در منطقه دنبال خواهد کرد. دیپلماسی‌ای که با قرار گرفتن روند اجرای توافق هسته‌ای، فرصت برداشتن گام‌های بلندتری را نیز در پیش رو خواهد داشت. تردیدی وجود ندارد که پایان پرونده هسته‌ای و آزاد شدن انرژی متمرکز برای به ثمر رساندن برجام، موج تازه‌ای از روند توسعه روابط سیاسی و اقتصادی را فراهم می‌آورد که طبیعتاً بخشی از آن در مراوده با کشورهای حوزه آسیا پدیدار خواهد شد.

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

توافق سوآپ گازی؛ نقطه عطف حضور در «اکو»

این کشورها در بهره‌مندی کم‌هزینه از کریدورهای حیاتی تبدیل کرده است. خاصه آنکه وجود ظرفیت بالای حمل و نقل کالا تا ارزش ۱۲ میلیارد دلار از مسیر عبوری ایران، به جایگاه آن در ترانزیت منطقه اهمیتی ویژه بخشیده است. در چنین فضایی نخستین حضور رئیسی در نشست «اکو» در حالی صورت گرفت که او کوشید سیاست دولت‌ش را مبنی بر ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی با همسایگان، استفاده از قراردادهای دوجانبه و چندجانبه ارزی و تشکیل شورای هماهنگی دیپلماسی اقتصادی، فراهم کردن زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی از طریق معرفی ظرفیت‌های اقتصادی ایران در سطح منطقه و مشارکت فعال بخش خصوصی در بازار کشورهای همسایه تبیین کند. هدفی که در نیل به آن، احیای نقش کشور در قالب سازمان‌های همکاری منطقه ریل‌گذاری شده است. ذیل چنین رویکردی، تمرکز بر حضور فعال در اجلاس‌های منطقه‌ای همچون «اکو» که کارویژه اصلی آن در تقویت همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای تعریف شده است، می‌تواند به گشوده شدن روزه‌های روشنی در به اجرا درآوردن رویکرد اقتصادمحور دولت در سطح منطقه بینجامد.

دومین سفر خارجی سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور به شهر «عشق آباد» پایتخت ترکمنستان با هدف مشارکت در پانزدهمین نشست سران سازمان همکاری اقتصادی موسوم به «اکو» در اوایل آذرماه سال گذشته صورت گرفت. حضوری که نقطه عطف آن امضای قرارداد سه جانبه انتقال گاز ترکمنستان به جمهوری آذربایجان از طریق ایران در حاشیه اجلاس سران بود. سید ابراهیم رئیسی در شرایطی در دومین سفر خارجی خود در نشست یک سازمان همکاری مهم منطقه‌ای حضور یافت که این حضور در وهله نخست به معنای عینیت بخشیدن بیشتر به سیاست خارجی مبتنی بر تعامل و گسترش روابط در حوزه آسیا و منطقه در دولت سیزدهم تعبیر می‌شد و در گام بعدی نشان‌دهنده وجه عمل‌گرایانه دولت در پیگیری اهداف مهم اقتصادی به‌شمار می‌آمد. سازمان منطقه‌ای «اکو» دهه‌ها پیش و در سال ۱۹۶۵ میلادی از سوی سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مهمی همچون همسایگی، اشتراکات تاریخی و فرهنگی و توسعه اقتصادی پایه‌گذاری شد. با این حال بعدها همکاری این کشورها در پیگیری و دستیابی به مهم‌ترین اهداف خود یعنی ایجاد همگرایی اقتصادی در مسیر اجرا با فراز و فرودهای بسیاری روبه‌رو شد و بر روند تحقق بخشیدن منافع تجاری هر یک از کشورهای عضو سایه انداخت. در ادامه پیوستن کشورهای افغانستان، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به این سازمان منطقه‌ای، فهرست اعضا را پرشمارتر کرد تا متناظر با امکانات وسیع نفتی، گازی و صنعتی آنها بتوان چشم‌انداز روشن‌تری را برای همگرایی اعضا پیش‌بینی کرد.

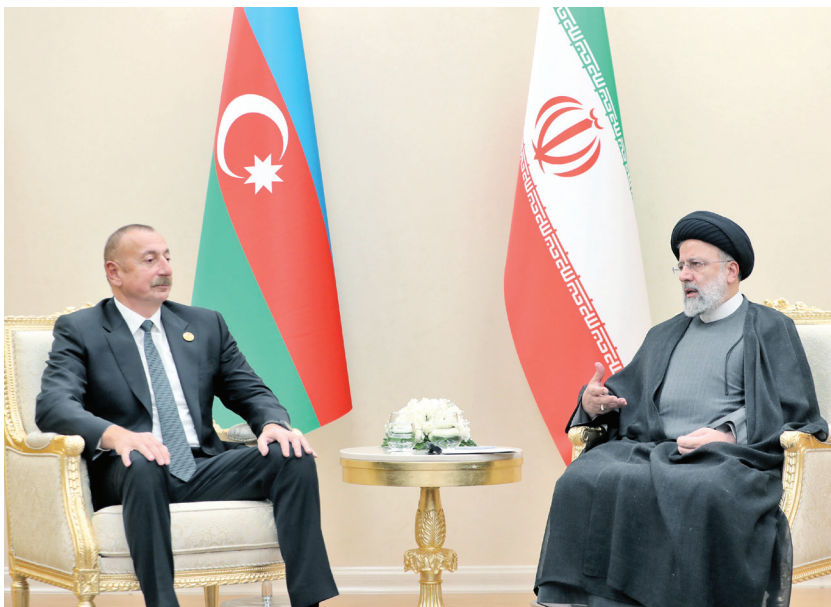
بودن موقعیت استراتژیک جغرافیایی برای برقراری اتصال سایر اعضا به آب‌های بین‌المللی و همچنین استقرار دبیرخانه دائمی اکو در کشورمان به نوعی موقعیت محوری به آن در این سازمان همکاری بخشیده است. از سوی دیگر وضعیت خاص جغرافیایی ایران مبنی بر قرارگرفتن در امتداد کریدور چین-اروپا و حلقه اتصال آسیای مرکزی و دریای خزر به خلیج فارس همواره کشورمان را به یک نقطه هدف برای

ایران؛ عضو اثرگذار

ایران به عنوان یکی از اعضای اصلی «اکو» با قرار گرفتن در جایگاه دوم بهره‌مندی از ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان، کشور مهم و اثرگذاری در مدار بازیگران قدرتمند آسیای ذیل محور سه قدرت روسیه، چین و هند به‌شمار می‌آید. همچنین مرز مشترک زمینی ایران با ۵ کشور عضو «اکو» و دارا



اجلاس سران سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو)



دیدار رئیس جمهور آذربایجان با دکتر رئیسی



دیدار رئیس جمهور ترکیه با دکتر رئیسی

اهتمام به همکاری‌های چندجانبه

اهمیت توجه دولت سیزدهم به تقویت همکاری‌های چندجانبه خود بویژه در قالب سازمان‌های همکاری در حالی دوچندان می‌شود که کشورهای منظومه غرب و در رأس آنها امریکا تضعیف سازوکارهای همگراییانه در منطقه آسیا بویژه مشارکت ایران را دنبال می‌کنند. هدف قرار دادن «اکو» به عنوان یکی از چنین سازمان‌های منطقه‌ای از جمله مأموریت‌های اجرایی امریکا در منطقه بود که سبب شد این کشور یک استراتژی جامع را در ارتباط با ایران و با هدف تحت تأثیر قرار دادن اهمیت ژئوپولیتیک آن در آسیا در پیش گیرد. واشنگتن در پیگیری این رویکرد، طراحی پروژه اتصال بنادر شرقی دریای خزر به سمت بنادر دریای سیاه به موازات مسیر ایران، ایجاد کریدور شمالی- جنوبی میان کشورهای آسیای میانه به موازات کریدور شمالی- جنوبی ایران و همچنین طراحی مسیر لاجورد در موازات کریدور شرقی- غربی ایران از جمله مسیرهای موازی حمل و نقل کالا را در دستور کار قرار داد و پروسه اجرایی آن را کلید زد تا اهمیت کریدورهای متصل به ایران را فاقد ارزش سازد. صرف هزینه‌های هنگفت برای اجرایی کردن پروژه موسوم به «تاپی» با هدف ایجاد خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به هند از دیگر اقداماتی بود که به پشتوانه سرمایه‌گذاری اقتصادی گسترده امریکا و با هدف کاستن از موقعیت ژئوپولیتیک منطقه‌ای ایران دنبال شده است. این چنین بود که حضور رئیس جمهور

ایران در اجلاس سازمان همکاری اقتصادی موسوم به «اکو» در اوایل آذرماه سال جاری در امتداد پیگیری سیاست تمرکز بر آسیا انجام گرفت. رئیسی در سخنان خود در این نشست تصریح کرد که سیاست تعامل حداکثری با همسایگان را در دستور کار دولت خود قرار داده است. او در این باره افزود: «بی‌تردید تقویت نقش و جایگاه سازمان‌های منطقه‌ای به عنوان تسهیل‌کننده همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه مورد توجه و اهتمام ماست که یکی از نمودهای واضح آن سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو است.»

منبع بااهمیت و پردرآمد مالی

نقطه عطف حضور رئیس جمهور ایران در اجلاس اکو در حاشیه نشست سران رقم خورد که بر پایه آن، رئیسی قرارداد سه‌جانبه سوآپ گازی را با حضور «الهام علی‌اف»، رئیس جمهور آذربایجان و وزرای نفت دو کشور به امضا رساند. قراردادی که در یک سال گذشته از مهم‌ترین نتایج درخشان دیپلماسی دولت در حوزه انرژی به‌شمار می‌آید. بر اساس این قرارداد مقرر شده ایران در مرز ترکمنستان روزانه ۵ تا ۶ میلیون مترمکعب گاز صادراتی از این کشور را دریافت کرده و ما به‌ازای آن را در مرز به جمهوری آذربایجان تحویل دهد. تردیدی وجود ندارد که ترانزیت گاز ترکمنستان به آذربایجان به یکی از منابع اقتصادی پردرآمد برای کشور تبدیل شده و ایران را برای بهره‌برداری بیشتر از امکانات جغرافیایی و استراتژیک برای انتقال انرژی منطقه ترغیب نموده است.

نقطه عطف حضور رئیس جمهور ایران در اجلاس اکو در حاشیه نشست سران رقم خورد که بر پایه آن، رئیسی قرارداد سه‌جانبه سوآپ گازی را با حضور «الهام علی‌اف»، رئیس جمهور آذربایجان و وزرای نفت دو کشور به امضا رساند. قراردادی که در یک سال گذشته از مهم‌ترین نتایج درخشان دیپلماسی دولت در حوزه انرژی به‌شمار می‌آید. بر اساس این قرارداد مقرر شده ایران در مرز ترکمنستان روزانه ۵ تا ۶ میلیون مترمکعب گاز صادراتی از این کشور را دریافت کرده و ما به‌ازای آن را در مرز به جمهوری آذربایجان تحویل دهد. تردیدی وجود ندارد که ترانزیت گاز ترکمنستان به آذربایجان به یکی از منابع اقتصادی پردرآمد برای کشور تبدیل شده و ایران را برای بهره‌برداری بیشتر از امکانات جغرافیایی و استراتژیک برای انتقال انرژی منطقه ترغیب نموده است.

ویژه‌نامه



ایران

شماره ۵ شهریور ۱۴۰۱

ابتکار عمل در «اوپک گازی»

سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور دوم اسفند سال گذشته در حالی به دعوت امیر قطر و برای شرکت در ششمین اجلاس سران اوپک گازی راهی دوحه شد که سفر او از دو منظر حائز اهمیت بود. اول، توسعه روابط منطقه‌ای که یکی از راهبردهای اصلی سیاست خارجی دولت است و دیگر، تأثیرگذاری بر هماهنگی میان ۱۱ کشور صادرکننده گاز که با در اختیار داشتن ۷۰ درصد ذخیره جهان اعضای این اوپک گازی هستند و در میان‌شان ایران، قطر و روسیه در زمره کشورهای با بیشترین ذخایر به شمار می‌روند. اجلاس به دو روزه دوحه در شرایطی برگزار شد که افزایش کم سابقه بهای نفت در بازارهای جهانی همزمان با تنش‌های میان روسیه و کشورهای عضو پیمان ناتو پیرامون کشور اوکراین به وجود آمده، سیاستگذاری کشورهای صادرکننده گاز را با موقعیتی خاص مواجه ساخته است. روسیه در حالی در نقطه بالاگرفتن تنش با کشورهای اروپایی ایستاده که بزرگترین تأمین کننده گاز برای این کشورها است و از چند ماه پیش به رغم افزایش چهار برابری قیمت جهانی حاضر نشد چیزی فراتر از تعهدات بلندمدت به این کشورها صادر کند. گفتنی است نخستین مجمع کشورهای صادرکننده گاز با ابتکار عمل سه کشور ایران، روسیه و قطر پس از رایزنی مقامات سه کشور در تهران برگزار شد و تلاش برای افزایش قیمت گاز، ایجاد هماهنگی در سیاست‌های صادراتی کشورهای عضو از جمله اهداف مهمی بود که برای آن پیش‌بینی شد و حالا این اوپک گازی فرصت لازم را برای انتفاع از وضعیت بین‌المللی شکل گرفته پیش روی کشورهای عضو گذاشته است. این در حالی است که تقسیم بازار، تعیین حجم تولید و قیمت کالا، تضعیف و از بین بردن رقابت و تسلط بر بازار یک کالای خاص از جمله ویژگی‌هایی است که مبنای یک مجمع همکاری را تعریف می‌کند و نمونه بارز آن مجمع اوپک گازی است.



گاز طبیعی در خدمت اقتصاد جهانی

رئیس جمهور در ششمین نشست اوپک گازی در حالی که ابتکاری تحت عنوان «گاز طبیعی در خدمت اقتصاد جهانی» در دوران پس از کرونا را برای کمک به بازیابی اقتصاد جهانی در دوره عبور از پاندمی کووید-۱۹ پیشنهاد می‌داد، از افزایش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورهای همسایه و سایر کشورها و نقشی متناسب با این حجم از ذخایر، در بازار جهانی گاز خبر داد. رئیسی در حوزه صادرات گاز هم از تمایل برای معاوضه گاز یا سوآپ گازی سخن گفت و به تجربه سوآپ گازی میان ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در سال گذشته اشاره کرد. تأکید رئیس جمهور بر تقویت مجمع گازی اوپک در حالی است که یکی از ثمرات روشن تقویت همکاری کشورها در این چهارچوب همکاری، به هماهنگی بیشتر کشورهای فعال در این عرصه می‌انجامد و از آسیب ناشی از ناهماهنگی بین این کشورها که در نهایت منجر به زیان منافع ملی آنها می‌شود، جلوگیری می‌کند. در این روند، بازیگران مسلمان کشورهای اوپک گازی و از جمله ایران با توجه به بهره‌مندی از ذخایر عظیم انرژی می‌توانند با قیمت‌گذاری مناسب و افزایش صادرات گاز از طریق اوپک گازی،

جان تازه‌ای به اقتصاد خود ببخشند. از این رو پیوستن دیگر کشورهای اسلامی که ذخایر گازی غنی دارند، نیز می‌تواند اثرگذاری قابل توجهی برای این کشورها و ایران در قدرتمندتر شدن این سازمان داشته باشد.

تلاش غرب برای تضعیف اوپک گازی

تأکید رئیس جمهور ایران در اجلاس اخیر دوحه بر افزایش همکاری کشورهای منطقه در بازار جهانی گاز زمانی دوچندان می‌شود که واشنگتن و اتحادیه اروپا در تضعیف قدرت و کارایی اوپک گازی جهت کمرنگ کردن فرصت‌ها برای رقیبان تلاش زیادی از خود نشان داده‌اند. چه آنکه ایالات متحده در سال‌های اخیر با برقراری ارتباط و نفوذ سیاسی بیشتر روی اعضای اوپک گازی که روابط نزدیکی با غرب دارند و تحریک آنها علیه مناسبات روسیه-ایران در این سازمان، کوشیده از شکل‌گیری یک اوپک گازی قدرتمند جلوگیری کند. حال آنکه سهم کشورهای مسلمان از مجموع ذخایر گازی جهان حدود ۶۴ درصد ارزیابی می‌شود. از سوی دیگر، روسیه نیز همچون ایران علاقه‌مند است که اهرم ژئوپلیتیکی گاز را در مقابل رقبای غربی در مناطقی که با انرژی، کار زیادی را می‌توان پیش برد، به کار گیرد.

به این ترتیب اوپک گازی امکان

مناسبی را برای همکاری‌های بیشتر در عرصه‌های مختلف استخراج، تولید، انتقال و فروش گاز طبیعی، احداث خطوط لوله بین‌مرزی و گسترش روابط اقتصادی بین کشورهای اسلامی فراهم می‌کند. این سازمان همچنین زمینه‌های تجاری جدیدی را برای کشورهای مسلمان تولیدکننده، به وجود آورده و در گسترش مناسبات اقتصادی این کشورها اثرگذار است. به این ترتیب این کشورها می‌توانند به جای رقابت با یکدیگر، گزینه همکاری را برگزینند. به عنوان نمونه ایران و قطر شرکای بزرگ گازی منطقه به شمار می‌روند. چنانکه ۷۰ درصد گاز ایران از میدان مشترک با قطر یعنی «پارس جنوبی» تأمین می‌شود که ۴۰ درصد آن سهم ایران و مابقی در اختیار قطری‌هاست، اگرچه سال‌های پیشرفت فازهای پارس جنوبی عمدتاً در اوج تحریم‌ها بوده اما با همت پیمانکاران داخلی این فازها توسعه یافتند ولی متأسفانه فاز یازدهم این میدان که مرزی‌ترین فاز ایران با قطر است، حدود ۱۰ سال است که توسعه مطلوب پیدا نکرده و به گفته کارشناسان، عدم النفع توسعه آن در این سال‌ها، بیش از ۱۰ میلیارد دلار بوده است. در چنین شرایطی این احتمال که تهران و دوحه در امتداد توسعه همکاری‌های خود به توافق برای سرمایه‌گذاری مشترک در این زمینه دست پیدا کنند



موقعیت ترانزیتی ایران نیز برای نقل و انتقال گاز مزیت خوبی نسبت به سایر کشورها دارد. خاصه آنکه ایران که تحت تحریم‌های امریکا می‌کوشد از همه امکانات بالقوه خود برای مقابله با تحریم‌ها و استقامت در جبهه این جنگ اقتصادی استفاده کند از افزایش قیمت جهانی نفت و گاز بهره مضاعف خواهد برد. متزلزل شدن اهرم تحریم به واسطه مواجهه کشورهای خریدار با ضرورت تأمین منابع انرژی و در عین حال افزایش درآمدهای ارزی از محل فروش این منابع استراتژیک انرژی از جمله این بهره‌هاست.

نه تنها حضور ناگزیر کنسرسیوم‌های فرامنطقه‌ای در این میدان گازی را منتفی می‌سازد بلکه سبب خواهد شد که سود بیشتری نصیب ملت‌های دو کشور شود که در بهره‌گیری از این منابع خدادادی شراکت دارند.

قطب اقتصادی - صنعتی

تداوم این همکاری‌ها در آینده می‌تواند زمینه را برای تشکیل یک قطب اقتصادی-سیاسی منطقه‌ای با اتکا به همکاری کشورهای اسلامی و از جمله ایران فراهم کند. بویژه که

رئیزی در حوزه صادرات گازی هم از تمایل برای معاوضه گاز یا سوآپ گازی سخن گفت و به تجربه سوآپ گازی میان ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در سال گذشته اشاره کرد. تأکید رئیس‌جمهور بر تقویت مجمع گازی اوپک در حالی است که یکی از ثمرات روشن تقویت همکاری کشورها در این چهارچوب همکاری، به هماهنگی بیشتر کشورهای فعال در این عرصه می‌انجامد و از آسیب ناشی از ناهماهنگی بین این کشورها که در نهایت منجر به زیان منافع ملی آنها می‌شود، جلوگیری می‌کند



ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱



پیوستن «شرکای همفکر» به خانواده «بریکس»

ایران در ائتلاف فراقاره‌ای

اعضای جدید

هرچند «بریکس» در مقایسه با دیگر ائتلاف‌ها و نهادهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی یک گروه وسیع و پرشمار به حساب نمی‌آید اما اعضای آن در حال تعبیه مکانیسم‌هایی برای مشارکت کشورهای دیگر برای گسترش سطح فراگیری آن هستند. چنان که پکن درصدد برآمده شمار این گروه را افزایش دهد تا به این ترتیب اتحادیه جدیدی تحت عنوان «بریکس پلاس» با شرکت ۱۱ کشور تشکیل شود. در همین چهارچوب ایران، پاکستان، بنگلادش، نیجریه، کره، مکزیک، اندونزی، ترکیه، فیلیپین و ویتنام کشورهای تشکیل دهنده این سازمان

چهاردهمین اجلاس گروه بین‌المللی «بریکس پلاس» تیرماه گذشته به میزبانی چین در حالی برگزار شد که سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در ویدئوکنفرانس سران کشورهای عضو این گروه، ایران را شریکی پایدار و قابل اتکا جهت متصل شدن «بریکس» به گلوگاه‌های انرژی و بازارهای بزرگ جهانی دانست. ایده اولیه شکل‌گیری گروه «بریکس» زیر سایه تحولاتی شکل گرفت که سال‌ها پیش در رویارویی کشورهای غیر غربی با کشورهای بزرگ بلوک غرب به وجود آمده بود. مواجهه‌ای که سبب شد این دسته از کشورهای خارج از بلوک غرب درصدد ایجاد نهادی مستقل و بین‌المللی برآیند که از رهاورد آن بتوانند اهداف اقتصادی و سیاسی خود را در مسیری خلاف رویکرد یکجانبه گرایانه آمریکا و شرکای اروپایی‌اش دنبال کنند. این چنین بود که این کشورها پس از آنکه آمریکا نتایج اسفباری در جنگ‌های مداخله‌جویانه‌اش در عراق و افغانستان به دست آورد، دور یکدیگر جمع شدند و با پیوستن آفریقای جنوبی به جمع کشورهای چین، روسیه، هند و برزیل، گروه «بریکس» را در سال ۲۰۱۲ پایه‌گذاری کردند. کشورهای عضو «بریکس» به عنوان یک ائتلاف فراقاره‌ای که کوشیده‌اند ساختار بندی جدیدی را برای اقتصاد و سیاست جهانی فراهم کنند، در مجموع ۴۱ درصد جمعیت جهان، ۲۶ درصد مساحت زمین در گستره چهار قاره جهان، ۲۵ درصد تولید ناخالص جهانی و ۲۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند، همچنین مجموع جمعیت این گروه ۲/۸۸ میلیارد نفر و مساحت گستره جغرافیایی ۳۰/۳ میلیون متر مربع می‌باشد و تولید ناخالص این کشورها هم چند هزار میلیارد دلار برآورد شده است.

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

عضویت رسمی خود در این گروه را نیز مطرح کرد که مورد استقبال چین و روسیه واقع شد. «ژائو لیجیان» سخنگوی وزارت امور خارجه چین پس از درخواست ایران و آرژانتین برای پیوستن به گروه «بریکس» گفت که پکن با شرکای بریکس همکاری خواهد کرد تا با مداومت گسترش اعضا، این ساز و کار را برای پیوستن «شرکای همفکر» بیشتر به خانواده بریکس پیش ببرند. «سرگئی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه نیز پس از نشست وزرای خارجه کشورهای حاشیه دریای خزر از پیشنهاد ایران در پیوستن به گروه «بریکس» استقبال و ایران را شایسته پیوستن به بریکس معرفی کرد.

موقعیت‌شناسی

دعوت از رئیس‌جمهور ایران برای سخنرانی در نشست «بریکس» و استقبال چین و روسیه از عضویت کشورمان برای پیوستن به این گروه از مجموع تحولاتی حکایت می‌کند که دولت سیزدهم با پیگیری یک سیاست متوازن و فعال در عرصه مناسبات منطقه‌ای در پیش گرفته است. چه آنکه اهمیت حضور ایران در «بریکس پلاس» اگر از عضویت در سازمان همکاری «شانگهای» بیشتر نباشد، از آن کمتر نیز نخواهد بود و زمینه ساز تحول بزرگی در استمرار، تقویت و اثرگذاری دیپلماسی اقتصادی کشور به عنوان یک بازیگر مهم در نظام بین‌الملل خواهد بود. بروز چنین دستاوردهایی در کوتاه مدت در حالی است که دولت سیزدهم سیاست منطقه‌ای خود را با رویکردی مثبت آغاز کرد. ضربان مهم این رویکرد را نیز شخص رئیس‌جمهور با تأکیده‌های مکرر اش بر ضرورت روابط دوستانه و نزدیک با همه همسایگان و تأکید بر فعال شدن نقش کشور در سازمان‌های ائتلاف‌های منطقه‌ای ذیل تقویت رویکرد همگرایی به صدا درآورد. دولت به واسطه در پیش گرفتن این رویکرد در یک سال گذشته موقعیت شناسی‌های قابل ملاحظه خود را بروز داد. فارغ از تحولات رو به پیشرفتی که در مناسبات دوجانبه جمهوری اسلامی با قریب به اتفاق کشورهای منطقه خاورمیانه و بازیگران بزرگ و کوچک آسیا رقم خورده است، پیوستن به سازمان همکاری و منطقه‌ای «شانگهای»، فعال شدن در سازمان منطقه‌ای «اگو» و فراهم شدن زمینه عضویت ایران در «بریکس» از جمله نشانه‌های ملموس دیپلماسی چندجانبه‌گرا و فعال دولت در عرصه سیاست خارجی بوده است. این در حالی است که موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در کنار بهره‌مندی از منابع گسترده نفت و گاز امکان مناسبی را فراهم می‌کند که ایران وارد یک فرایند مشارکت فعال با کشورهای عضو این سازمان‌ها و گروه‌های بزرگ منطقه‌ای شود. چه آنکه این حضور فعال به عنوان عضو دائم در نهادهای بزرگ منطقه‌ای زیر سایه اهداف تعریف شده این نهادها در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، پولی و بانکی، انرژی و حمل و نقل می‌تواند شرایط بهتری را برای توسعه تبادلات بین‌المللی ایران و تحقق اهداف و منافع ملی کشور رقم بزند.

دعوت از رئیس‌جمهور ایران برای سخنرانی در نشست «بریکس» و استقبال چین و روسیه از عضویت کشورمان برای پیوستن به این گروه از مجموع تحولاتی حکایت می‌کند که دولت سیزدهم با پیگیری یک سیاست متوازن و فعال در عرصه مناسبات منطقه‌ای در پیش گرفته است. چه آنکه اهمیت حضور ایران در «بریکس پلاس» اگر از عضویت در سازمان همکاری «شانگهای» بیشتر نباشد، از آن کمتر نیز نخواهد بود و زمینه ساز تحول بزرگی در استمرار، تقویت و اثرگذاری دیپلماسی اقتصادی کشور به عنوان یک بازیگر مهم در نظام بین‌الملل خواهد بود

عدم عضویت ایران در گروه «بریکس» برای سخنرانی در این نشست دعوت کرد. این چنین بود که رئیسی در سخنان مهم خود در این نشست از آمادگی کشور برای به اشتراک گذاشتن همه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های کشور از جمله ذخایر کم‌نظیر انرژی، شبکه‌های حمل و نقل و ترانزیت کوتاه و ارزان، ثروت استثنایی نیروی انسانی آموزش‌دیده و نیز دستاوردهای علمی چشمگیر، برای نیل به اهداف «بریکس» سخن گفت. به گفته رئیسی، «بریکس» به عنوان نهادی پیشرو و متشکل از اقتصادهای بزرگ نوظهور توانسته است با ارائه الگوها و ابتکارات مناسب، روندهای جدیدی را در جهان شکل دهد. این در حالی بود که ایران درخواست

خواهند بود. گروهی که در مقایسه با ائتلاف‌های بزرگی همچون «G ۲۰» یک مجموعه بزرگ بین‌المللی اقتصادی به شمار می‌آید و چشم‌انداز روشنی پیرامون همگرایی اعضای آن در قالب این مجموعه پیش‌بینی می‌شود.

ظرفیت ایران برای «بریکس»

نشست سال‌جاری «بریکس پلاس» در کشاکش تنش‌های میان روسیه و کشورهای منظومه غرب تحت تأثیر بحران جنگ اوکراین از یک‌سو و روند رو به پیشرفت رقابت پرتنش چین و آمریکا برگزار شد. در چنین فضایی، چین به طور رسمی از رئیس‌جمهور کشورمان با وجود



ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

«تدبیر» و «ابتکار» در فرایند مذاکرات صلح سوریه

تمرکز ویژه بر حل بحران‌های جاری

دولت سیزدهم در امتداد سیاست خارجی جدید خود تمرکز ویژه‌اش را بر حل بحران‌های جاری و تقویت مناسبات منطقه‌ای خود قرار داد. از میان این مسائل، سوریه از جمله موضوعاتی بود که نیاز به تحرک دیپلماتیک ویژه ایران داشت و دولت سید ابراهیم رئیسی در این رابطه با پیگیری فعالانه دیپلماسی خود سعی کرد نهایت تأثیرگذاری ایران در پایان بخشیدن به بحران دمشق را به منصه ظهور بگذارد. به این ترتیب ایرانی که در سال‌های اخیر به واسطه سیاست‌های دولت پیشین حضور چندانی مؤثری در روند مذاکرات صلح سوریه از خود نشان نداده بود، به یکی از طراحان اصلی دستورالعمل نشست اخیر سران سه کشور ایران، روسیه و ترکیه در قالب مذاکرات موسوم به «آستانه» تبدیل شد.

هفتمین اجلاس

در پی این تلاش‌ها هفتمین اجلاس سران کشورهای ضامن روند «آستانه» با حضور «سید ابراهیم رئیسی» رئیس جمهور کشورمان، «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه و «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهوری ترکیه ۲۸ تیرماه امسال در تهران برگزار شود. آتش بس فراگیری که از دی سال ۱۳۹۵ (دسامبر ۲۰۱۶) با توافق میان دولت سوریه و گروهی از مخالفان مسلح صورت گرفت، مقدمه‌ای برای آغاز گفت‌وگوهای صلح سوریه به میزبانی شهر آستانه بود که طی آن برای نخستین بار نمایندگان دولت سوریه با نمایندگانی از گروه‌های مخالف مسلح به‌طور مستقیم رایزنی کردند. این آتش بس پس از گذر شش سال از آغاز بحرانی صورت گرفت که از سال ۲۰۱۱ هزاران غیرنظامی سوری را مجروح کرد و به کام مرگ کشاند. در پی گذر چنین سال‌های خونباری در سوریه سرانجام در بهمن ماه ۱۳۹۵ (ژانویه ۲۰۱۷) برای نخستین بار دو طرف اصلی جنگ یعنی نمایندگان دولت قانونی سوریه و نمایندگان گروه‌های اصلی معارضین مسلح در «آستانه» بر سر یک میز نشستند تا با گشودن دریچه دیپلماسی راهی برای پایان دادن به بحران خشونت بار سوریه بیابند. این در حالی بود که ایران و روسیه هم با حمایت ترکیه برای اولین بار بود که با نظامیان مخالف دولت سوریه گرد هم می‌آمدند. بعد از برگزاری این نشست‌های مقدماتی در آستانه، نخستین دور اجلاس با حضور نمایندگان ایران، روسیه و ترکیه، به منظور برقراری آتش بس در سوریه در آذر

دولت سیزدهم در حالی در روند تبیین سیاست خارجی مورد نظر در منطقه پرچالش خاورمیانه بر تعمیق رابطه با همسایگان و ضرورت کنار گذاشتن رقابت‌های مخرب و نابجا تأکید کرد که خود بویژه در حل موضوعات پرچالش منطقه همچون پرونده مذاکرات صلح سوریه تلاش‌های ویژه‌ای را آغاز کرد. این مهم از همان آغاز با سفرهای متوالی حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه به دمشق و رایزنی‌های مستمری که در روند حل بحران سوریه به جریان انداخت، پدیدار شد. رویداد چالش برانگیزی که در صورت تداوم می‌توانست بر ابعاد مسائل مبتلا به منطقه تأثیری مخرب بگذارد و به همین دلیل عبور بی‌تفاوت از کنار آن ممکن نبود. از این رو اگرچه جمهوری اسلامی از محدود کشورهای انگشت شماری بود که در تمام سال‌ها و ماه‌های جنگ سوریه، نسبت به آنچه در میدان جنگ نظامی در حال رخ دادن بود، به طور مؤثری اقدام کرد و در شرایطی که احتمال حمله نظامی قدرت‌های خارج از منطقه به این کشور قوت گرفت، بر حمایت از دولت قانونی دمشق اصرار ورزید اما این در حالی بود که دولت پیشین نتوانست دیپلماسی خود را همپای این حمایت مستشاری همه جانبه جمهوری اسلامی از سوریه در مقابله با داعش پیش براند.



ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

هفتمین نشست آستانه با حضور

رئیس، پوتین و اردوغان در حالی انجام شد که پیش از آن دولت سیزدهم تلاش‌های میانجیگرانه‌ای را برای جلوگیری از یک بحران جدید در منطقه از خود نشان داده بود. از این رو احتمال وقوع عملیات ویژه در بخشی از خاک و سرزمین سوریه یکی از محورهای مهم گفت‌وگوهای رئیس با «رجب طیب اردوغان»، رئیس جمهور ترکیه در حاشیه نشست اخیر در تهران بود و رئیس کوشید با تبیین مواضع تهران مبنی بر تداوم حل و فصل دیپلماتیک تحولات میدانی سوریه، «اردوغان» را نسبت به پیگیری موضوعات مدنظر خود ذیل این رویکرد ترغیب کند

موضوعات قبلی، چند موضوع مهم دیگر نیز در دستور کار رایزنی‌ها قرار گرفت. از جمله این موضوعات می‌توان به قصد ترکیه برای انجام عملیات نظامی جدید در منطقه کردنشین سوریه، ادامه حملات نظامی رژیم صهیونیستی به سوریه و تأکید بر پایان این اقدامات و تعیین روند همکاری مستشاری ایران و روسیه در سوریه، تأکید بر توزیع عادلانه کمک‌های بشر دوستانه به مردم سوریه در نقاط مختلف این کشور از سوی سازمان ملل متحد و تأکید بر لزوم رفع تحریم‌های سوریه اشاره داشت.

به این ترتیب پیگیری هوشمندانه مذاکرات «آستانه» وجهی از تلاش دولت سیزدهم برای توسعه مناسبات دیپلماتیک اثرگذار با کشورهای همسایه

۱۳۹۶ در سوچی روسیه برگزار شد و این گفت‌وگوها در قالب مذاکرات موسوم به «آستانه» در سال‌های پس از آن نیز با حضور رؤسای جمهور این سه کشور ادامه پیدا کرد.

تا پیش از نشست اخیر سران سه کشور در تهران در دوره رئیس، آخرین سفر پوتین و اردوغان به تهران به شهریور سال ۱۳۹۷ باز می‌گشت که در چهارچوب برگزاری همین اجلاس انجام شده بود. تلاش مشترک برای تقویت همکاری و هماهنگی سیاسی و میدانی در مسیر توقف درگیری‌ها، کمک به انجام توافقات صورت گرفته و تسهیل گفت‌وگوی ملی سوریه-سوری از جمله دستورکارهای مهم مذاکرات آستانه بوده است. تلاشی که به طور طبیعی فارغ از اختلاف نظرهای پیرامون رویکرد میدانی و سیاسی این کشورها هم نبوده است.



حل و فصل هوشمندانه مذاکرات آستانه

هفتمین نشست آستانه با حضور رئیس، پوتین و اردوغان در حالی انجام شد که پیش از آن دولت سیزدهم تلاش‌های میانجیگرانه‌ای را برای جلوگیری از یک بحران جدید در منطقه از خود نشان داده بود. چه آنکه ترکیه در ماه‌های اخیر بارها بر آمادگی خود برای حمله نظامی به شمال سوریه برای تکمیل منطقه حائل مورد نظر خود ذیل منطقه «پاکسازی» شده از تروریسم» در خاک این کشور و

در امتداد مرز ترکیه تأکید کرده بود. از این رو احتمال وقوع عملیات ویژه در بخشی از خاک و سرزمین سوریه یکی از محورهای مهم گفت‌وگوهای رئیس با «رجب طیب اردوغان»، رئیس جمهور ترکیه در حاشیه نشست اخیر در تهران بود و رئیس کوشید با تبیین مواضع تهران مبنی بر تداوم حل و فصل دیپلماتیک تحولات میدانی سوریه، «اردوغان» را نسبت به پیگیری موضوعات مدنظر خود ذیل این رویکرد ترغیب کند. از سوی دیگر در روند مذاکرات «آستانه» در تیرماه سال جاری علاوه بر پیگیری

و عربی و حل و فصل موضوعات بحرانی در یک روند دیپلماتیک به شمار می‌آید که به نوعی نقطه آغاز برای اجرایی کردن اهداف و منافع تعریف شده دولت در عرصه منطقه است. فعال شدن کانال دیپلماسی مستمر میان تهران و پایتخت‌های عربی متناظر به چنین رویکردی صورت گرفته است. واقعیتی که مثبت‌ترین وجه آن را باید در عزم ایران برای بهره‌برداری از موازنه جدید در جهت ایجاد امنیت و ثبات منطقه‌ای و ترغیب همسایگان به حل اختلافات و بحران‌ها از مسیر تعامل و گفت‌وگو جست‌وجو کرد.

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

عملیات شکست تحریم

«رفع تحریم‌ها» محور اصلی مذاکراتی است که از هشتم آذر ماه ۱۴۰۰ آغاز شد. دیپلمات‌های ایرانی به‌صراحت این را در مواضع و گفته‌های خود تکرار کردند. به‌عنوان نمونه علی باقری همان زمان به فیگارو گفته بود: «اولویت اساسی ایران این است که موضوع لغو تحریم‌های غیر قانونی باید محور اصلی گفت‌وگوها در دور جدید باشد.» این مسأله بخوبی نشان‌دهنده رویکرد جدید ایران در قبال مذاکرات جدید بوده است.

وقتی دیدگاه مشترک به‌وجود آمد

اما اهمیت یافتن این محور اصلی برای مذاکرات چیست؟ یکی از علل اصلی شکست‌های پی‌درپی مذاکرات وین در دولت قبل را می‌توان در «نداشتن دیدگاه مشترک» به هدف مذاکرات دید. مسأله‌ای که البته با سردرگمی تیم مذاکره‌کننده وقت ایران مشکلات را بیشتر کرده بود. به همین سبب بارها در میانه مذاکرات مباحثی همچون لزوم عقب‌نشینی ایران در مسائل منطقه‌ای و موشکی نیز به چشم می‌خورد. غریب‌آبادی سفیر و نماینده دائم ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی که در مذاکرات وین حضور داشت بعدها فاش کرد که غربی‌ها به‌دنبال گنجاندن مسائل غیرهسته‌ای در مذاکرات ناکام وین بودند. وی گفته بود: «در وین، آمریکا و غربی‌ها به‌دنبال اهداف خاص خود بودند. این موضوع نشان داد که آنها همچنان به تفاهم

امور خارجه کشورمان و سفرهای علی باقری معاون سیاسی این وزارتخانه و مسئول تیم مذاکرات جدید به فرانسه، آلمان، انگلیس و اسپانیا و همچنین کشورهای دیگر نیز در همین راستا قابل ارزیابی بوده است. دیپلمات‌های ایرانی تلاش کردند در مرحله اول خروج یکجانبه و غیرقانونی آمریکا از توافق ۲۰۱۵ را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل سست شدن و سپس نابودی این توافقنامه معرفی کنند. با محکم شدن این گزاره امیدها نسبت به رفع مسأله که خواسته‌های ایران یعنی رفع مؤثر تحریم‌ها و در اختیار گرفتن ضمانت‌ها و راستی‌آزمایی‌های لازم مورد قبول طرف‌های مختلف قرار بگیرد افزایش پیدا کرد.

ایران در موضع طلبکار

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که بر اساس ۱۶ گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پایبندی کاملی به توافق داشته است، با بدعهدی آمریکا خسارت دید و به همین دلیل تیم مذاکره‌کننده جدید در موضع طلبکار، برای احقاق حقوق مردم ایران عملیات رفع تحریم را پیگیری کرد. این مسأله در سایه افزایش قدرت غنی‌سازی کشورمان و دستیابی به

هسته‌ای به‌عنوان پلی برای ورود به سایر موضوعات غیرمرتبط مانند مسائل منطقه‌ای و موشکی نگاه می‌کنند. این سری، حتی فراتر رفتند و اصرار کردند که خواسته‌شان به‌نوعی در متن گنجانده شود. هدفشان این است که از این طریق بلافاصله بعد از هر تفاهمی، سراغ این موضوعات بیایند و آن را جزئی لاینفک از تفاهم هسته‌ای تلقی و زمینه را برای مداخلات خود در این حوزه‌ها فراهم کنند و هرکجا هم که به اهداف خود نرسیدند، ایران را مقصر معرفی‌کرده و زمینه را برای اعمال فشار به بهانه‌های دیگر بر ایران فراهم کنند.»

جلوگیری از بازی مقصرنمایی

اما سکنداران جدید دستگاه سیاست خارجی کشورمان تلاش دارند با رایزنی‌های گسترده با مقامات کشورهای ۴+۱ این فهم مشترک را تثبیت کنند. تماس‌های تلفنی امیرعبداللهیان وزیر



سکنداران جدید دستگاه سیاست خارجی کشورمان تلاش دارند با رایزنی‌های گسترده با مقامات کشورهای ۴+۱ این فهم مشترک را تثبیت کنند. تماس‌های تلفنی امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه کشورمان و سفرهای علی باقری معاون سیاسی این وزارتخانه و مسئول تیم مذاکرات جدید به فرانسه، آلمان، انگلیس و اسپانیا و همچنین کشورهای دیگر نیز در همین راستا قابل ارزیابی بوده است

بیش از چندین تن اورانیوم غنی‌شده و همچنین محدود کردن اختیارات برجامی آژانس در کشورمان وزن بیشتری گرفت تا جایی‌که بارها کشورهای اروپایی و آژانس خروج ایران از این وضعیت انفعالی را مورد هجمه قرار داده و ناراحتی خود را ابراز داشته‌اند. حرکت به سمت دیپلماسی رو به جلو و کنار گذاشتن راهبرد صبر استراتژیک که نتوانست غرب را ملزم به احترام گذاشتن به حقوق ایران کند عملاً توپ را در زمین طرف مقابل انداخته است؛ اکنون آنها هستند که باید برای وضعیت پیش آمده پاسخی عملی و عینی داشته باشند.

ابتکار عمل در دست

دولت سیزدهم با همین پشتوانه قوی و شکست کارزار فشار حداکثری در موضعی جدید قرار گرفته و ابتکار عمل را در دست دارد. این مسأله باعث شد حتی زمانی که کشورهای غربی تلاش کردند با به تصویب رساندن قطعنامه‌ای سیاسی در شورای امنیت علیه کشورمان شوی سیاسی اجرا نمایند و از ایران امتیازات فرابرجامی بگیرند، تهران با پایان دادن به اجرای تعهدات برجامی فراپادمانی و کاهش دسترسی‌های آژانس و همچنین پرتودهی به اورانیوم‌های شصت درصد این تهدید را به فرصت تبدیل نماید. فشارهای بعدی ایالات متحده در تحریم شرکت‌های مختلف مانند چند شرکت چینی در حوزه نفتی نیز باعث شد ایران همین مسیر را ادامه داده و با تزریق گاز به سانتریفیوژهای جدید در مقابل مسیر خصمانه طرف مقابل به اقدام فعالانه

در مذاکرات جدید نه تنها جمهوری اسلامی ایران اجازه گفت‌وگو پیرامون مسائل موشکی و منطقه‌ای خود را نداد که حتی دست رد به هرگونه خواسته این کشور درخصوص موضوعات مرتبط با شهید حاج قاسم سلیمانی زد. ایران که خواستار عمل کردن طرف مقابل به تعهدات سال ۲۰۱۵ است، اجازه نداد این کشور به مسائل هسته‌ای ورود مجدد کرده و تلاش کند تا محدودیت‌های برجامی را گسترش دهد. آنها در تمام طول مذاکرات تلاش داشته‌اند تا با گسترش و توسعه محدودیت‌های برجامی برای تهران به قول خودشان دوران گریز هسته‌ای را از آنچه در برجام هم آمده بیشتر کنند. این توطئه البته هیچ گاه به نتیجه نرسید و پس از ماه‌ها تلاش، تیم امریکایی که به سد مذاکره کنندگانی قدرتمند خورده بود از این زیاده‌خواهی دست کشید

دست بزنند. این اتفاقات در کنار گسترش چتر دیپلماسی ایران منجر به آن شد تا در واکنش به تحریم‌های جدید، دیگر کشورها نیز واکنش نشان دهند. چین رسماً در همین فضا اعلام داشت که از تحریم‌های غیرقانونی و یکجانبه امریکا پیروی نمی‌کند و این کشور باید به اصلاح رفتار خود بپردازد. رفتار بازدارنده تهران منجر به آن شد که تعیین ده‌ها ضرب‌الاجل توسط غرب نیز تبدیل به یک اصطلاح تمسخرآمیز و بی‌فایده گردد. با این فرمان جدید در دیپلماسی، تهران توانست توافق مطلوب از منظر خود را به کرسی بنشاند و از کلیدواژه توافق خوب با تفسیر ایرانی سخن بگوید.

این «توافق خوب» چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱. در مذاکرات جدید نه تنها جمهوری اسلامی ایران اجازه گفت‌وگو پیرامون مسائل موشکی و منطقه‌ای خود را نداد که حتی دست رد به هرگونه خواسته این کشور درخصوص موضوعات مرتبط با شهید حاج قاسم سلیمانی زد. ایران که خواستار عمل کردن طرف مقابل به تعهدات سال ۲۰۱۵ است، اجازه نداد این کشور به مسائل هسته‌ای ورود مجدد کرده و تلاش کند تا محدودیت‌های برجامی را گسترش دهد. آنها در تمام طول مذاکرات تلاش داشته‌اند تا با گسترش و توسعه محدودیت‌های برجامی برای تهران به قول خودشان دوران گریز هسته‌ای را از آنچه در برجام هم آمده بیشتر کنند. این توطئه البته هیچ گاه به نتیجه نرسید و پس از ماه‌ها تلاش، تیم امریکایی که به سد مذاکره کنندگانی قدرتمند خورده بود از این زیاده‌خواهی دست کشید.

علی باقری مذاکره کننده ارشد کشورمان همواره در مواضع علنی و صریح خود هر گونه مذاکره درخصوص مسائل دفاعی را رد کرده و گفته است: «برجام، دارای چهارچوب روشنی است و سایر مسائل به آن مربوط نیستند. ما بر سر قابلیت‌های دفاعی یا امنیت‌مان مذاکره نخواهیم کرد».

۲. امریکا به‌عنوان ناقض توافقنامه در جایگاه متهم و حتی بیرون از گفت‌وگوها قرار دارد. بنابراین از منظر تیم ایرانی این دولت امریکا است که نیاز دارد تا اعتمادسازی لازم را انجام دهد. ایران اعلام داشته است که امریکا ضمن اعتمادسازی باید با رفع همه تحریم‌ها، تحریم‌های وضع شده در دولت اوباما و ترامپ را لغو کرده و اراده جدی خود را برای جبران گذشته نشان دهد. باقری در این مورد می‌گوید: «هدف اصلی ما رفع تحریم‌های قانونی است که آنها با نقض قطعنامه‌های سازمان ملل به‌ملت ایران تحمیل کرده‌اند. هر تحریم در نقض برجام که توسط رئیس جمهوری اوباما یا رئیس جمهوری ترامپ وضع شده باید رفع شود».

۳. رفع واقعی تحریم‌ها نیاز به راستی‌آزمایی و گذشت زمان برای اثبات



پذیر شدن دارد. از آنجایی که ایران یکبار با انجام تعهدات خود در گام اول متضرر شده و آمریکا به تعهدات خود پایبند نبوده، ایران باید فرصت لازم برای راستی‌آزمایی داشته باشد و با خرید و فروش نفت و انتقال ارز به داخل کشور از اقدامات آمریکا اطمینان حاصل کند. معاون سیاسی وزارت امور خارجه در این مورد معتقد است هر مذاکره و توافقی برای ایران مطلوب نیست: «ما به راستی‌آزمایی نیاز داریم و این موضوع، یکی از مسائلی مهم برای ماست.» در حالیکه در مذاکرات دولت سابق ایران مسأله راستی‌آزمایی چند ساعته و یک یا دو روزه مطرح بوده است، تیم جدید مذاکره کننده اعلام داشته با راستی‌آزمایی نمایشی مخالف بوده و تنها راستی‌آزمایی واقعی و چندماهه را می‌پذیرد. پافشاری بر این مسأله نیز باعث شده است تا ایالات متحده واقعیت راستی‌آزمایی مورد نظر تهران را به رسمیت بشناسد. طبیعی است پیش از مثبت شدن راستی‌آزمایی انجام شده از انجام تعهدات آمریکا این کشور نمی‌تواند اجازه عضویت مجدد در توافق را داشته باشد.

۴. آمریکایی‌ها باید متعهد شوند که خروج دوباره از توافق را انجام نخواهند داد. از آنجایی که این بازیگر نقش مخربی

به نظر می‌رسد روی میز قرار گرفتن خواسته‌های مشروع ایران و ترمینولوژی مواضع دولتمردان سیزدهم در خصوص مذاکرات نشان‌دهنده تغییرات جدی در رویکرد به پرونده توافق هسته‌ای کشورمان است. دولتمردان با استفاده از واژه‌های «مذاکرات نتیجه‌محور»، «مذاکره برای رفع تحریم» و «لزوم تضمین دادن آمریکا» به جای «مذاکره برای احیای برجام» تغییر رویکرد مذاکرات را نشان داده‌اند. دولت سیزدهم تلاش دارد تا خلل‌ها و مشکلات ساختاری برجام را تا حد توان کاهش داده و از این طریق پایداری توافق را بیشتر کند. تجربه تعجیل در امضای برجام، ذوق زدگی و غربگرایی افراطی منجر به تحمیل خسارت‌های فراوانی به منافع ملی کشورمان و سفره مردم شده است

فراهم می‌آورد تا با خیانت از مکانیزم پر ایراد ماشه یا همان اسنپ بک سوء استفاده کند. تهران نه تنها تا پایان تعهدات آمریکا و راستی‌آزمایی اجازه نخواهد داد این کشور عضو توافق شده و به این اهرم دسترسی یابد که تلاش دارد تا با اعمال اصلاحاتی در مسأله اسنپ بک سوء استفاده احتمالی از آن توسط کشورهای مختلف بخصوص ایالات متحده را کاهش دهد.

۵. پرونده‌های سیاسی باز ایران در آژانس که بر اساس ادعاهای دروغین رژیم موقت صهیونیستی ایجاد شده است از جمله مواردی است که باید تکلیف آن مشخص شود. آژانس باید از مسیر سیاسی و وابستگی به رژیم صهیونیستی دوری نماید و بهانه‌جویی را کنار بگذارد.

عملیات مشترک رفع تحریم و خنثی‌سازی تحریم

به هر صورت به نظر می‌رسد روی میز قرار گرفتن خواسته‌های مشروع ایران و ترمینولوژی مواضع دولتمردان سیزدهم در خصوص مذاکرات نشان‌دهنده تغییرات جدی در رویکرد به پرونده توافق هسته‌ای کشورمان است. دولتمردان با استفاده از واژه‌های «مذاکرات نتیجه‌محور»، «مذاکره برای رفع تحریم» و «لزوم تضمین دادن آمریکا» به جای «مذاکره برای احیای برجام» تغییر رویکرد مذاکرات را نشان داده‌اند. دولت سیزدهم تلاش دارد تا خلل‌ها و مشکلات ساختاری برجام را تا حد توان کاهش داده و از این طریق پایداری توافق را بیشتر کند. تجربه تعجیل در امضای برجام، ذوق زدگی و غربگرایی افراطی منجر به تحمیل خسارت‌های فراوانی به منافع ملی کشورمان و سفره مردم شده است.

این عبرت تاریخی دولت سیزدهم را به عنوان دولتی انقلابی و عقلانی از هرگونه وابسته کردن اقتصاد به سرنوشت برجام برحذر داشته و باعث شده است تا تهران اعلام کند این بار تنها در شرایطی پای یک توافق را امضا خواهد کرد که به خطوط قرمز از سوی طرف‌های دیگر احترام گذاشته شود. امضای توافق ضعیف به مثابه گزیده شدن چندباره از یک حفره، تیم مذاکره کننده را به حساسیت ویژه و تأمین حداکثری خواسته‌های تهران با وجود حداقلی بودن بستر برجام رهنمون کرده است. گذشت زمان و اخبار منتشر شده از پیش‌نویس‌های مشترک به دست آمده نیز حکایت از آن دارد که مذاکره کنندگان ایرانی توانسته‌اند تا حد زیادی به این مسأله نزدیک شوند. از آنجا که خنثی‌سازی تحریم‌ها، گسترش روابط با کشورهای همسایه و کشورهای آسیایی و توجه به ظرفیت‌های داخلی در دولت سیزدهم سرلوحه امور قرار گرفته است، دست تیم مذاکره کننده برای پیشبرد عملیات رفع تحریم باز شده است و به مانند گذشته مذاکره‌کنندگان ایرانی از روی ناچاری و استیصال به مذاکره روی نیاورده‌اند. همه اینها نشان می‌دهد می‌توان به آینده مذاکرات و همچنین بهبود وضعیت کشور و سیاست خارجی متوازن امیدوار بود.



صراحتاً به تضمین سیاسی و اقتصادی به عنوان وظیفه خود مبادرت ورزد اما با توجه به آنکه این کشور در مقابل هیچ تضمینی نیز قابل اعتماد نیست باید مسیرهایی که اساس آن در دست تهران باشد نیز فراهم باشد. قدرت بازگشت پذیری سریع توان هسته‌ای کشورمان، حفظ سانتریفیوژهای نسل جدید در تهران، عدم تخریب سکوها و آنها و صراحت توافق در حق بازگشت پذیری سریع و ایستادگی طرف‌های دیگر در مقابل عضو خاطی و احتمالی هرگونه توافق می‌تواند هزینه اقدام ایالات متحده را بالا ببرد. علاوه بر اینها سابقه نشان داده است ایالات متحده و ساختار پر ایراد آن این اجازه را برای رؤسای جمهور این کشور

در توافقات‌های بین‌المللی داشته است امکان استفاده نابجا از مکانیزم ماشه را هم دارد و می‌تواند این بار از فرصت حضور در توافقات‌نامه به شکل مودیان‌تری استفاده کند. وزیر امور خارجه کشورمان به‌صورت صریح در این خصوص گفته است: «اقدامات و قانون‌شکنی‌های آمریکا از جمله تحریم‌های تازه این کشور ارائه تضمین‌های عینی از سوی آمریکا را به یک ضرورت غیرقابل چشم‌پوشی تبدیل کرده است» تضمین لازم برای افزایش هزینه آمریکا تنها به تضمین سیاسی دولت آمریکا ختم نمی‌شود. ایران خواهان آن بوده تا تضمین ذاتی و فنی را در مقابل بدعهدی احتمالی این کشور در دست داشته است. گرچه آمریکا باید

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

هر گردی گردو نیست!

تفاوت رویکرد تیم مذاکره کننده فعلی ایران با تیم پیشین به نکات زیر به شکل اساسی توجه شود:

۱- مقاومت فعال به جای صبر استراتژیک

انجام اقدامات متقابل در مقابل نقض عهد دشمن همواره مورد تأکید حامیان منافع ملی بوده است. این راهبرد یک اقدام عقلانی به مثابه اقدام متقابل ایران در مقابل بدعهدی دشمن به حساب می‌آید اما دولت قبل بر مبنای سیاستی که آن را صبر استراتژیک معرفی کرده بود از پاسخ متقابل به بدعهدی طرف مقابل طفره می‌رفت و این گونه آمریکا و سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان را در بی توجهی به تعهداتشان و نقض بیشتر مفاد برجام تهییج می‌کرد تا جایی که از اردیبهشت ۹۷ و خروج آمریکا از برجام تا زمان تصویب قانون، اقدام راهبردی برای رفع تحریم‌ها در سال ۹۹، دولت روحانی هیچ اقدام متقابلی را در دستور کار قرار نداد. به بیان دیگر باوجود خروج آمریکا از برجام، دولت قبل همچنان بر انجام محدودیت‌های برجامی اصرار می‌ورزید.

به همین دلیل رهبرانقلاب بعداً با انتقاد از این رویه دولت فرمودند: «وقتی آمریکا از برجام خارج شد و دیگران هم با او همراهی کردند، دستور قرآن این است که «فَأَبْذِلْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ» تو هم تعهد را رها کن که با این حال باز هم دولت محترم ما تعهدات را رها نکرد و بتدریج بخشی از آنها را کاهش داد که البته این موارد نیز در صورت عمل کردن آنها به وظایفشان قابل برگشت است.»

مذاکرات ایران و ۴+۱ در وین برای متعهد کردن ایالات متحده به تعهدات سال ۲۰۱۵ در اواخر دولت قبل شروع شد. آغاز این مذاکرات در حالی بود که مقامات دولت سابق ادعا می‌کردند به واسطه شناخت آنها از مقامات دولت جدید آمریکا (دولت جو بایدن) و همچنین تفاوت ماهیت دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، آمریکا احتمالاً بزودی و با چند «خط خط کردن» راه گذشته خود را جبران می‌کند. اما این برآورد اشتباه از سیاستگذاری در کاخ سفید به زودی خود را نشان داد و مشخص شد واقعیت موضوع دیگری است. دولت جو بایدن نیز با ادبیاتی جدید همان مسیر دولت دونالد ترامپ را برای خود هدفگذاری کرده بود. اصطلاح «توافق طولانی‌تر و قوی‌تر» خود به خوبی نشان از همین راهبرد داشت.

تلاش حامیان برجام برای تحمیل توافق بد

با وجود پیچیدگی این مسأله، جریان رسانه‌ای حامی دولت قبل از آذرماه ۱۴۰۰ که مذاکرات توسط تیم مذاکره کننده جدید ایران یعنی علی باقری آغاز شد سعی دارد تا با یک گزاره ساده و البته پراشکال مذاکره‌کنندگان کنونی را در مدل، تاکتیک و هدف مذاکراتی پیرو تیم مذاکره کننده پیشین معرفی کند. آنها در ماه‌های ابتدایی آغاز مذاکرات با این سؤال که چرا منتقدان دیروز برجام، امروز برای احیای آن تلاش می‌کنند یک بازی رسانه‌ای را در پیش گرفتند تا در نهایت این گونه به مخاطب القا کنند که توافق ۲۰۱۵ توافق ایده‌آل برای ایران بوده که باوجود تغییر دولت و روی کار آمدن دولتی که مخالف گفتمان و عملکرد دولت پیش بوده است نیز در تلاش برای دستیابی به مفاد آن توافق است.

پیش از تشریح ابعاد این مغالطه سیاسی باید به یاد داشته باشیم که توافق نامتوازن برجام با ایرادات فراوان ساختاری

همچنان پر ایراد و انتقاد است و رویکرد تیم مذاکره کننده نیز هر چه کمتر کردن این ایرادات در تمام طول این مدت بوده است. خروج یکجانبه و بدون هزینه دولت آمریکا از این توافق، وعده‌های دروغین اروپا در تأمین خواسته‌های ایران، مکانیزم عجیب ماشه و خلل‌های فراوانی که در مسیر رفع تحریم‌ها، دستاورد برجام را به «تقریباً هیچ» تبدیل کرده بود به تنهایی می‌تواند این گزاره را تأیید کند که برجام ایرادات ساختاری مهمی داشته است. دولت آمریکا از همان ابتدا در پی آن بود تا با استفاده از خلل‌های موجود در برجام از امتیازات این توافق کاسته، رفع تحریم‌های ایران را به سایر مسائل گره بزند و دولت روحانی را ملزم به پذیرش برجام‌های دیگر کند. حامیان توافق برجام و شبکه خبرنگاران حامی محمدجواد ظریف سعی داشتند در تمام این مدت با ساده‌سازی راهبردهای ضدایرانی و شباهت‌سازی مذاکرات کنونی با مذاکرات منتج به برجام در دولت قبل، عملیات رسانه‌ای را علیه تیم مذاکره کننده ایران پیگیری کنند. از همین رو بهتر است برای مشخص شدن



۲- کنش هم‌سطح و متناسب

با ادامه سیاست انفعالی صبر استراتژیک توسط دولت دوازدهم، همزمان مجلس ایران از حق قانونی خود استفاده و کاهش تعهدات برجامی و حرکت به سمت اقدام متقابل را (با وجود مخالفت صریح دولت روحانی) عملیاتی کرد و از دی‌ماه سال ۱۳۹۹ راهبرد صبر استراتژیک کمرنگ شد.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به تصمیم مجلس درباره لغو تعهدات برجامی آن را «تصمیم درست و کاملاً منطقی و عقلایی و قابل قبول» دانسته و تأکید کردند: «وقتی طرف مقابل به هیچ کدام از تعهدات خود عمل نمی‌کند معنی ندارد جمهوری اسلامی به همه تعهدات خود عمل کند. لذا از مدت‌ها پیش برخی تعهدات را لغو کردند و اخیراً هم تعهدات دیگری را کنار گذاشتند.» همچنین ایشان این سیاست رسمی را سال گذشته بیان داشتند که «چنانچه آنها تعهدات خود را انجام دهند، ما هم برمی‌گردیم.» بنابراین سیاست ایران در مقابل بدعهدی آمریکا از سیاست انفعالی محض و نادیده گرفتن نقض برجام توسط دولت روحانی به سیاست بازگشت طرفین به تعهدات برجامی تغییر پیدا کرد و تا آن زمان نیز ایران بر مبنای قانون مجلس به صورت گام به گام تعهدات خود در قبال برجام را کاهش داد. این سیاست تخطی‌ناپذیر ایران همزمان با تغییر دولت در آمریکا و بیان این ادعا که دولت جو بایدن مخالف سیاست فشار حداکثری است، فضای جدیدی ایجاد کرد تا این ادعاهای آمریکایی‌ها در نظام بین‌الملل مورد راستی‌آزمایی قرار بگیرد و ایران در مقام طلبکار وارد مذاکرات شود. بنابراین بازگشت به تعهدات ایران در صورت بازگشت آمریکا از مسیر اشتباه خود سیاستی در مقابل رویکرد بشدت انفعالی دولت گذشته بوده است. این نکته نیز باید مورد توجه قرار بگیرد که متن برجام به گونه‌ای نوشته شده است که ایران در قبال بدعهدی و نقض توافق از سوی طرف مقابل هیچ اقدام مؤثر و عملی برای مجاب کردن آن کشورها به تعهداتش، نمی‌توانست انجام دهد.

البته نباید فراموش کرد که اجرای قانون راهبردی مجلس عملاً و به وضوح یا مخالفت دولت روحانی روبه‌رو شده بود. حتی پس از آنکه دولت روحانی به علت بند تنبیهی موجود در این قانون مجاب به اجرای آن نیز شد دولتمردان هیچ گاه مخالفت خود را با این اقدام پنهان نمی‌کردند تا جایی که حسن روحانی حتی در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۴۰۱ نیز مدعی شد که مجلس مانع فعالیت وی شده است. وی گفته بود: «قطعاً این مسأله و رفع مجدد تحریم‌ها قابل حل بود و ای‌کاش در ۱۱ آذر ۹۹ دچار مصوبه هسته‌ای مجلس نمی‌شدیم تا می‌توانستیم در اسفند ۱۳۹۹ تحریم‌ها را پایان دهیم.» البته این دیدگاه روحانی حتی در جناح اصلاح‌طلب نیز چندان مورد قبول نبوده است تا جایی که حتی ناصر هادیان به این ادعا واکنش نشان داد و دلیل عدم توافق در دولت روحانی را جمع‌بندی آمریکا از مستأصل بودن دولت روحانی معرفی کرد. وی گفت: «می‌توان از دلایل متعددی برای عدم توافق سخن گفت که در این فرصت به همه آنها نمی‌شود پرداخت اما پیش از این نیز گفته‌ام که در دوره‌ای آمریکایی‌ها تصور می‌کردند ایران برای رسیدن به این توافق مستأصل است و همین تحلیل اشتباه

باعث شد دیر به این جمع‌بندی برسند که ایران مستأصل نیست و در نتیجه پای میز مذاکره حاضر شدند. البته آمریکا در آن زمان هم حاضر نبود هزینه‌های لازم برای احیای برجام را پرداخت کند. در آن دوره، مذاکرات در واپسین ماه‌های دولت حسن روحانی انجام شد اما به تحولات ناشی از انتخابات ریاست جمهوری در ایران برخورد کرده و به یک بحث سیاسی در داخل کشور تبدیل شد، در نتیجه همه منتظر ماندند تا تغییر دولت در ایران رخ بدهد.» این تحلیلگر حامی دولت قبل ضمن رد ادعای رئیس جمهور پیشین که معتقد است مصوبه مجلس شورای اسلامی در آذرماه ۱۳۹۹ دست هیأت مذاکره‌کننده را بسته و حصول توافق را به تعویق انداخت، گفت: «به هیچ وجه مصوبه مجلس شورای اسلامی و پیش از آن کاهش تعهدات را امر منفی در مذاکرات نمی‌دانم. مصوبه مجلس دست مذاکره‌کننده ما را قوی کرد. مصوبه مجلس ما درست مانند اقدام‌هایی است که در کنگره آمریکا پیرامون چند و چون برجام انجام می‌شود و ممکن است با رضایت دولت کاخ سفید هم نباشد. اما آیا بایدن به آنها می‌گوید که اقدام شما من را در مذاکرات تضعیف می‌کند؟»

۳- پایبندی به محاصل برجام

دولت جدید آمریکا در حالی ادعا می‌کرد مخالف راهبردهای دونالد ترامپ علیه ایران بوده که در روز اول قدرت گرفتن خود با ۱۳ دستور اجرایی همه تصمیمات دولت گذشته این کشور را لغو کرد اما تنها تجدیدنظر در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران را عملیاتی نکرد تا همسویی حاکمیت این کشور در سیاست‌های ضدایرانی را نمایان کند. با این حال ایران با اعلام اهداف و شروط جدید در اواخر دولت دوازدهم وارد دور جدید مذاکرات شد تا حسن نیت ایران به کشورهای مختلف جهان و بخصوص همیمانان و متحدان ایران نشان داده شود. به بیان دیگر باوجود جابه‌جایی دولت در ایران در بعد بین‌المللی، جایگاه حقوقی دولت ایران ثابت

تیم مذاکره کننده فعلی به

صراحت اعلام داشته به عنوان

وارث چنین شرایطی خود را ملزم

به سیاست‌های نظام درخصوص

ممنوعیت هرگونه مذاکرات

فرابرجامی دانسته و صرفاً در صورت

بازگشت آمریکا به تعهدات ۲۰۱۵ و

عمل به آن، به تعهدات برجامی

خود بازخواهد گشت. همین

نکته یعنی عدم ورود به مباحث

فرابرجامی یکی از تفاوت‌های

اساسی تیم مذاکره کننده فعلی

با تیم مذاکره کننده پیشین است

است و این مطالبه میان کشورهای ۵+۱ شکل گرفته بود که ایران پایبند به «قول و قرارها» برای احیای برجام باشد.

۴- ممانعت از ورود به مصادیق فرابرجامی

با همه این تفاسیر تیم مذاکره کننده فعلی به صراحت اعلام داشته به عنوان وارث چنین شرایطی خود را ملزم به سیاست‌های نظام درخصوص ممنوعیت هرگونه مذاکرات فرابرجامی دانسته و صرفاً در صورت بازگشت آمریکا به تعهدات ۲۰۱۵ و عمل به آن، به تعهدات برجامی خود بازخواهد گشت. همین نکته یعنی عدم ورود به مباحث فرابرجامی یکی از تفاوت‌های اساسی تیم مذاکره کننده فعلی با تیم مذاکره کننده پیشین است. در شرایطی که آمریکایی‌ها حتی در همان شش دور مذاکرات اولیه وین خواسته‌های فرابرجامی پمپئو را پیگیری می‌کردند اما اکنون با مذاکره‌کنندگانی مواجه شده‌اند که اجازه چنین گفت‌وگوهایی را نمی‌دهند که این مانع راهبرد کلان آمریکا برای رسیدن به برجام‌های دیگر است. تیم مذاکره‌کننده کنونی اکنون به مثابه سدی در مقابل تله آمریکایی‌ها قرار دارد که اجازه نمی‌دهد آنها از برجام پلی برای گام‌های فرابرجامی بسازند. همین امر باعث شد محمد جمشیدی معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور ۲۴ مردادماه امسال صراحتاً اعلام کند: «آمریکا از هدف استراتژیک خود در خروج از توافق ۲۰۱۵ و اعمال سیاست فشار حداکثری عقب‌نشینی کرد. آمریکا به دنبال ۱- برجام ابدی و ۲- مذاکرات منطقه‌ای و موشکی بود که نهایتاً از جاه‌طلبی‌های خود عقب رانده شد.»

با وجود مشکلات ساختاری در برجام، دولت سیزدهم تلاش کرد تا با پیگیری کردن موضوعاتی چون رفع مؤثر تحریم‌ها، تضمین دادن آمریکایی‌ها و راستی‌آزمایی، تعدادی از خلل‌ها و شکاف‌های موجود و مهم برجامی را که آمریکا از آن همواره سوءاستفاده کرده جلوگیری کند و همزمان خط برخی کشورها در فرار ایران از مذاکرات و مقصر جلوه دادن ایران را که می‌تواند مبدأ اتفاقات هزینه‌آور بعدی برای ایران باشد، خنثی کند.

۵- مذاکره برای تحقق تعهدات

تیم مذاکره کننده فعلی تلاش کرد کم کاری‌های تیم مذاکره کننده قبلی در تنظیم برجام و بی توجهی به عهدشکنی آمریکا را جبران کند. به بیان بهتر مذاکره‌کنندگان کنونی تلاش دارند آمریکا را به پذیرش تعهدات هرچند حداقلی برجام به عنوان اقدامی که دولت قبل در آن ناکام بود وادار کنند، پر واضح است این رویکرد با بی تفاوتی نسبت به عهدشکنی آمریکا که رویکرد تیم مذاکره قبلی بود، کاملاً متفاوت است که همین گزاره عمق تفاوت دو تیم مذاکراتی دولت دوازدهم و سیزدهم را نشان می‌دهد. اکنون و با گذشت یک سال از عملکرد دولت در حوزه سیاست خارجی نیز مشخص شده که دولت سیزدهم به شعار خود در محدود کردن سیاست خارجی خود به برجام موفق بوده است. بهبود شاخص‌های اقتصادی، تقویت روابط با کشورهای همسایه و شرقی، افزایش فروش نفت، افزایش قابل توجه صادرات، فعال سازی خطوط ترانزیتی و... نشان داده است حاکم شدن دولتی قوی در ایران تصویر مستأصل دولت قبل را از بین برده و آمریکایی‌ها نمی‌توانند همچون گذشته زیاده‌خواهی‌های خود را تکرار کنند.

مذاکرات علی باقری در نگاه غربی‌ها

ناگفته‌ها در خصوص مذاکرات بسیار است. ناگفته‌هایی که باید منتظر ماند تا گذشت زمان پرده از مقابل آن ببرد و به‌صورت مستندتر بیان کند که تفاوت مذاکرات کنونی و سابق چه بوده و مذاکره‌کنندگان دولت سیزدهم کدام جراحی را در متنی پر ایراد و پرانتقاد انجام دادند. با وجود این خبرهایی که هر بار از منابع مختلف (بخصوص شخصیت‌ها و منابع غیرایرانی) فاش می‌شود می‌تواند عمق تحولات رخ داده را نشان دهد. به عنوان نمونه تحولات میدانی و جدا شدن چند عضو مهم از تیم امریکایی رابرت مالی خود گویای نکات قابل تأملی است. استعفای چند تن از اعضای تیم مذاکره‌کننده امریکایی از جمله «ریچارد نفیو» معمار تحریم‌ها علیه کشورمان و همچنین «دان شاپیرو» سفیر اسبق امریکا در رژیم صهیونیستی که پس از هفت ماه از پیوستن او به تیم امریکا انجام شد و از او با عنوان «نچواگر اسرائیل» یاد می‌شد پیام‌های قبال تأملی برای گفتن دارد.

بار روایتی از مذاکرات وین را فاش کرد که به عنوان یک رسوایی از آن برای امریکا یاد شد. برخلاف آنچه رسانه‌های فارسی زبان بیگانه به ایران نسبت داده بودند و روسیه را نماینده ایران در مذاکرات با امریکایی‌ها معرفی می‌کردند تد کروز خبر داد: «جو بایدن از ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه خواسته است که از طرف ما مذاکره کند و روسیه هم‌اکنون در وین در حال مذاکره با ایران است. وی با عصبانیت از مذاکره روسیه به نمایندگی از امریکا افزود: «روسیه دشمن ما و ایران دشمن ما است و تنها چیزی که می‌تواند روی آن توافق کنند سیاست‌هایی است که امنیت امریکا را به خطر می‌اندازد.»

تحقیر امریکا و راه ندادن به اتاق مذاکرات

کروز همچنین گفته است: «این توافق یک اشتباه فاجعه بار است و به همین دلیل است که دولت بایدن بسیار ناامید است تا جزئیات آن را از اعضای منتخب کنگره پنهان کند.» پیشتر از این نیز «جیم ریش» که بالاترین مقام جمهوری‌خواه در کمیته روابط خارجی سنا به شمار می‌رود با عصبانیت گفته بود: «ایران در مذاکرات وین امریکا را تحقیر کرده و به اتاق مذاکرات با ۴+۱ راه نداده است. ما مجبور بودیم از سوراخ دیوار (سوراخ کلید) میز مذاکرات را دنبال کنیم». او در ادامه با تمسخر پرسیده بود: «آیا هیچ یک از شما قراردادی را امضا می‌کنند یا وارد مذاکره‌ای می‌شود که در زمان مذاکره اجازه ورود شما را به اتاق ندهند؟»

آبنبات در ازای غنی‌سازی ۲۰ درصد

فروپاشی تیم مذاکره‌کننده امریکایی و همچنین ترس و نگرانی از توافق احتمالی درحالی است که آنها در مذاکرات سابق با دولت گذشته ایران کمتر دچار تشویش بودند. شاید علت آن را بتوان در صحبت‌های ردوبدل شده در مذاکرات سابق جست و جو کرد. علی واعظ، مسئول پروژه ایران در گروه امریکایی بحران، در روزهای ابتدایی شروع مذاکرات وین در دولت سیزدهم در یک گفت‌وگوی کلاب‌هاوسی بخشی از پیشنهاد امریکا به عراقچی برای توافق را اعلام کرده است. او خبر داده است امریکا در این توافق به دنبال تعطیلی غنی‌سازی ۲۰ درصدی ایران در ازای آزادسازی ۱ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران بوده است! افشا شدن این پیشنهاد ناچیز و عجیب درحالی بوده که ایران فقط برای رفع تحریم پای میز مذاکرات حاضر شده است اما امریکا درصدد است تا با پیشنهادات حداقلی ایران را به عقب‌نشینی‌های حداکثری وادار کند.

دست پر ایران در وین

واعظ همچنین تصریح می‌کند که در دور جدید گفت‌وگوها، ایران از لحاظ فنی

در خصوص چگونگی اقناع تیم ایرانی و اعتراض به یکی از بندهای برجام، داستان گریه کردن خود و تغییر موضع تیم ظریف را روایت می‌کند. وی گفته بود: «عراقچی و روانچی مبهوت شده بودند. آنها برای اولین بار طی یک ماه، ساکت شده بودند. چیزی در صداقت ناامیدی من باعث عبور از مانع شده بود. بعد از یک لحظه طولانی سکوت، عراقچی اعتراض خود را پس گرفت. این ارزیابی اشکبار به حرکت اصلی مکعب روبیک تبدیل شد.»

توافقی وحشتناک برای امریکا

در خصوص مذاکرات دولت سیزدهم سناتور تد کروز نیز مسائل جالبی را مطرح کرده است. او که می‌گوید دولت بایدن به دلیل اینکه کنگره را «عمداً» در مورد جزئیات توافق هسته‌ای احتمالی با ایران در جریان نگذاشته است، اعلام کرده: «دلیل اینکه دولت بایدن نمی‌خواهد همه از جزئیات مطلع شوند، متأسفانه توافقی است که آنها در حال مذاکره هستند که یک توافق وحشتناک برای امریکا است.» این سناتور مطرح امریکایی برای اولین

جنگ روی کلمات

مذاکرات میدان جنگ است و اگر کسی آن را با میدان بزم و لبخند و مامشات‌های پی در پی اشتباه بگیرد یقیناً نمی‌تواند منافع ملی کشور را تأمین کند. همین باعث شده تا مذاکره‌کنندگان کشور در ماه‌های اخیر و به دلیل تجربه متن پراشکال برجام بر سر رسیدن به متنی دقیق مبارزه کنند. اتفاقی که اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی از آن این‌گونه یاد می‌کند: «همکاران ایرانی برای منافع ملی ایران همچون شیر می‌جنگند و واقعاً همین‌طور است. آنها برای هر ویرگول و کلمه‌ای می‌جنگند و موفق بوده‌اند. من باید این را بگویم که دکتر باقری و تیمش دیپلمات‌های بسیار کارآمدی هستند.» البته این جنگیدن صدای بسیاری را در طرف غایب مذاکرات بیرون آورده است.

همه این موارد در کنار خاطرات غربی‌ها از شیوه مذاکرات خود با تیم قبلی مذاکره‌کنندگان ایرانی معنایی بهتر پیدا می‌کند. به عنوان نمونه وندی شرمن سرپرست تیم مذاکره‌کننده امریکا در مذاکرات برجام

با دست پر به مذاکرات آمده و متنی با جزئیات فراوان برای رفع تحریم به طرف مقابل ارائه کرده است.

البته نوع بیان علی واعظ و نحوه روایت او به شکلی است که در نهایت ایران را متهم به عدم انعطاف کرده و سعی در تکمیل پازل مقصرنمایی ایران دارد که البته با وجود سوابق و نوع نگاه او و همکارانش در گروه بحران مسأله عجیبی نیست؛ چرا که گروه بین‌المللی بحران همان گروهی است که تیم مذاکره‌کننده دولت سابق روابط گسترده‌ای با آن داشته است. آنچه اهمیت دارد آن است که تجربه برجام باعث شده تا دولت سیزدهم به دور از هیاهوی سیاسی صورت گرفته توافق بدخواهان و مخالفان تنها با در نظر داشتن منافع کشور و مردم مذاکرات را پیش ببرد. تأکید به خطوط قرمز مذاکرات نیز در همین چهارچوب قابل ارزیابی است. تیم جدید مذاکره‌کننده توجه دارد که امضای توافقی بدون تضمین، بدون رفع مؤثر تحریم و بدون حل شدن مسائل مربوط به پادمان می‌تواند بار دیگر زمینه را برای خدعه و نیرنگ غرب فراهم آورد. این

این دیدگاه بیگانگان نسبت به ایران در زمان دولت سیزدهم ناشی از دیپلماسی هوشمند تهران، تغییر ریل اساسی در حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی و تحول در نوع نگاه به حکمرانی بوده است. اتفاقاتی که باعث شده دولت ایران سرنوشت جامعه و سیاست ورزی خود را از مسائل خارجی و مرتبط با تصمیم دشمنان ایران جدا نماید. خنثی‌سازی تحریم‌ها از همین رو در دستور کار دولت قرار گرفته است و باعث شده ایران با برجام یا بدون آن مسیر خود در توجه به همسایگان و قدرت‌های شرقی و همچنین استفاده از ظرفیت‌های داخلی قرار دهد

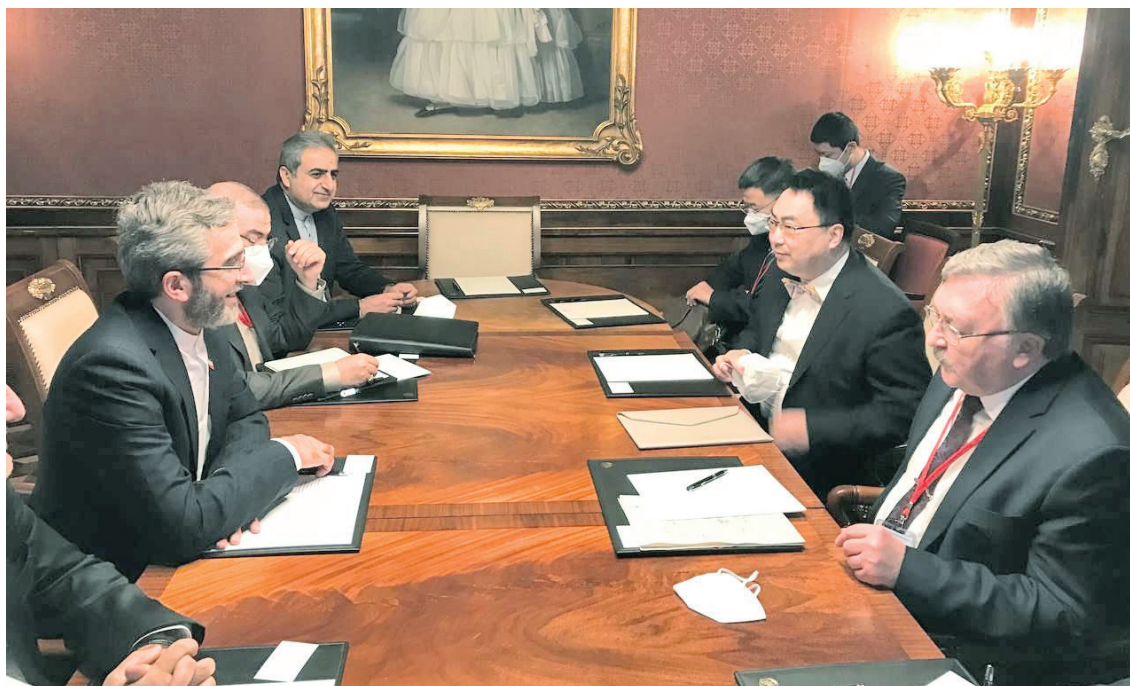
می‌گویند تیم جدید به علت سرسختی در مذاکرات توانست امتیازات بیشتری در حوزه رفع تحریم و راستی‌آزمایی به‌دست بیاورد. مدیر پروژه ایران در گروه بحران همچنین گفت در توافقی که الان مذاکره شده آمریکا بسیاری از امتیازات را پیشاپیش به ایران خواهد داد.

تفاوت راهبردی دو رئیس جمهور

تفاوت‌های وسیع در مذاکرات دو دولت باعث شده تا فارن افزر نیز در مقاله‌ای به آن بپردازد. این نشریه آمریکایی در بخشی از مقاله خود در خصوص مذاکرات وین، سرفصلی با عنوان «مقاومت رئیسی» باز کرده و به تفاوت دولت کنونی ایران با دولت روحانی پرداخته است. این نشریه آمریکایی به تلاش‌های حسن روحانی رئیس جمهور سابق کشورمان برای نوشتن قراردادهای متعدد با اروپایی‌ها می‌پردازد. تلاش‌هایی برای تشویق غربی‌ها به سرمایه‌گذاری در ایران و حضور آنها در کشورمان که البته ناکام ماند و نتوانست منافع مورد نظر را داشته باشد. از همین رو فارن افزر می‌گوید: «اختلافات بین روحانی و رئیس جمهور فعلی ایران، ابراهیم رئیسی، چشمگیر است. سیاست خارجی رئیسی بر بهبود روابط با همسایگان ایران، روسیه و چین متمرکز شده است، نه ایالات متحده و اروپا.» در ادامه این یادداشت با تحلیل کنش سیاسی دولت سیزدهم آمده است: «رئیس‌جمهور احتمالاً مفهوم «اقتصاد مقاومتی» [آیت‌الله] خامنه‌ای را پیگیری می‌کند و منابع به‌دست‌آمده از کاهش تحریم‌ها را برای تقویت ظرفیت ایران برای مقاومت در برابر شوک‌های تحریمی آینده، نه برای وابستگی به اقتصاد جهانی به کار می‌گیرد.»

فارن افزر همچنین به تلاش‌های بی‌حاصل دولت بایدن برای برجام‌های دو سه نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «اگرچه دولت بایدن در ابتدا قصد داشت از احیای توافق به‌عنوان بستری برای مذاکرات آتی با ایران استفاده کند، اما این چشم‌انداز، مبهم به نظر می‌رسد. مقامات آمریکایی و اروپایی احتمالاً استدلال خواهند کرد که اگر ایران خواهان یک توافق پایدارتر است، باید برای آن مذاکره کند اما تهران نتیجه معکوس خواهد داد.»

ناگفته پیداست که این دیدگاه بیگانگان نسبت به ایران در زمان دولت سیزدهم ناشی از دیپلماسی هوشمند تهران، تغییر ریل اساسی در حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی و تحول در نوع نگاه به حکمرانی بوده است. اتفاقاتی که باعث شده دولت ایران سرنوشت جامعه و سیاست ورزی خود را از مسائل خارجی و مرتبط با تصمیم دشمنان ایران جدا نماید. خنثی‌سازی تحریم‌ها از همین رو در دستور کار دولت قرار گرفته است و باعث شده ایران با برجام یا بدون آن مسیر خود در توجه به همسایگان و قدرت‌های شرقی و همچنین استفاده از ظرفیت‌های داخلی قرار دهد. همین امر بوده است که وضعیت اقتصادی کنونی را از برجام جدا کرده و به مسائلی راهبردی و با اهمیت سوق داده است. استقبال کشورهای مختلف جهان و افزایش تجارت ایران با کشورهای آسیایی نمود واقعی برون داد این راهبرد بوده است.



برای خروج سپاه از لیست FTO گفته است: در ابتدای ماه مارس، آمریکا پیشنهادی خصوصی مبنی بر هدف قرار ندادن مقامات سابق و فعلی این کشور در ازای خروج سپاه از FTO را به ایران ارائه داد. وی در تشریح تفاوت این طرح آمریکا با پیشنهاد سابق این کشور افزود: این پیشنهاد متفاوت از چیزی بود که در زمان عراقچی روی میز بود و خروج سپاه از لیست FTO را در ازای گفت‌وگوهای منطقه‌ای بعد از احیای برجام در دستور کار داشت. هرچند پیشنهاد آمریکا نیز توسط تهران پذیرفته نشده است اما این سخنان بخوبی نشان می‌دهند که برخلاف ادعاهای رسانه‌ای صورت گرفته، آمریکایی‌ها نه تنها خروج سپاه از FTO را نپذیرفته‌اند که حتی درصدد بوده تا با تمسک به آن زمینه برای برجام‌های بعدی را هم فراهم آورند.

گرفتن امتیازات بیشتر

واعظ همچنین درباره افزایش امتیازات ایران در دور جدید مذاکرات نیز گفت: اروپایی‌ها

مسأله با توجه به عمر برجام و اختلافات بالا در بین هیأت حاکمه آمریکا اهمیتی مضاعف می‌یابد. هرچند باید به این نکته نیز توجه داشت که خروج غرب گرایان از مدیریت اجرایی مذاکرات خود باعث شده است تا در صورت بدعهدی مجدد این کشور، دولت قوی کنونی به اقدام فوری و متقابل دست زده و بسرعت تبعات اقدام آنها را نشان دهد. این مسأله در کنار حفظ برخی دستاوردهای جدید هسته‌ای در صورت احیای برجام به تضمینی ذاتی و معتبر برای توافق تبدیل خواهد شد.

رد مذاکرات آتی منطقه‌ای

مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران در یک گفت‌وگو اطلاعات جدیدی از روند گفت‌وگوهای هسته‌ای در دو دوره به ریاست عباس عراقچی و علی باقری ارائه کرده است که می‌تواند نشان دهد از دیدگاه آمریکایی‌ها تفاوت عمده‌ای در تیم مذاکره‌کننده کنونی نسبت به قبل رخ داده است. علی واعظ در خصوص پیشنهاد واشنگتن

ویژنامه

بهرشت
دولت

ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

«ایران» از شکست فشار حداکثری و کسب منافع فرابرجامی در مذاکرات وین در دولت سیزدهم گزارش می‌دهد

از اعتراف غربی‌ها تا اعتراف غرب‌گرایان

اعتراف به کند شدن عقبه تحریم‌ها

به عنوان نمونه صندوق بین‌المللی پول در گزارشی میزان تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۱ را ۱.۰۸ هزار میلیارد دلار اعلام کرده است که نسبت به کشورهای منطقه در جایگاه نخست قرار دارد و عربستان و ترکیه در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. همچنین به گزارش مرکز آمار اتحادیه اروپا، صادرات ایران به اتحادیه اروپا به بالاترین رقم از پایان سال ۲۰۱۸ تاکنون رسیده است. براساس این گزارش، صادرات ایران در سال گذشته ۲۲ درصد نسبت به قبل بیشتر شده است. آمارهای اخیر منتشرشده از سوی صندوق بین‌المللی پول نیز نشان می‌دهد با آغاز فعالیت دولت سیزدهم در ایران، ذخایر ارزی در دسترس ایران افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته که این امر نشان‌دهنده دیپلماسی فعال این دولت و موفقیت سیاست‌های آن در مقابله با تحریم‌های غیرقانونی امریکا است.

رشد سه برابری ذخایر ارزی در دولت سیزدهم

به اذعان صندوق بین‌المللی پول از سال ۲۰۲۱ و با روی کار آمدن دولت

اگر شروع دور جدید فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران را اردیبهشت ۱۳۹۷ و خروج یکجانبه امریکا از برجام عنوان کنیم، اکنون با گذشت بیش از سه و نیم سال از آن می‌توان به میزان محقق شدن یا شکست اهداف تعریف شده از پروژه کارزار فشار حداکثری علیه کشورمان پرداخت. اصلی‌ترین هدف امریکا را می‌توان «تغییر رفتار» تهران معرفی کرد. تصور ساکنان اتاق بیضی شکل کاخ سفید آن بود که در کوتاه‌مدت مردم ایران به دلیل فشارهای اقتصادی به ستوه آمده و به رویارویی با نظام دست خواهند زد و در نهایت حاکمیت به چرخش در رفتار مجاب خواهد شد. گزاره «تابستان داغ» که مقامات وقت ایالات متحده از آن استفاده می‌کردند در همین چهارچوب تحلیل می‌شد. سرفصل تغییر رفتارهای ایران نیز از جانب آنها تنظیم شده بود و بارها امریکایی‌ها به آن اشاره کرده بودند. مایک پمپئو وزیر خارجه وقت امریکا تحت عنوان ۱۲ پیش‌شرط برای شروع دور جدید مذاکرات، زیاده‌خواهی‌های این کشور را به صورت مکتوب به ایران و دیگر کشورها اعلام کرد. هر چند در داخل کشور برخی افراد و مسئولین حتی فکر مذاکره با دونالد ترامپ را در سر داشتند، اما راهبرد «نه جنگ می‌شود و نه مذاکره می‌کنیم» کشور را از باتلاقی که مرعوبان امریکا به آن امید داشتند، نجات داد. در نهایت ترامپ و پمپئو که ابتدا به شرط‌گذاری برای کشورمان مشغول بودند به فرستادن کشورهای دیگر به ایران برای تحمیل خواسته‌های خود متوسل شدند. دست رد به صف طویل این کشورها از جمله نخست وزیر ژاپن و وزیر خارجه آلمان و تعدادی از کشورهای همسایه نشان داد که ایران خواسته‌های حداکثری و عقب‌نشینی‌های فرابرجامی را به هیچ عنوان نخواهد پذیرفت. با مقاومت مردم و از دستور خارج شدن ۱۲ پیش‌شرط پمپئو که درصدد به تسلیم کشاندن ایران و از دست دادن بازدارندگی و مؤلفه‌های قدرت ایران بود، امریکایی‌ها نتوانستند به این هدف خود برسند. افزون بر این موارد با قدرت گرفتن جریان انقلابی روند انحصار شکنی از معطوف شدن روابط خارجی ایران با پرونده برجام، توسعه دیپلماسی اقتصادی و توجه به ظرفیت‌های درونی، سرعت شکست فشار حداکثری بیش از هر زمان دیگر شد. این موارد نشان داد نه تنها فشارها به مردم و نظام نتیجه نمی‌دهد که حتی اکنون با اقدامات دولت سیزدهم اثردهی تحریم‌ها نیز کاهش یافته است. این مهم را نه فقط تحلیلگران و آمارهای اقتصادی داخلی که حتی کارشناسان حاضر در اردوگاه غرب و نهادهای بین‌المللی نیز اذعان کرده‌اند.



ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

سیزدهم در ایران، روند نزولی ذخایر ارزی در دسترس ایران معکوس شده و با شیب تندی به سمت بالا در حرکت بوده است، به طوری که در این سال ذخایر ارزی در دسترس ایران ۸.۸۸ میلیارد دلار نسبت به سال قبل از آن افزایش یافته و به ۲۱.۳۱ میلیارد دلار رسیده است. در سال ۲۰۲۲ نیز بر اساس آمار انتظاری صندوق بین‌المللی پول، ذخایر ارزی در دسترس ایران با افزایش حدود ۲ برابری نسبت به سال قبل از آن مواجه شده و به ۴۱.۳۹ میلیارد دلار رسیده است. بر این اساس با روی کار آمدن دولت سیزدهم ذخایر ارزی در دسترس ایران رشد ۲۳۲ درصدی داشته و از ۱۲.۴۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ به ۴۱.۳۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است. رشد نزدیک به ۳ برابری ذخایر ارزی در دسترس ایران در حالی رخ داد که با آغاز فعالیت دولت سیزدهم دیپلماسی فعالی در پیش گرفته شد و با هدف

در پرتو راهبرد خنثی‌سازی تحریم‌ها و فاصله گرفتن مدیریت اجرایی از مدیریتی ضعیف و مستأصل محقق شده است منجر به آن شده که تیم مذاکره‌کننده کشورمان نیز بتواند مذاکرات را مقتدرانه و با اعتماد به نفس بیشتری برای کسب دستاوردهای بهتر پیش ببرد همین مسأله منجر به آن شد تا امریکایی‌ها مجبور به عقب‌نشینی از زیاده‌خواهی‌های فرابرجامی شده و حتی به اعطای امتیازات فرابرجامی به تهران مجاب شوند. این مسأله از دید شبکه تحلیل‌گران، خبرنگاران و رسانه‌های برجامی و نزدیک به دولت سابق نیز دور نماند

گفت: «ولی باز هم اگر بخواهیم خیلی واقع‌بین باشیم، واقعیت این است که این کار نهایتاً ۱۰ تا ۲۰ درصد فشار اضافی بر اقتصاد ایران ایجاد کند و بازگرداندن مکانیسم ماشه و تحریم‌های اتحادیه اروپا هم فرض کنید ۱۰ تا ۲۰ درصد دیگر فشار ایجاد کند. به هر حال واقعیت این است که اقتصاد ایران فشار اصلی تحریم‌ها را پشت سر گذاشته و به هر حال همچنان سرپا است و این میزان اضافه فشار هم به احتمال زیاد اقتصاد ایران را از پا در نخواهد آورد. حتماً فشار را اضافه خواهد کرد ولی به گمان من نباید از آن انتظار این را داشت که معجزه‌ای کند یا آن طور که خیلی‌ها در واشنگتن فکر می‌کنند یک مقدار کمی فشار کافی است تا اقتصاد ایران متلاشی شود یا نظام در ایران متلاشی شود. اینها به گمان من خام‌اندیشی است» همه این موارد نشان‌دهنده آن است که



خنثی کردن تحریم‌ها توسعه تجارت با کشورهای همسایه، انجام مبادلات تجاری با پول‌های ملی و مبادلات مالی از طریق سازوکارهای محلی در اولویت قرار گرفت. این اعداد و ارقام که هر روز خود را در افزایش صادرات ایران به کشورهای همسایه، افزایش فروش نفت و بهبود ارزآوری نشان می‌دهد خود را در تحلیل‌های تحلیل‌گران و ناظران سیاسی هم نشان داده است.

کاهش جدی اثرگذاری تحریم و نگرانی غرب از این موضوع به تحلیلی غالب در فضای نخبگانی در کشورهای مختلف تبدیل شده است.

کشورهای جهان متضرر از تحریم‌های ایران

تحریم‌های یکجانبه علیه ایران بسیاری از دیگر کشورها و حتی متحدان امریکا را هم دچار مشکل کرده است تا جایی که بسیاری از کشورها به این مسأله اعتراض داشته‌اند. یون کانگ هوین سفیر کره جنوبی در تهران در جمله‌ای قابل تأمل اعلام کرده است که کره جنوبی بعد از مردم ایران بیشترین آسیب را از تحریم‌های امریکا علیه ایران دیده است. او حتی در مصاحبه خود گفته بود، صنعت پتروشیمی این کشور به دلیل همین تحریم‌ها با مشکلات زیادی مواجه شده است. این

روابط خوبی با تیم مذاکره‌کننده امریکا در زمان امضای برجام نیز داشته است، می‌گوید: «[غربی‌ها] می‌دانند که اثردهی تحریم‌ها کم شده است؛ شکی در آن نیست. معمولاً وقتی شما تحریم اعمال می‌کنید، یک اثر روانی بلافاصله دارد که آن را در سقوط ارزش ریال مثلاً می‌شود دید و یا افزایش تورم، بعد بتدریج اقتصاد جایگاه خود را پیدا می‌کند، بالانس پیدا می‌کند و راهکارهای جدیدی را پیدا می‌کند که تحریم‌ها را دور بزند؛ آن وقت طرف تحریم‌کننده اگر بخواهد همچنان فشار را اضافه کند باید آن مسیرها را هم شناسایی و سعی کند مسدود کند.»

مسئول پروژه ایران در گروه امریکایی بحران در ادامه با اشاره به اینکه تلاش برای مسدودسازی مسیرهای جدید جهت اثرگذار ماندن تحریم موفق نخواهد شد،

اقتصاد ایران فشار اصلی تحریم‌ها را پشت سر گذاشته است

علی‌واحد یکی از افراد مشغول به خدمت در امریکا است که به موضوع کاهش اثرگذاری تحریم‌ها اعتراف کرده بود. وی که از افراد نزدیک به تیم مذاکره‌کننده کنونی امریکا در وین بوده و

ویژنامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

مسائل باعث شد تا کره جنوبی که بدهی چند میلیارد دلاری به ایران هم دارد با فرستادن معاون وزیر خارجه خود به وین با کشورهای عضو مذاکره‌کننده گفت‌وگو کند و از منافع از دست رفته خود بگوید. در حین مذاکرات رفع تحریم، این کشور، معاون وزیر خارجه خود را به وین فرستاد و حتی در جریان رایزنی‌ها با کشورهای عضو برجام با علی باقری نماینده جمهوری اسلامی در مذاکرات رفع تحریم نیز گفت‌وگو کرد. به نظر می‌رسد بدهی‌های سؤال به تهران که بیش از هفت میلیارد دلار تخمین زده می‌شود یکی از محورهای این گفت‌وگوها باشد. یکی از موضوعات اختلافی دو کشور همواره مسأله چگونگی پرداخت این پول به کشورمان بوده است. کره جنوبی بارها تلاش کرد تا برای نجات برخی شرکت‌های خود از مشکلات اقتصادی در ازای پول‌های بلوکه شده ایران در بانک‌های سؤال، به واردات محصولات

مدیریت اجرایی از مدیریتی ضعیف و مستأصل محقق شده است منجر به آن شده که تیم مذاکره‌کننده کشورمان نیز بتواند مذاکرات را مقتدرانه و با اعتماد به نفس بیشتری برای کسب دستاوردهای بهتر پیش ببرد. تیم علی باقری در مذاکرات بدون آنکه پرتاب موشک و ماهواره و اقدامات منطقه‌ای را بهانه قرار دهد یا خواهان توقف امورات کشور برای جلوگیری از تأثیرگذاری در مذاکرات شود، مدیریتی عقلانی و شجاعانه را در مذاکرات وین به نمایش گذاشت. همین مسأله منجر به آن شد تا امریکایی‌ها مجبور به عقب‌نشینی از زیاده‌خواهی‌های فرابرجامی شده و حتی به اعطای امتیازات فرابرجامی به تهران مجاب شوند. این مسأله از دید شبکه تحلیل‌گران، خبرنگاران و رسانه‌های برجامی و نزدیک به دولت سابق نیز دور نماند. پایگاه خبری جماران، ۱۶ مرداد امسال در

مطلبی نوشت: «در جریان گفت‌وگوهای اخیر وین، هیأت ایرانی با نگاه حل مسأله و رسیدن به تفاهم پیش رفته و با اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه، تلاش کرده تا ضمن ایستادگی بر خطوط قرمز و موارد غیرقابل صرف نظر، حداکثر امتیازات ممکن را دریافت کند.» این رسانه اصلاح‌طلب همچنین خبر داد که مذاکره‌کنندگان دولت جدید توانسته‌اند نه تنها امتیازات بیشتری از برجام به دست آورند که حتی پیش‌نویس به دست آمده در دولت روحانی را نیز به نفع تهران تغییر دهند. «جماران» نوشت: «در نتیجه این رویکرد، پیش‌نویس کنونی در وین، در قیاس با گذشته از جنبه‌های مختلف بهبود پیدا کرده و چه از منظر «پایداری رفع تحریم‌ها و اطمینان‌بخشی به فعالان اقتصادی» و چه از نظر «حفظ دستاوردها، دانش و زیرساخت هسته‌ای» و چه از جنبه



خود به بازار ایران رو آورد. این اقدام البته برای تهران صرفه اقتصادی نداشته و مورد قبول طرف ایرانی قرار نگرفت. همه این شواهد نشان می‌دهد خشاب سلاح تحریم امریکا گلوله‌ای برای شلیک ندارد و آنها که دست خود را خالی می‌بینند، شکست کارزار فشار حداکثری را به تماشا نشسته و حتی مجبور به اعتراف به آن شده‌اند. سخنگوی وزارت خارجه امریکا و دیگر مقامات کاخ سفید در ماه‌های اخیر بارها به این مسأله اعتراف کرده و حتی از آن با عنوان «شکست فضاخت‌بار» برای ایالات متحده نام برده‌اند.

اعتراف به روند رو به جلوی مذاکرات با تیم علی باقری

همه این موارد که در پرتو راهبرد خنثی‌سازی تحریم‌ها و فاصله گرفتن

حراست از «امکان بازگشت‌پذیری سریع»، در مقایسه با سند برجام و همین‌طور پیش‌نویسی که در ادوار پیشین به دست آمده بود و نیز در مقایسه با سند اسفندماه، به شکل ملموسی ارتقا پیدا کرده و دارای امتیازات قابل توجهی است. چند روز بعد نیز روزنامه اعتماد به نقل از یک منبع آگاه نوشت: «پیش‌نویس موجود مذاکرات نسبت به اسفندماه بهبود داشته است و بویژه از جهت ارائه اطمینان اقتصادی به فعالان و شرکای تجاری ایران، امتیازات قابل توجهی دارد.» تمجید جریان غرب‌گرا از دولت سیزدهم و توانایی بهبود متن پیش‌نویس مذاکرات و پشت سر گذاشتن متن پر ایراد «وین-۶» در حالی است که آنها همواره تلاش داشتند تا جریان انقلابی را نه تنها ضدمذاکره نشان دهند که حتی ناتوان از کسب توافق خوب معرفی کنند.

در نتیجه رویکرد دولت سیزدهم، پیش‌نویس کنونی در وین، در قیاس با گذشته از جنبه‌های مختلف بهبود پیدا کرده و چه از منظر «پایداری رفع تحریم‌ها و اطمینان‌بخشی به فعالان اقتصادی» و چه از نظر «حفظ دستاوردها، دانش و زیرساخت هسته‌ای» و چه از جنبه حراست از «امکان بازگشت‌پذیری سریع»، در مقایسه با سند برجام و همین‌طور پیش‌نویسی که در ادوار پیشین به دست آمده بود و نیز در مقایسه با سند اسفندماه، به شکل ملموسی ارتقا پیدا کرده و دارای امتیازات قابل توجهی است

ویژه‌نامه



ایران

شماره ۵ شهریور ۱۴۰۱

ترافیک دیپلماتیک در تهران

سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور از همان آغاز به کار خود در قامت رئیس‌جمهور در تبیین سیاست خارجی دولت سیزدهم بر تمرکز دولتش بر چندجانبه‌گرایی و تقویت سیاست همسایگی تأکید ویژه‌ای کرد. این تأکید او در نخستین نشست خبری خود پس از انتخابش به عنوان رئیس‌جمهور سیزدهم مبنی بر به‌کارگیری یک سیاست خارجی متوازن گویای نگاه همه‌جانبه‌اش به تقویت مناسبات خارجی ایران از جمله روابط منطقه‌ای و آسیایی کشور بود. ذیل چنین نگاهی بود که تهران در یک سال گذشته به مقصد سفر شمار زیادی از سران کشورهای مختلف تبدیل شد. در کنار حضور سران کشورهای نظیر روسیه و ترکیه در اجلاس آستانه به میزبانی ایران، حضور ۷ تن از سران کشورهای مختلف از جمله رئیس‌جمهور سوریه، امیر قطر، رئیس‌جمهور تاجیکستان، رئیس‌جمهور ونزوئلا، رئیس‌جمهور قزاقستان، رئیس‌جمهور ترکمنستان و نخست‌وزیر عراق در تهران در کنار سفر شمار زیادی از وزرای خارجه کشورهای مختلف نشان از گشوده شدن چشم‌انداز جدیدی در روابط میان ایران و سایر بازیگران عرصه بین‌الملل داشت.

سفر امامعلی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان

«امامعلی رحمان»، رئیس‌جمهور تاجیکستان خردادماه امسال پس از یک وقفه ۹ ساله در رأس هیأت بزرگی به ایران آمد. این سفر در شرایطی صورت گرفت که در شرایط کنونی «تهران» و «دوشنبه» در مسیر بهبود روابط، دارای انگیزه و نقاط اشتراک مناسبی هستند. وقوف مقام‌های دو کشور به توسعه روابط در حالی است که تهدیدات مشترکی نیز برای هر دو کشور مطرح است که از جمله آنها می‌توان به قاچاق مواد مخدر، تروریسم، افراط گرایی، چالش‌های امنیتی بویژه بحران افغانستان در همسایگی دو کشور، نیاز تاجیکستان برای یافتن متحد جدید در منطقه بخصوص به دلیل تنش‌های سیاسی، نیاز تاجیکستان به کمک‌های اقتصادی و فنی ایران و نهایتاً الزام دو کشور به همگرایی اقتصادی و تجاری بویژه با توجه به بحران غذایی ناشی از خشکسالی و تغییرات جوی اشاره کرد. البته دامنه این رویکرد و همگرایی به عرصه نظامی-امنیتی نیز رسیده است. رئیسی پس از دیدار با همتای تاجیک خود در تهران با بیان اینکه حجم مبادلات تجاری ایران و تاجیکستان به چهار برابر رسیده است، تأکید کرد: «مصمم هستیم روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روابط در حوزه‌های مختلف به‌صورت جدی تداوم پیدا کند، به‌نحوی که هر دو کشور و هر دو دولت و ملت، شاهد روابط بهتر از وضعیت کنونی بین دو کشور باشند.»

سفر رئیس‌جمهور تاجیکستان با امضای ۱۷ سند همکاری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، حمل‌ونقل، سرمایه‌گذاری، فناوری‌های نو، محیط زیست، ورزشی، انرژی، قضایی، آموزشی، تحقیقاتی و گردشگری همراه شد.

سفر «قاسم ژومارت توکایف»، رئیس‌جمهور قزاقستان

«قاسم ژومارت توکایف»، رئیس‌جمهور قزاقستان نیز آذرماه سال گذشته میهمان مقام‌های کشورمان بود. این سفر در حالی انجام شد که حوزه آسیای مرکزی همواره به عنوان یکی از مناطق حائز اهمیت برای جمهوری اسلامی مطرح بوده است و در همین راستا قزاقستان با بهره‌مندی از ظرفیت‌های مهم اقتصادی از جمله در حوزه‌های انرژی آمادگی ورود به



سفر بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه

از مهم‌ترین سفرهای سران کشورها به ایران، حضور بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در اردیبهشت ماه بود که نشان از ثبات روابط عمیق و رو به توسعه تهران و دمشق داشت. سید ابراهیم رئیسی در خلال این سفر و در دیدار با همتای سوریه‌ای خود بر وجود اراده و تمایل جدی تهران برای ارتقای سطح همکاری‌ها و روابط با دمشق بخصوص در حوزه‌های اقتصادی و تجاری تأکید کرد و این مسأله را یکی از اولویت‌های جدی دولت در تقویت رابطه راهبردی تهران و دمشق





سفر «شیخ تمیم بن حمد آل ثانی» امیر قطر

«شیخ تمیم بن حمد آل ثانی»، امیر قطر اردیبهشت ماه سال جاری در حالی به ایران آمد که روابط تهران و دوحه در ماه‌های اخیر شاهد روند رو به پیشرفتی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، بخش‌های انرژی و همکاری‌های مرزی بوده است. امری که حاصل تمرکز دولت سیزدهم به گسترش روابط دوجانبه و توسعه آن و تلاش برای رساندن همکاری به بالاترین سطوح بوده است.

از آنجایی که سیاست خارجی ایران بر سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز و همگرایی با کشورهای منطقه‌ای مبتنی است، طبیعتاً قطر یکی از کشورهای است که در سطح بالاتری از دیگر کشورها برای حضور در این همزیستی مسالمت‌آمیز قرار دارد.

از این منظر حضور «شیخ تمیم بن حمد آل ثانی» در تهران و دیدارهایی که صورت گرفت سبب شد تا روابط دوجانبه شاهد رشدی روزافزون باشد؛ پیشرفتی که بی‌تردید افق‌های جدید همکاری را می‌گشاید و امکان به اجرا درآمدن طرح‌های مشترک میان دو کشور را فراهم می‌کند. امیر قطر در جریان حضورش در تهران، درباره موارد مختلفی از جمله روابط دو کشور، مسائل منطقه‌ای و

از مهم‌ترین سفرهای سران کشورها به ایران، حضور بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در اردیبهشت ماه سال گذشته بود که نشان از ثبات روابط عمیق و رو به توسعه تهران و دمشق داشت. سید ابراهیم رئیسی در خلال این سفر و در دیدار با همتای سوریه‌ای خود بر وجود اراده و تمایل جدی تهران برای ارتقای سطح همکاری‌ها و روابط با دمشق بخصوص در حوزه‌های اقتصادی و تجاری تأکید کرد و این مسئله را یکی از اولویت‌های جدی دولت در تقویت رابطه راهبردی تهران و دمشق دانست

همکاری‌های گسترده با ایران را دارد. در سفری هم که رئیس‌جمهور این کشور به تهران داشت علاوه بر گفت‌وگوهای مهم سیاسی و تبادل نظر در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، تفاهنامه‌های متعددی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز به امضا رسید. رئیسی در دیدار با همتای خود از قزاقستان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی ایران را نقش‌آفرینی مؤثر در افزایش همگرایی منطقه‌ای از طریق گسترش تجارت از مسیر ایران دانست و تأکید کرد: «ایران جایگاه منحصر به فردی در جغرافیای راهبردی منطقه دارد و می‌تواند مسیر اتصال بین منطقه‌ای از شرق و جنوب آسیا به اروپا باشد». رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه شرکت‌های حمل‌ونقل بین قاره‌ای مدت‌هاست به کریدور شرقی- غربی و شمالی و جنوبی از مسیر جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند شده‌اند، این واقعیت را یادآور شد که با فعال شدن شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی این مسیر به‌خصوص برای کشورهای آسیایی و اروپایی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. رئیس‌جمهور قزاقستان نیز با مهم توصیف کردن همکاری کشورش با جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی این کریدور ریلی خواستار اجرایی شدن کامل این روند همکاری شد.

در جریان این سفر ترانزیت تمام‌ریلی اولین قطار کانتینری از کریدور ایران آغاز به کار کرد و همچنین تفاهم همکاری ریلی بین راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و راه‌آهن جمهوری قزاقستان به امضای مدیران عامل راه‌آهن دو کشور رسید که بر اساس هدف‌گذاری اولیه صورت‌گرفته در آن، سالانه ۵ میلیون تن کالا از مسیر ایران ترانزیت خواهد شد.

از دیگر دستاوردهای سفر «قاسم ژومارت توکایف» به ایران می‌توان به امضای ۹ یادداشت تفاهم و سند همکاری بین دو کشور از جمله یادداشت تفاهم میان مرکز مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه و مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی وزارت خارجه قزاقستان، یادداشت تفاهم همکاری در زمینه مطالعات تحلیلی و تبادل تجربه میان وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت تجارت و همگرایی قزاقستان، یادداشت تفاهم همکاری در خصوص افزایش تجارت دوجانبه میان وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت تجارت و همگرایی قزاقستان، یادداشت تفاهم همکاری بین وزارت جهاد کشاورزی ایران و وزارت کشاورزی قزاقستان در زمینه کشاورزی، یادداشت تفاهم همکاری بین وزارت جهاد کشاورزی و وزارت کشاورزی و وزارت صنعت و توسعه زیرساخت قزاقستان در زمینه تجارت و ترانزیت محصولات کشاورزی و همچنین یادداشت تفاهم همکاری میان راه‌آهن ایران و شرکت سهامی راه آهن ملی قزاقستان (آغاز ترانزیت تمام ریلی اولین قطار کانتینری قزاقستان از مسیر ایران) اشاره کرد.





بین‌المللی با مقام‌های ایرانی گفت‌وگو کرد. از میان موضوعات مطرح شده در این دیدارها مذاکرات او با رهبر معظم انقلاب و رئیس‌جمهور درخصوص صلح و امنیت منطقه، اهمیت بیشتری داشته است.

در همین رابطه از مهم‌ترین محورهای مذاکرات رؤسای ایران و قطر در این سفر می‌توان به تقویت همکاری‌های مشترک در عرصه‌های مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، تسریع در روابط تهران - دوحه در حوزه‌های مختلف خصوصاً مسائل اقتصادی و تجاری و گسترش روابط دو کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری، فرهنگی، گردشگری و انرژی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین دو کشور و همچنین برگزاری منظم کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی دو کشور و پیگیری توافقات سفر رئیس‌جمهور به قطر (دوم اسفند ۱۴۰۰) اشاره داشت.

سفر «نیکلاس مادورو»، رئیس‌جمهور ونزوئلا

سفر نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا در خردادماه سال جاری به ایران هم اتفاق مهم دیگری بود که در ماه‌های گذشته روی داد تا ایران و ونزوئلا با امضای سند همکاری ۲۰ساله روابط خود را تثبیت کنند. این سفر در حالی صورت گرفت که رابطه ایران و ونزوئلا در دولت سیزدهم در مسیر بازگشت به روزهای اوج خود قرار گرفته است. پس از اجرای قرارداد سوآپ میعانات گازی ایران و نفت سنگین ونزوئلا که با استقرار دولت رئیسی امکان تحقق یافت، امضای سند همکاری‌های راهبردی ۲۰ ساله در جریان سفر نیکلاس مادورو به ایران را باید گامی بزرگتر در استحکام این اتحاد استراتژیک توصیف کرد.

همپیمانی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بولیواری ونزوئلا اگر چه از قرابت‌های سیاسی- اقتصادی در دیدگاه‌های ضد استکباری و هدف مشترک مقابله با تحریم‌های امریکایی ریشه گرفته است اما حالا با امضای این سند همکاری در حوزه انرژی، ساخت نیروگاه‌های حرارتی، تعمیر و اورهال پالایشگاه‌های ونزوئلا، صادرات خدمات فنی و مهندسی، عرصه‌های اقتصادی، کشاورزی، دفاعی و نظامی نشان می‌دهد که در رویکردی ایجابی توسعه و پیشرفت دو کشور را هدف قرار داده است.

پیش از آن هم در مهر پارسال بود که رسانه‌های بین‌المللی از انعقاد قرارداد بزرگ نفتی میان ایران و ونزوئلا با وجود تحریم‌های امریکا خبر دادند که براساس آن ونزوئلا به یکی از مقاصد بزرگ صادرات میعانات گازی ایران تبدیل می‌شد. قراردادی که به معنای قرار گرفتن دو کشور در مسیر توسعه همکاری‌های نفتی و پالایشگاهی بود و با توجه به قرار داشتن ونزوئلا در رتبه اول و ایران در رتبه سوم دارندگان بزرگترین ذخایر نفتی جهان از اهمیتی ویژه برخوردار است.

علاوه بر این باید یادآوری کرد که

نیکلاس مادورو ماه‌ها پیش از سفر به تهران نسبت به انجام خریدهای تسلیحاتی از ایران از جمله خرید پهپادها و موشک‌های بالستیک ساخت ایران ابراز تمایل کرده بود. با نگاهی به این پیشینه انعقاد سند جامع همکاری‌های راهبردی ۲۰ ساله را باید ترسیم‌کننده چشم‌اندازی روشن و ثمربخش دانست که روابط دو کشور را در برابر فراز و فرودهای سیاسی بیمه می‌کند، به جبهه مقابله با تحریم قوام می‌بخشد و دولتمردان امریکایی را با این واقعیت مواجه می‌کند که در فضای جدید روابط بین‌الملل آنها حتی از تحمیل سیطره خود بر کشوری در حیط خلوت‌شان هم ناتوانند و نه تنها باید بی‌اثری تحریم‌هایشان را بپذیرند، بلکه واقعیت نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران، حتی در یک قدمی مرزهای خود را پذیرا باشند.

سفر «بردی محمداف»، رئیس‌جمهور ترکمنستان

حضور «بردی محمداف»، رئیس‌جمهور ترکمنستان در خردادماه سال جاری در ایران، فرصت مناسبی برای گسترش همکاری‌های فی‌مابین بود؛ چه آنکه حسن همجواری، همسایگی و پیوندهای ریشه‌دار میان دو ملت ایران و ترکمنستان فارغ از هرگونه ملاحظه‌ای در روند مناسبات نزدیک دو کشور مطرح است.

تهران و عشق‌آباد همواره در طول تاریخ مشترک خود تعاملی توأم با احترام با یکدیگر داشته و کوشیده‌اند روابطی را

سفر نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا در خردادماه سال جاری به ایران هم اتفاق مهم دیگری بود که در ماه‌های گذشته روی داد تا ایران و ونزوئلا با امضای سند همکاری ۲۰ساله روابط خود را تثبیت کنند. این سفر در حالی صورت گرفت که رابطه ایران و ونزوئلا در دولت سیزدهم در مسیر بازگشت به روزهای اوج خود قرار گرفته است. پس از اجرای قرارداد سوآپ میعانات گازی ایران و نفت سنگین ونزوئلا که با استقرار دولت رئیسی امکان تحقق یافت، امضای سند جامع همکاری‌های راهبردی ۲۰ ساله در جریان سفر نیکلاس مادورو به ایران را باید گامی بزرگتر در استحکام این اتحاد استراتژیک توصیف کرد



ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

مبتنی بر احترام متقابل در کلیه سطوح گسترش دهند. فارغ از فراز و فرودهای عالم سیاست و سعایت‌های فرامنطقه‌ای، دو ملت هیچ گاه رابطه خود را دستخوش تحولات تحمیلی بر منطقه قرار نداده‌اند. این در حالی است که جمهوری اسلامی در شمار نخستین کشورهای بود که پس از استقلال ترکمنستان در سال ۱۹۹۱ این کشور را به رسمیت شناخت. روابط دیرینه فرهنگی دو طرف نیز از دیرباز با یکدیگر پیوند خورده و در عرصه تاریخ جابجایی ویژه دارد.

رئیس جمهور کشورمان پس از دیدار با «بردی محمداف» مذاکرات دو کشور را نشان دهنده اراده جدی تهران- عشق‌آباد بر توسعه روابط دانست و گفت که اجرای تفاهمنامه‌های امروز و از همه مهم تر مصمم بودن دو طرف برای به امضا رساندن سندی مربوط به دو دهه آینده بیانگر اهمیت این رابطه دوجانبه است. رئیسی همچنین همکاری با کشورهای دریای خزر را یکی از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد. در جریان سفر رئیس جمهور ترکمنستان

«مصطفی الکاظمی»، نخست‌وزیر عراق تیرماه سال جاری برای دومین بار از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم به تهران سفر کرد. «الکاظمی» شهریورماه سال گذشته جزو نخستین مقام‌های بلندپایه منطقه بود که در تهران دست دوستی سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور را فشرد و بر اتحاد ناگسستگی تهران و بغداد تأکید کرد. او در دومین سفر خود نیز یک هیأت بزرگ سیاسی و اقتصادی را با خود همراه ساخت تا این واقعیت بیش از پیش معلوم شود که رابطه سیاسی و اقتصادی تهران و بغداد نه از تلاش‌های آشکار و پنهان برای تخریب تأثر می‌پذیرد و نه قربانی سیاست‌های شوم آمریکایی یعنی تحریم‌ها خواهد شد



تشکیل کارگروه مشترک سرمایه‌گذاری»، «تفاهمنامه جامع توسعه همکاری‌های حمل و نقلی و ترانزیتی» و «یادداشت تفاهم همکاری در زمینه حفاظت محیط زیست» از اسنادی بود که به امضای مقامات عالی رتبه مربوطه در حضور سران ایران و ترکمنستان رسید.

سفر «مصطفی الکاظمی»، نخست‌وزیر عراق

«مصطفی الکاظمی»، نخست‌وزیر عراق تیرماه سال جاری برای دومین بار از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم به تهران سفر کرد. «الکاظمی» شهریورماه سال گذشته جزو نخستین مقام‌های بلندپایه منطقه بود که (بعد از استقرار دولت سیزدهم) در تهران دست دوستی سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور را فشرد و بر اتحاد ناگسستگی تهران و بغداد تأکید کرد. او در دومین سفر خود نیز یک هیأت بزرگ سیاسی و اقتصادی را با خود همراه ساخت تا این واقعیت بیش از پیش معلوم شود که رابطه سیاسی و اقتصادی تهران و بغداد نه از تلاش‌های آشکار و

پنهان برای تخریب تأثر می‌پذیرد و نه قربانی سیاست‌های شوم آمریکایی یعنی تحریم‌ها خواهد شد.

این سخن رئیسی در نشست خبری مشترک با «الکاظمی» در جریان سفر دوم او که «ما کشور عراق را نزدیک‌ترین ملت به ملت ایران می‌دانیم و نزدیک‌ترین روابط را با کشور عراق رقم می‌زنیم» از اهمیت اتحاد راهبردی تهران و بغداد و وجود زمینه‌های مشترک فرهنگی میان دو ملت حکایت می‌کرد.

نزدیکی و درهم تنیدگی روابطی که در دوران چند ساله همراهی نیروهای مستشاری ایران با ارتش و نیروهای مردمی عراق در مبارزه با داعش شکل گرفت، مبادلات تجاری دست‌کم ۱۳ میلیارد دلاری که در دوره تحریم‌ها به ریال، دینار و یورو انجام شده و روابط ارگانیکی در طول سال‌های اخیر میان صنعت و تجارت دو کشور ایجاد کرده از جمله دلایلی است که سبب می‌شود رابطه ایران و عراق از ایمنی قابل توجهی در قبال مخاطرات خارجی برخوردار باشد.

همسویی سیاسی و منطقه‌ای، تقویت مناسبات تجاری و بازرگانی و همکاری‌های اقتصادی- سیاسی همچون تکمیل کریدور ترانزیتی «سوریه، عراق، ایران و لبنان» از جمله موضوعات مهم در دستور کار گفت‌وگوهای رئیس جمهور ایران و نخست‌وزیر عراق به شمار می‌آمد. رئیسی در نشست خبری خود بعد از سفر نخست وزیر عراق به تهران، اتصال ریلی شلمچه و بصره را از محورهای مهم گفت‌وگو با «الکاظمی» دانست و همچنین خبر داد که دو طرف توافق کردند برای تسهیل روابط پولی دوجانبه گام‌های جدیدی بردارند.

تهران و بغداد پیشتر نیز درباره اجرایی کردن توافقات بین دو کشور از جمله اتصال راه‌آهن میان دو طرف از طریق خرمشهر به بصره، گفت‌وگوهای مهمی را به جریان انداخته بودند. با ایجاد چنین محور اتصالی، خط راه‌آهن خرمشهر- بصره به راه‌گذر بین‌المللی (کریدور) شمال- جنوب و شرق- غرب می‌پیوندد و عراق می‌تواند به عنوان بخشی از طرح ریلی و خاکی راه ابریشم، کالاهای خود را از مسیر ایران به دیگر مناطق جهان- از اوراسیا تا اروپا- صادر کند.

افزایش حجم تبادلات مالی و بانکی میان ایران و عراق نیز از دیگر موضوعات گفت‌وگو در سفر «الکاظمی» به تهران بود که ساز و کار آن پیشتر ایجاد شده و در یک سال اخیر نیز حدود یک و نیم میلیارد دلار از پول‌های ایران در عراق بر اساس موافقتنامه‌ای که بین بانک‌های مرکزی ایران و عراق به امضا رسید به داخل ایران منتقل شده است.

رئیس جمهور ایران و نخست‌وزیر عراق همچنین درباره همکاری‌های امنیتی و منطقه‌ای دو کشور نیز به گفت‌وگو نشستند که رئیسی بر تداوم این همکاری تنگاتنگ تأکید کرد. تسهیل سفرهای زیارتی مردم ایران به عتبات عالیات از جمله لغو روادید نیز از دیگر نتایج سازنده سفر رئیس جمهور عراق به تهران بود.

ویژه‌نامه



ایران

شماره ۵ شهریور ۱۴۰۱



دیپلماسی دولت سیزدهم چگونه «تهدید» را به «فرصت» تبدیل کرد؟

اجرای موفق سیاست همسایگی

فعال شدن کانال دیپلماسی میان تهران و پایتخت‌های عربی

حضور حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه در اجلاس بغداد که اوایل شهریورماه سال گذشته با هدف همکاری بیشتر کشورهای منطقه برگزار شد و به دنبال آن و سفرهای او به روسیه، لبنان و سوریه؛ کنار سفرهای متعدد علی باقری، معاون وزیر امور خارجه به کشورهای منطقه از جمله پاکستان، قطر و ترکیه و همچنین سفر مقام‌های متعدد دیپلماتیک کشورهای منطقه به تهران از عزم جدی دولت سیزدهم برای ورود به عصر تازه همکاری با کشورهای منطقه‌ای حکایت می‌کرد. سفرهای متعدد دیپلماتیک متقابل مقام‌های ایرانی و کشورهای منطقه‌ای درحالی اهمیت‌ی دوجندان یافته که دولت رئیسی همزمان مذاکرات احیای برجام با هدف رفع تحریم‌ها را در وین با کشورهای غربی آغاز کرده بود و تلاش می‌کرد این امر برخلاف گذشته دیگر به مانعی برای پیگیری رویکرد عملگرایانه‌اش با کشورهای همسایه و عربی منطقه تبدیل نشود. در چنین فضایی دولت رئیسی بر

آغاز به کار دولت سیزدهم و تبیین سیاست خارجی آن در منطقه پرچالش غرب آسیا و تأکید بر اینکه امنیت جمعی بخش اصلی دکترین سیاست خارجی ایران خواهد بود، شکل‌گیری نظریه‌ای را رقم زده که دولت از آغاز کار برای تبدیل کردن آن به یک الگوواره در روابط منطقه غرب آسیا اقداماتی جدی را در دستور کار خود قرار داده است. آیت‌الله رئیسی این دیدگاه را نخستین بار در گفت‌وگوی تلفنی خود با «شیخ تمیم بن حمد آل ثانی»، امیر قطر که برای تبریک پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری تماس گرفته بود، عنوان کرد. هر چند برخی در آغاز، این دیدگاه را تعارفی برای همکاری و احتمالاً خوش آمد مقام‌های عربی منطقه تلقی کردند اما در ماه‌های بعد، پیگیری رویکردی که تهران به موازات ازسرگیری مذاکرات رفع تحریم‌ها در وین در قبال کشورهای همسایه و عربی منطقه در پیش گرفت، نشان از آن داشت که این نظریه تعارف نیست؛ بلکه یک راهبرد و تصمیم جدی سیاسی است. اتخاذ این تصمیم بر پایه این واقعیت مورد توجه قرار گرفته که امنیت منطقه‌ای به‌عنوان یکی از موضوعات مهم می‌تواند همواره بر دیگر ابعاد و زیست منطقه‌ای هر یک از کشورهای خاورمیانه اثرگذار باشد. این چنین بود که در سیاست خارجی چند وجهی دولت، رابطه با همسایگان و بازیگران عربی و کشورهای حوزه آسیایی به همان اندازه اهمیت پیدا کرد که پیگیری منافع اقتصادی کشور در چهارچوب مذاکرات هسته‌ای؛ نگاهی که نشانگر درک واقع گرایانه رئیسی از واقعیت‌های نوین قدرت در عرصه سیاست خارجی به شمار می‌آید. از این‌رو دولت سیزدهم با تعریف مجدد اولویت‌های سیاست خارجی خود و نشان دادن همسایگان و کشورهای منطقه در صدر فهرست اولویت خود برای ایجاد تقویت همکاری اقتصادی و امنیتی خیز برداشته و در این مسیر به ترغیب همسایگان به حل اختلافات و بحران‌ها از مسیر تعامل و گفت‌وگو روی آورده است؛ رویکردی که از سویی با هدف ایجاد تغییر در تصویر ایران در نگاه منطقه و از سوی دیگر با چشم‌انداز ایجاد سرمایه منطقه‌ای در مواجهه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای پدید آمده است.

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

سیاست اصولی خود مبنی بر تعمیق رابطه با همسایگان تأکید نمود و بویژه با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر منطقه نشان داد که تمایلی به تشدید اختلافات وجود ندارد. از این رو امیرعبداللهیان در جریان نخستین حضورش در سازمان ملل پیشنهاد «گفت‌وگوهای درون منطقه‌ای» را مطرح کرد؛ پیشنهادی که سمت و سوی خود را در مسیر کاستن از اختلافات و یافتن زمینه‌های مشترک همگرایی با مشارکت همه کشورهای منطقه خاورمیانه جست‌وجو می‌کرد. فعال شدن کانال دیپلماسی مستمر میان تهران و پایتخت‌های عربی متناظر به چنین رویکردی است. واقعیتی که مثبت‌ترین وجه آن را باید در عزم ایران برای بهره‌برداری از موازنه جدید در جهت ایجاد امنیت و ثبات منطقه‌ای و ترغیب همسایگان به حل اختلافات و بحران‌ها از مسیر تعامل و گفت‌وگو جست و جو کرد؛ همان طور که رئیس دولت سیزدهم تأکید کرده است که راه حل مشکلات منطقه تنها از طریق گفت‌وگو امکان پذیر است.

ابتکار عمل در بحران افغانستان

این دیپلماسی پرتحرک در حالی به جریان افتاد که دولت سیزدهم در همان آغاز با مجموعه‌ای از تحولات پرشتاب از جمله سقوط دولت اشرف غنی در افغانستان و تسلط گروه طالبان رو به رو شد. این در حالی بود که پیگیری مستمر گفت‌وگوهایی که مشخصاً از سوی وزارت خارجه و نماینده ویژه رئیس جمهور کشورمان بعد از فروپاشی دولت وقت در کابل و قدرت گرفتن گروه طالبان در افغانستان در دستور کار قرار گرفت، سبب شد که توجهات دیگر کشورها برای کاهش پیامدهای این بحران و ممانعت از تسری آن به همسایگان متوجه تلاش‌های دیپلماتیک ایران شود.

بازگشت ابوظبی

سیاست مبتکرانه و واقع‌گرایانه منطقه‌ای در حالی از سوی رئیس جمهور در دستور کار قرار گرفت که مجموعه رویدادهایی در منطقه سبب شکل‌گیری معادلات حاکم بر مناسبات میان کشورهای عربی با جمهوری اسلامی شد. کم‌رنگ شدن حمایت آمریکا از متحدان منطقه‌ای اش اگرچه از اواخر دوره «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور پیشین آمریکا و بویژه بعد از حمله به تأسیسات نفتی آرامکو و ناتوانی آمریکا از پشتیبانی عربستان دیده می‌شد اما این روند کمی بعد با ریاست جمهوری «جو بایدن» تقویت شد. خاصه آنکه آمریکا در منطقه غرب آسیا راهبرد خروج تدریجی را در پیش گرفت و درصدد برآمد بسیاری از مأموریت‌های خود در این حوزه را برون سپاری کند. با بروز چنین تحولاتی حصر قطر از سوی جبهه ائتلافی به رهبری عربستان پایان یافت و اختلافات در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کاهش پیدا کرد، تماس‌هایی بین مصر و ترکیه از یک سو و عربستان و ترکیه انجام شد و «طحنون بن زاید»، مشاور امنیت ملی امارات هم به تهران

آغاز به کار دولت سیزدهم و تبیین سیاست خارجی آن در منطقه پرچالش غرب آسیا و تأکید بر اینکه امنیت جمعی بخش اصلی دکترین سیاست خارجی ایران خواهد بود، شکل‌گیری نظریه‌ای را رقم زده که دولت از آغاز کار برای تبدیل کردن آن به یک الگوواره در روابط منطقه غرب آسیا اقداماتی جدی را در دستور کار خود قرار داده است هر چند برخی در آغاز، این دیدگاه را تعارفی برای همگرایی و احتمالاً خوش آمد مقام‌های عربی منطقه تلقی کردند اما در ماه‌های بعد، پیگیری رویکردی که تهران به موازات ازسرگیری مذاکرات رفع تحریم‌ها در وین در قبال کشورهای همسایه و عربی منطقه در پیش گرفت، نشان از آن داشت که این نظریه تعارف نیست؛ بلکه یک راهبرد و تصمیم جدی سیاسی است

از رویکرد سیاست خارجی دولت رئیسی و دریافت این واقعیت که دولت امریکا بواسطه عللی همچون شکست در برابر رشته سیاست‌های منطقه‌ای ایران در سال‌های گذشته و همچنین تقابل اقتصادی با چین، توانایی حضور و مداخله حداکثری در مسائل منطقه غرب آسیا را ندارد، امارات را متوجه آن کرد که دیگر از حمایت‌های بی‌دریغ این قدرت فرامنطقه‌ای خبری نیست و این کشور نیز باید مانند سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس، خود به فکر ساز و کارهایی برای تنظیم و بهبود روابط با کشورهای همسایه‌اش باشد؛ امری که ایران بارها در دعوت خود از کشورهای منطقه برای تأمین امنیت درون منطقه‌ای به آن توجه نشان داده بود. این چنین بود که تلاش ابوظبی برای تغییر راهبرد خود مبنی بر چرخش از رویکرد مبتنی بر بهره‌گیری از دلارهای نفتی و قدرت نظامی برای حمایت از متحدان و تضعیف مخالفان به سمت و سوی دیپلماسی اقتصادی توجه بسیاری از ناظران را به سوی خود جلب کرد. این دگرگونی بویژه در خصوص تهران و پس از سفر ناکام رئیس جمهور امریکا به عربستان، سبب شد ابوظبی در روزهای اخیر اعلام کند که قصد دارد با تعیین سفیر جدید خود در تهران، سطح رابطه با کشورمان را در بالاترین سطح دیپلماتیک به جریان بیندازد.

تغییر رویکرد عربستان و شروع مذاکرات

یکی از موضوعات مهم و بحرانی منطقه که ذیل رویکرد دولت سیزدهم راهی برای آن گشوده شد، موضوع بهبود نسبی روابط با عربستان بود. رابطه دیپلماتیک تهران و ریاض در دی ماه ۱۳۹۴ و پس از حکم مقام‌های سعودی به اعدام «شیخ نمر باقر النمر»، روحانی شیعه متوقف شد و در ماه‌های اخیر در حالی که تصور می‌شد، اراده‌ای برای ترمیم این رابطه شکل گرفته است، مذاکراتی در سطوح بالای دو کشور آغاز شد.

پیش از آن، روی خوش به مداخله کشورهای صاحب قدرت خارج از منطقه که همواره منافع خود را بواسطه فراهم آمدن زمینه رقابت‌های تسلیحاتی و به جیب زدن دلارهای نفتی در تقویت اختلافات و تنش‌های این منطقه یافته‌اند، صف بندی‌های کاذب در منطقه و ایجاد گسل‌های تنش‌زا در منطقه از جمله رفتارهای ماجراجویانه ولیعهد سعودی بود که در سال‌های اخیر تا پای خوش رقصی در بازار شناور نفت هم پیش رفت و حتی امنیت انرژی و منطقه را گروگان همپیمانی پوشالی ریاض و واشنگتن گرفت. این قرابت، داروی توهم زایی بود که بر تندی مواضع و اظهارات مقامات عربستان از جمله «محمد بن سلمان»، علیه ایران می‌افزود، بی‌آنکه حمایتی از سوی شرکای غربی پشت این اظهارات تهدیدآمیز باشد. در همراهی عربستان با آمریکا علیه ایران تنها می‌شد به دلایلی همچون کمک «ترامپ» به «بن سلمان» برای عبور از رسوایی قتل وحشیانه «جمال خاشقجی»، روزنامه‌نگار

انسان دوستانه آن، نشان از دگردیسی روابطی دارد که زمان و رویدادها سبب بروز آن در شرایط کنونی خاورمیانه شده است. «احمد حافظ»، سخنگوی وزارت خارجه مصر در پیامی که در صفحه رسمی وزارت خارجه این کشور منتشر شد، با دولت و مردم کشورمان ابراز همدردی کرد.

روابط تهران و قاهره بعد از آنکه انقلاب‌های عربی تونس، مصر و لیبی را پشت سر گذاشت، در گذر از سوریه، بحرین و یمن؛ به ملغمه‌ای از ناکامی، جنگ و تروریسم آغشته و در سیر نزولی قرار گرفت؛ بویژه آنکه بروز این تحولات به نقطه تقابل دو قدرت صاحب نفوذ منطقه یعنی ایران و عربستان تبدیل شد. این در حالی بود که در پی سقوط دولت «محمد مرسى»، رئیس جمهور پیشین مصر و روی کار آمدن دولت «عبدالفتاح السیسی»، نقش آفرینی عربستان در ایجاد صف آرای منطقه‌ای علیه ایران هویدایی بیشتری یافت. حال آنکه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برای سر پا نگه داشتن نظام نوپای مصر کمک‌های مالی خود را روانه قاهره می‌کردند تا اقتصاد این کشور را که در دوره «محمد مرسى» بنا به دلایل داخلی و خارجی با نابسامانی رو به رو شده بود، سر پا نگه دارند. امری که پیامد مستقیم آن قرار گرفتن قاهره در صف‌بندی موهومی بود که ریاض در دامن زدن به سناریوی «ایران هراسی» پی گرفته بود. کاهش معنادار روابط دیپلماتیک میان ایران و مصر در سال‌های اخیر در چنین چهارچوبی ارزیابی می‌شد. اما این سیر نزولی با بروز تحولات پرشتاب منطقه ذیل تغییر سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن و ناکامی شماری از کشورهای عربی در سیاست خاورمیانه‌ای خود، سمت و سوی دیگری یافت. فهم جدید دولتمردان قاهره از تحولات جاری را می‌توان از جمله دلایلی دانست که باعث شده ناظران، چشم‌انداز روشنی را برای ترمیم و تقویت رابطه تهران و قاهره پیش‌بینی کنند.

از میان رفتن هیاهو

به این ترتیب آنچه در لوای رویکرد اخیر کشورهای عربی که پیشتر در مدار پرهیاهوی تنش‌های بالاگرفته با جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته بودند، دیده می‌شود، میل به ایجاد تغییراتی است که در بطن خود چهارچوبی برای تغییر رویکرد و همکاری‌های منطقه‌ای را با اعتنا به نقش اثرگذار جمهوری اسلامی در منطقه جست‌وجو می‌کند. تحولی که پشتوانه آن چیزی نیست جز اهمیت قدرت میدانی و دیپلماتیک ایران در منطقه از یک سو و نقشی که کشورمان در پیگیری ایده کاهش اختلافات و همکاری‌های درون منطقه‌ای دنبال می‌کند. این ایده که بیش و پیش از هر گزاره دیگر، ناظر به تحقق منافع ملی هر یک از بازیگران منطقه و تهدیدات مشترک میان آنهاست، معتقد است که مقابله با فشارهای خارجی همزمان با تقویت این همکاری‌ها، نیازمند عبور از سوءتفاهمات و منافع متعارض و محکم‌تر کردن پایه‌های همگرایی است تا از این رهگذر، اهداف مشترک مبنی بر تأمین امنیت دسته‌جمعی محقق شود.



سعودی، اجبار «سعد حریری» به استعفا و دستگیری‌های خودسرانه شاهزادگان آل سعود و تجار ثروتمند ساکن عربستان سعودی استناد کرد.

در چنین شرایطی نتیجه اعتماد به نفس بی‌پشتوانه ریاض چیزی نبود جز حرکات ایضایی که بعضاً به اقتضای در سیاست بین‌الملل تبدیل شد. تحریم همه جانبه قطر و تلاش برای تبدیل کردن تنش‌های داخلی کشورهای درگیر بحران به نمایشی علیه ایران از جمله این اقدامات بود. طبیعی بود زمین گیر شدن ریاض در جدال‌های فرسایشی منطقه که با اتکا بر سلاح‌های امریکایی، انگلیسی و فرانسوی برای خود رقم زده بود، بیشتر از یک سطح مشخص نمی‌توانستند توهم قدرت و بلند پروازی را برای ولیعهد ماجراجوی منطقه به ارمغان بیاورند و او می‌بایست برای ناکامی‌های منطقه‌ای خود چاره اندیشی کند. خاصه آنکه به نظر می‌رسید با تغییر راهبرد خارجی در امریکا دیگر سعودی‌ها نمی‌توانستند در پیگیری سیاست بحران ساز خود در منطقه به رهبران خود در واشنگتن دل خوش کنند. در پی درک این واقعیات از سوی حاکمان سعودی بود که مقدمات مذاکرات دوجانبه تهران و ریاض فراهم شد و نخستین دور مذاکرات دو کشور در بهار ۱۴۰۰ صورت گرفت. هیأت‌های ایرانی و سعودی پس از نخستین دور مذاکرات، در یک سال گذشته چهار دور دیگر با یکدیگر گفت‌وگو کردند که پنجمین و جدیدترین آن، اوایل اردیبهشت سال جاری انجام شد. حسین امیرعبداللّه‌یان، وزیر خارجه ایران در پی برگزاری این دور از مذاکرات بود که از روند رایزنی‌های صورت گرفته ابراز رضایت نمود و اعلام کرد که در چهارچوب توافق‌های صورت گرفته با عربستان سعودی قرار شده که تبادل هیأت‌های فنی برای بازدید از سفارتخانه‌ها صورت گیرد و مقدمات برای از سرگیری روابط فیما بین در سطح سفیر فراهم شود.

آنچه در لوای رویکرد اخیر کشورهای عربی که پیشتر در مدار پرهیاهوی تنش‌های بالاگرفته با جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته بودند، دیده می‌شود، میل به ایجاد تغییراتی است که در بطن خود چهارچوبی برای تغییر رویکرد و همکاری‌های منطقه‌ای را با اعتنا به نقش اثرگذار جمهوری اسلامی در منطقه جست‌وجو می‌کند. تحولی که پشتوانه آن چیزی نیست جز اهمیت قدرت میدانی و دیپلماتیک ایران در منطقه از یک سو و نقشی که کشورمان در پیگیری ایده کاهش اختلافات و همکاری‌های درون منطقه‌ای دنبال می‌کند

یک پیام تسلیت معنادار

از دیگر موضوعاتی که در هفته‌ها و ماه‌های اخیر تحولات تازه‌ای پیرامون آن رخ داده است، نشانه‌هایی است که از سوی مصر تحت لوای پیام همدردی بابت جان باختن و جراحات تعدادی از شهروندان ایرانی در زلزله استان هرمزگان روانه شد. پیام‌هایی که فارغ از فحوای

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱



«ایران» از توسعه همکاری‌های ایران با چین و روسیه در دولت سیزدهم گزارش می‌دهد

توازن از دریچه نگاه به شرق

تجربه‌ای پر هزینه

سخنان وزیر امور خارجه سابق کشورمان بخوبی گویای این مسأله است که دولت روحانی تحت تأثیر فضای رمانتیک برجای از واقعیات نظام بین‌الملل فاصله گرفته و با پشت کردن به دوستان دوران تحریم و در طمع سرازیر شدن شرکت‌های غربی، شرکای شرقی ایران را بشدت سرخورده کرده بود. این اقدام درحالی رخ داد که دولت سابق تلاش داشت تا روابط با غرب را اصلاح کند، اما سیاستگذاری اشتباه باعث شد نه تنها غربی‌ها همکاری پایداری با ایران نداشته باشند که حتی رابطه با کشورهای شرقی نیز مخدوش شود. اگر بتوان نام این تجربه را «نگاه به غرب» عنوان کرد - که البته عنوان غرب‌گرایی افراطی بیشتر می‌تواند به واقعیت آن نزدیک باشد - باید از شکست چندباره این ایده در سیاست خارجی ایران سخن گفت.

چرایی عدم عضویت ایران در شانگهای در دولت روحانی

این تجربه پر هزینه باعث شد فضای گفتمانی کشور تغییر کرده و دولت سیزدهم خود را متعهد به برقراری توازن در سیاست خارجی و افزایش همکاری با کشورهای شرقی و همسایگان بداند. همین مسأله باعث شد دستاوردهای دولت آیت‌الله رئیسی در ارتباط با گسترش روابط با کشورهای شرقی بخصوص چین و روسیه قابل توجه باشد، تا جایی که در جریان اولین سفر

«نگاه به غرب» یا «نگاه به شرق» دو رویکرد در سیاست خارجی است که اشاره به توسعه روابط خارجی هر کشور و ترغیب دیگر کشورها به همکاری، از طریق افزایش رابطه با کشورهای حوزه شرق یا غرب دارد. به بیان بهتر ارتباط با برخی کشورها می‌تواند زمینه ساز ارتباط با سایر کشورها شود و زمینه رقابت در همکاری با کشور هدف را در جهت حصول منافع ملی ایجاد کند. از همین رو نگاه به غرب یا شرق با غرب زدگی یا شرق زدگی فاصله معناداری خواهد داشت. از سال‌های گذشته و با افزایش قدرت و کنشگری کشورهای شرقی «نگاه به شرق» در محافل علمی و آکادمیک دنیا مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. بسیاری از کشورهای جهان تلاش دارند با سرلوحه قرار دادن این نگاه، سیاست خارجی خود را با مقتضیات دوران جدید در نظام بین‌الملل تطبیق دهند. کشورهای همسایه ایران و حتی کشورهایی که روابط عمیق و راهبردی با ایالات متحده دارند این مهم را در سیاست خارجی خود لحاظ کرده‌اند. با وجود اینکه آمریکا اصلی‌ترین دشمن جمهوری اسلامی ایران بوده و امکان عمق بخشی به همکاری ایران با کشورهای رقیب ایالات متحده به‌عنوان ظرفیت بالقوه وجود داشته است، در یک دهه اخیر قدرت‌های نوظهور اقتصادی و سیاسی جهان عملاً مورد بی توجهی مسئولان کشورمان واقع شده است. این مسأله البته نه تنها مورد تأیید نخبگان دانشگاهی و سیاسی کشور قرار دارد که حتی از سوی مقامات دولت سابق ایران نیز به آن اذعان شده است. وزیر امور خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم در آخرین گزارش خود درباره برجام به کمیسیون امنیت ملی به این واقعیت اشاره می‌کند. محمدجواد ظریف در بخشی از این گزارش با انتقاد از رویه سیاست خارجی کشور در دوران مسئولیت خود نوشت: «اگر در مورد ضرورت کار متوازن با شرق و غرب به یک اجماع ملی رسیده بودیم و از یکسو با خوش خیالی، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازیر شدن شرکت‌های غربی از خود نرنجانده بودیم و از سوی دیگر از همه امکانات برجام برای ایجاد منافع اساسی اقتصادی برای همه کنشگران بهره برده بودیم، دوستانمان هم سرخورده نمی‌شدند و در دوران سختی رهایمان نمی‌کردند.»

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱



خارجی رئیس جمهور کشورمان به دوشنبه پایتخت تاجیکستان، سازمان همکاری منطقه‌ای شانگهای با رأی اجماعی چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان منطقه‌ای را اعلام کرد. نکته جالب توجه در این عضویت آن است که عدم عضویت ایران در سال‌های اخیر هیچ مانع حقوقی نداشته است. اما به دلیل حاکم بودن دیدگاه‌های غرب‌گرا در کشور مورد بی‌توجهی دولت سابق قرار گرفته بود. شروع روند تبدیل عضویت ناظر ایران به عضو اصلی سازمان همکاری شانگهای تنها چند هفته پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم خود بخوبی اثبات کننده این مدعاست. عضویت ایران در این سازمان امنیتی و اقتصادی واکنش‌های بسیاری را در جهان برانگیخت و موجب عصبانیت امریکا شد. «دنيس راس»، مقام ارشد سابق امریکایی در این خصوص نوشت: «اکنون ایران عضو دائم سازمان شانگهای است. چیزی که از مدت‌ها پیش به دنبال آن بود. سرانجام روسیه و چین این امکان را فراهم کردند. این مقام سابق امریکایی در ادامه تأکید کرد که ایران با چرخش به سمت شرق قادر خواهد بود از فشارهای ایالات متحده در امان بماند. دولت امریکا اکنون به طرح دوم و نقشه B نیاز دارد.» رسانه امریکایی بلومبرگ در تحلیل این رویداد مهم نوشت: «عضویت ایران در این باشگاه رو به رشد اوراسیایی که هدایت آن بر عهده چین و روسیه است به تهران برای رفع تحریم‌های امریکا کمک خواهد کرد.» شبکه فرانس ۲۴ نیز با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران با استقبال از عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای، آن را چرخشی به سمت شرق برای دسترسی به بازارهای جهانی و مقابله با تحریم‌های سخت غرب می‌بیند، در گزارش خود تصریح کرد که «عضویت دائم ایران با کمک روسیه و چین انجام گرفت»، اما عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای که با همراهی ویژه روسیه و چین محقق شد ابتدای راهی بود که با شروع به کار دولت جدید در حوزه سیاست خارجی کلید خورد. قابل تأمل اینکه مسئولان سابق کشورمان بارها و به صراحت عضویت ایران در شانگهای، اجرایی شدن سند همکاری ۲۵ ساله، واردات واکسن و هر اتفاق دیگری را مشروط به احیای برجام و پذیرش FATF کرده بودند. اما همه این موارد بدون برجام و FATF و تنها با تغییر گفتمان در کشور محقق گشت.

شیر و ازدها روی ریل همکاری

نگاه ابزاری کشورها به یکدیگر از مهم‌ترین موانع عدم شکل‌گیری همکاری راهبردی بین دولت‌ها تلقی می‌شود. این مسأله از جمله انتقادات به دولت سابق کشورمان نسبت به برخی کشورهای دوست بوده است. همین نگاه ابزاری به کشورهای شرقی باعث شد دولت‌های یازدهم و دوازدهم یکی از بدترین کارنامه‌ها در حوزه سیاست خارجی در چهار دهه اخیر را به نام خود ثبت کند. شاید برخی در پاسخ به این موضوع معتقد باشند که زمینه روابط راهبردی با کشورهای شرقی همچون چین

برخی شرکت‌های چینی و لغو یک طرفه بعضی از قراردادهای بین دو کشور این پیام را به چینی‌ها داد که دولت‌های یازدهم و دوازدهم به مسأله همکاری راهبردی و جامع با پکن بی‌توجه است. لازم به ذکر است که همه این رخدادها در فضای پسابرجام اتفاق افتاد و دولتمردان تصور می‌کردند که همکاری با غرب می‌تواند جایگزین دوستان دوران تحریم و شرقی‌ها باشد.

زمینه‌های روابط راهبردی ایران و چین

چین و ایران از قدرتهایی هستند که حافظه تاریخی منفی در اذهان مردم دو کشور و خصوصاً در نخبگان به جای گذاشته‌اند. دولت چین ایران را به‌عنوان کشوری در منطقه آشوبناک غرب آسیا می‌بیند که توانسته خود را به مثابه جزیره‌ای با ثبات حفظ کرده و جایگاهی مهم در جهان اسلام به‌دست آورد. در این رهگذر جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های مختلف ایستاده و حتی نقشی مهم در امنیت منطقه داشته است، بویژه آنکه امنیت منطقه برای چین که رویای جاده جدید ابریشم را در سر دارد اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت. ایران در برابر افراط گرایی و تروریسمی که ابعاد ایدئولوژیک آن می‌تواند امنیت آسیا را با خطر روبه رو کند ایستاده و برای مقابله با آن هزینه داده است. همین مسأله باعث شده که چین در سال ۲۰۱۴ به ایران پیشنهاد سازمان جدید آسیایی به منظور همکاری‌های امنیتی بدهد. فرصت بکر اقتصادی در همکاری بین دو کشور و فرصت‌های سرمایه‌گذاری فراوان در ایران قابلیت یک همکاری اقتصادی برد-برد را به تصویر می‌کشد. از سوی دیگر همکاری در نیروگاه‌های هسته‌ای، خرید نفت و همکاری اقتصادی با ایران در شرایط تحریم اقتصادی امریکا، باعث نزدیک شدن دو کشور شده است. توان ایستادگی چین در بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، جایگاه

جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های مختلف ایستاده و حتی نقشی مهم در امنیت منطقه داشته است، بویژه آنکه امنیت منطقه برای چین که رویای جاده جدید ابریشم را در سر دارد اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت. ایران در برابر افراط گرایی و تروریسمی که ابعاد ایدئولوژیک آن می‌تواند امنیت آسیا را با خطر روبه رو کند ایستاده و برای مقابله با آن هزینه داده است

فراهم نبوده است. شواهد نشان می‌دهد این ادعا صحیح نیست. در سفر رئیس جمهور چین به کشورمان در سال ۱۳۹۴ مسأله همکاری راهبردی بین دو کشور در دیدار با رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهور وقت مطرح شد و حتی شی جین پینگ در مقاله‌ای در روزنامه ایران اشتراکات تاریخی و تمدنی دو کشور و همکاری‌های بین‌المللی را زمینه این همکاری توصیف کرد. اصطلاح «همکاری جامع راهبردی» مورد اجماع نخبگان دو کشور بود، این سطح از همکاری به‌صورت «جامع» در همه مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی و... می‌توانست به‌صورت «راهبردی» و بلند مدت مورد توجه واقع شود. این فرصت برای همکاری جمهوری اسلامی ایران و دومین قدرت اقتصادی جهان و عضو دائم شورای امنیت اما با واکنش سرد دولتمردان روبه رو شد. اخراج

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱



با وجود جنگ تمام عیار رسانه‌های فارسی زبان بیگانه و غرب‌گرا اما منافع قابل توجه سفر رئیس جمهور به روسیه برای کشور قابل توجه بود. پس از این سفر بود که وزارت خارجه روسیه اعلام کرد تهران و مسکو در حال کار و تلاش برای ایجاد یک مکانیزم به منظور محافظت از مبادلات تجاری و مالی از خطر تحریم‌ها هستند. همچنین این کشور خبر داد که مسکو مقید به هیچگونه ممنوعیت برای همکاری‌های فنی و نظامی با تهران نیست. این صحبت‌ها چند روز پس از سفر آیت‌الله رئیسی به مسکو و گفت‌وگوهای سه ساعته با پوتین رخ داده است

نقطه عطف روابط تهران و مسکو

روابط ایران و روسیه نیز بشدت نیاز خود به ترمیم و گسترش را نشان داده است. در راستای همین مسأله رئیس جمهور روسیه پس از قدرت گرفتن دولت جدید در ایران از اولین رؤسای جمهوری بود که مکرراً از آیت‌الله رئیسی برای سفر به این کشور دعوت کرد. به همین دلیل رئیس جمهور کشورمان همراه با هیأتی اقتصادی ۲۹ دیماه وارد مسکو شد. برخلاف پروتکل‌های روسیه که تنها معاون وزیر خارجه این کشور برای استقبال به فرودگاه می‌رود، حضور وزیر انرژی این کشور برای استقبال نشان داد که مقامات مسکو هم از رویکرد دیپلماسی اقتصادی دولت در ارتباط با کشورشان استقبال کرده‌اند.

همکاری‌های بدون مانع و بدون محدودیت

با وجود جنگ تمام عیار رسانه‌های فارسی زبان بیگانه و غرب‌گرا اما منافع قابل توجه این سفر برای کشور قابل توجه بود. پس از این سفر بود که وزارت خارجه روسیه اعلام کرد تهران و مسکو در حال کار و تلاش برای ایجاد یک مکانیزم به منظور محافظت از مبادلات تجاری و مالی از خطر تحریم‌ها هستند. همچنین این کشور خبر داد که مسکو مقید به هیچگونه ممنوعیت برای همکاری‌های فنی و نظامی با تهران نیست. این صحبت‌ها چند روز پس از سفر آیت‌الله رئیسی به مسکو و گفت‌وگوهای سه ساعته با پوتین رخ داده است. با وجود این تحولات و دیگر رخدادها در سیاست خارجی یک‌سال گذشته می‌توان گفت ایران با پیوستن به شانگهای و در آینده نزدیک بریکس، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و آسیایی و خارج کردن برجام از محور مسائل سیاست خارجی کشور به اصلاحات اساسی دست زده و در زمان اندک توانسته توفیقات فراوانی را نصیب کشور کند.

اعلام موضع علیه یکجانبه‌گرایی آمریکا پرداخته و رسماً اعلام کنند این فشارها و تحریم‌ها را نادیده خواهند گرفت.

امضای سند همکاری در زمان تحریم

هر چند دولت سابق با فرستادن پرونده همکاری راهبردی ایران و چین به بایگانی دست به یک فرصت سوزی دیپلماتیک و اقتصادی زد و سال‌ها امضای یک سند همکاری را به تعویق انداخت اما بالاخره این سند ۲۵ ساله، پس از پنج سال، در هفتم فروردین ۱۴۰۰ به امضا رسید. این موضوع در شرایطی رخ داد که آمریکایی‌ها همچنان کارزار فشار حداکثری علیه کشورمان را پیگیری می‌کردند. همین اتفاق باعث شد تا جوبایدن بلافاصله ابراز نگرانی کند و بگوید سال‌ها نگران اتفاق افتادن چنین همکاری بوده است.

شروع روند اجرایی شدن سند ۲۵ ساله

با تغییر دولت در سال ۱۴۰۰ و توجه ویژه به توازن در سیاست خارجی بر اساس نگاه به شرق، همزمان با مذاکرات وین روابط با قدرت‌های غیرغربی جهان در دستور کار قرار گرفت. این قدرت‌ها نیز با استقبال از دولت سیزدهم زمینه بیشتر ی را برای همکاری‌های منطقه‌ای، امنیتی، اقتصادی و... فراهم کردند که چراغ سبز آن در عضویت ایران در شانگهای داده شد و به اعلام اجرایی شدن سند ۲۵ ساله رسید. در جریان سفر وزیر امورخارجه کشورمان به پکن که در اواخر دیماه انجام شد ایران و چین به طور رسمی اجرایی شدن سند همکاری ۲۵ ساله را اعلام کردند. پس از آن وزیر اقتصاد اعلام کرد تفاهمنامه ۲۵ ساله ایران و چین باید در هر کدام از بخش‌ها به قراردادهای مشخصی برسد که در ماه‌های اخیر وزارتخانه‌های مختلف درگیر آن بودند و به مرور در حال نهایی‌شدن است.

سیاسی و اقتصادی این کشور در نظام بین‌الملل، قدرت قابل توجه پکن در تولید کالا و ارائه خدمات مربوط به سرمایه‌گذاری و عدم پیش‌شرط‌های سیاسی و منطقه‌ای و دفاعی در روابط دو جانبه با ایران (برخلاف آنچه غرب از ایران انتظار دارد) از دیگر ویژگی‌های مثبت در دیدگاه ایران نسبت به چین است که زمینه‌ساز همکاری دو کشور بوده است.

همکاری پکن با تهران در سال‌های تحریم

چین همواره از کشورهایی بوده است که در مقابل یکجانبه‌گرایی آمریکا ایستاده است. این مسأله به یکی از اشتراکات تهران و پکن بدل شده است. این کشور در حالی به‌صورت رسمی و غیر رسمی از ایران نفت می‌خرد که آمریکایی‌ها از این مسأله عصبانی هستند. چین معتقد است آمریکا باید به توافقنامه‌های بین‌المللی و تصمیمات جمعی احترام بگذارد و از هژمون طلبی دست بردارد. این رویکرد نزدیک شدن دو کشور ایران و چین را در برداشته است. علاوه‌بر خرید نفت و داد و ستدهای اقتصادی، زمانی که غربی‌ها از همه‌گیری بحران کرونا سوءاستفاده کرده و از رسیدن واکسن به کشورمان جلوگیری می‌کردند تا آن را تبدیل به اهرم فشار علیه کشورمان کنند، واردات واکسن از چین توانست تا حد قابل توجهی ایران را در مقابله با ویروس کووید-۱۹ یاری دهد. لازم به ذکر است که چین برای ایستادگی در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا و تثبیت جهان چندقطبی به جای تک قطبی حاضر به پرداخت هزینه آن هم شده است و تعدادی از شرکت‌ها و بانک‌های این کشور با تحریم روبه رو شدند.

نکته جالب آنکه در تحریم‌هایی که آمریکایی‌ها در ماه‌های اخیر وضع کرده‌اند نام چندین شرکت چینی به چشم می‌خورد. همین مسأله باعث شد تا مقامات چین صریح‌تر از همیشه به

ویژه‌نامه



ایران

شماره ۵ شهریور ۱۴۰۱

ارتقای بی‌سابقه همکاری‌های ایران، روسیه و چین در سال گذشته

ایران در رأس مثلث «مهار»

تردیدی وجود ندارد که مداخله‌جویی‌های پایان‌ناپذیر امریکا در منطقه خاورمیانه و آسیا در دهه‌ها و سال‌های گذشته نقش مهمی در شکل‌گیری عصر همکاری‌های راهبردی سه‌جانبه میان ایران، روسیه و چین به عنوان سه بازیگر مهم برای مهار سیاست‌های امریکا، فارغ از تفاوت‌های ذاتی سیاست خارجی میان این کشورها داشته است. تهران، مسکو و پکن بویژه در یک سال گذشته و پس از آغاز به کار دولت سید ابراهیم رئیسی، در عرصه مناسبات سیاسی و اقتصادی دوجانبه روند رو به پیشرفتی را از سر گذرانده و به تسری چنین وجهی از همکاری در حوزه‌های دفاعی، امنیتی و سیاسی بیش از هر زمان دیگری وقوف یافته‌اند. ناگفته پیداست وجه مشترک این همکاری، مقابله با رویکرد یکجانبه گرایانه‌ای است که امریکا در سال‌های گذشته در قبال هر یک از کشورهای منطقه در پیش گرفته که برای سال‌ها کشورهای همسایه این سه کشور را در آتش جنگ یا نزاع فرو برده است. درک مشترک سه کشور ایران، روسیه و چین از خطرات دامنه دار این رویکرد یکجانبه امریکا، این کشورها را به سمت و سوی تقویت همکاری‌های امنیتی کشانده است.



که واشنگتن بر مبنای آن، چین را در کنار روسیه و ایران در رده یک تهدید بزرگ طبقه‌بندی می‌کرد. ذیل چنین نگاهی بود که ایالات متحده درصدد برآمد با ایجاد چالش‌های متعدد در منطقه آسیا هزینه کشورهایی همچون چین و روسیه و همچنین ایران را افزایش دهد.

رزمایش مرکب «کمر بند امنیت دریایی ۲۰۲۲» که دی و بهمن سال ۱۴۰۰ به عنوان سومین مانور دریایی گذشته برگزار شد، پرده جدیدی از ظرفیت‌های نظامی ایران در فراز همکاری عملیاتی با قدرت‌های بزرگ دریایی و بر عهده گرفتن فرماندهی عملیات در محدوده گسترده‌ای از آب‌های استراتژیک منطقه‌ای و جهانی را به نمایش گذاشت و ثابت کرد که جغرافیای مأموریت دریایی ایران با هدف تأمین امنیت خود در منطقه تا چه اندازه توسعه یافته است. این رزمایش مشترک فرصتی بود برای به نمایش درآمدن بیش از پیش ظرفیت‌های نظامی ایران در همکاری عملیاتی با قدرت‌های بزرگ دریایی؛ قدرت نظامی که در سال‌های اخیر و با حضور ناوگروه‌های خود در آب‌های آزاد نشان داده است تا چه حد می‌تواند در تأمین امنیت آب‌های بین‌المللی نقش آفرین باشد.

نگرانی استراتژیست‌های غربی

به این ترتیب نگاهی کوتاه به صحنه تحولات جاری در منطقه نشان می‌دهد که این پیش‌بینی استراتژیست‌های امریکایی همچون «زیگنیو برژینسکی»، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری اسبق امریکا و «هنری کیسینجر»، وزیر خارجه اسبق امریکا که درباره عواقب زیان بار خصومت همزمان با بازیگران بزرگ آسیایی هشدار داده بودند، به واقعیت پیوسته است.

علاوه بر برگزاری رزمایش‌های سه جانبه، دریای کارائیب در هفته‌های اخیر میزبان نظامیان ایران، روسیه و چین موسوم به «رزمایش تک‌تیرانداز مرز» بود که علاوه بر این کشورها ۱۰ کشور دیگر نیز حضور داشتند. رزمایشی که با نگرانی رسانه‌های امریکا به پیشروی و گسترش نقش آفرینی

می‌برند از مجموعه تحولاتی بود که بر واقعیت تزلزل در سیاست سلطه امریکا صحنه می‌گذاشت و از تغییر موازنه قدرت در عرصه بین‌الملل حکایت می‌کرد.

شکستن ائتلاف‌های امریکایی

اهمیت قدرت نمایی‌های اخیر در قالب رزمایش‌های گسترده دریایی بویژه زمانی دوچندان می‌شود که این واقعیت فراموش نشود که پیش از آن امریکا کوشیده بود با ائتلاف ادعایی خود با شماری از همپیمانانش با هدف تأمین امنیت خلیج فارس، چالشی امنیتی برای منطقه به وجود آورد. این چالش به موازات سیاستی که علیه ایران در زمین بازی هسته‌ای از سوی امریکا در پیش گرفته شد، همزمان بود با سیاست معروف چرخش به آسیا

رزمایش‌های سه‌جانبه

برگزاری سه رزمایش مشترک سه جانبه از سوی ایران، روسیه و چین در سال‌های اخیر که آخرین آن در اواخر سال گذشته تحت عنوان رزمایش مرکب «کمر بند امنیت دریایی ۲۰۲۲» در آب‌های اقیانوس هند برگزار شد، بخشی از برنامه‌ریزی سه کشور به عنوان سه قدرت دریایی شناخته شده برای به نمایش گذاشتن اقتدار عملیاتی خود در مواجهه با هر تهدید احتمالی خارجی علیه منافع ملی به شمار می‌آید. رزمایش‌هایی که در کنار تصمیم‌گیری برای دستیابی به توافق‌های فراگیر میان تهران و پکن و پیگیری توافق مشابه میان ایران و روسیه در کنار دیگر موضوعات همکاری که این کشورها دوشادوش یکدیگر پیش

ویژه‌نامه



ایران

شماره ۱۲۰
شهریور ۱۴۰۰



اسرائیل؛ بازنده اول

قابل انتظار بود که تقویت محور همکاری مشترک امنیتی ایران، روسیه و چین به باطل السحر خواب‌های رژیم صهیونیستی نیز تبدیل شود. در همین ارتباط «بنی گانتس»، وزیر رژیم صهیونیستی در نشستی با نگرانی به روند تحولات میان سه تهران، مسکو و پکن اشاره کرد و با بیان اینکه حضور نظامی ایران در دریاها افزایش یافته و گسترده‌تر از یک دهه گذشته شده است، مدعی شد که این حضور در دریای سرخ تهدیدی مستقیم علیه تجارت، بازار انرژی و اقتصاد جهانی است. به این ترتیب همکاری سه جانبه ایران، روسیه و چین در عرصه همکاری‌های امنیتی و نظامی در مواجهه با ائتلاف نیم بند امریکایی که کوشیده در منطقه شکل دهد، توانسته معادله قدرت را در منطقه بر هم بریزد و محور یکجانبه‌گرایانه واشنگتن را تضعیف کند. فراتر از به نمایش گذاشتن عزم و قدرت بازیگران بزرگ آسیا در مواجهه با امریکا زیر سایه یک ائتلاف در حال ظهور، قدرت دریایی و نظامی ایران در چنان مرحله‌ای قرار دارد که دامنه تأمین امنیت دریایی خود را تا هزاران کیلومتر دورتر از جغرافیای سرزمینی تعریف کرده و برای تأمین امنیت دریایی خود تنها به محدوده خلیج فارس اکتفا نمی‌کند.

رزمایش مرکب «کمر بند امنیت دریایی ۲۰۲۲» که دی و بهمن سال ۱۴۰۰ به عنوان سومین مانور دریایی گذشته برگزار شد، پرده جدیدی از ظرفیت‌های نظامی ایران در فراز همکاری عملیاتی با قدرت‌های بزرگ دریایی و بر عهده گرفتن فرماندهی عملیات در محدوده گسترده‌ای از آب‌های استراتژیک منطقه‌ای و جهانی را به نمایش گذاشت و ثابت کرد که جغرافیای مأموریت دریایی ایران با هدف تأمین امنیت خود در منطقه تا چه اندازه توسعه یافته است

نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران تا محدوده‌ای که امریکایی‌ها آن را حیط خلوت خود می‌دانند، مواجه شد. نشریه امریکایی واشنگتن «فری بیکن» گزارشی تحلیلی به نقل از «جوزف هومیر» تحلیلگر امنیت ملی نوشت: «روسیه، ایران و چین با حضور در این رزمایش در آستانه نمایش قدرت بزرگی هستند و ما با عادی‌سازی تحرکات نظامی دشمنان ایالات متحده در منطقه خود در معرض خطر هستیم». همچنین گزارش فری بیکن با بیان اینکه «این بازی‌های جنگی که به عنوان رقابت «تک‌تیرانداز مرزی» شناخته می‌شود نشان‌دهنده آن است که دشمنان امریکا از سراسر جهان در حال متحد شدن هستند» مدعی شد: «ایالات متحده امریکا به لحاظ تاریخی نسبت به حضور نظامی دیگر کشورها در این منطقه به شدت حساس است، تا آنجا که در سال ۱۹۶۲ و در دوران جنگ سرد، امریکا بر سر استقرار سامانه‌های موشکی شوروی سابق در کشور کوبا، تا آستانه یک جنگ هسته‌ای ویرانگر پیش رفت و به مسکو اولتیماتوم حمله هسته‌ای داد». واشنگتن فری بیکن در عین حال افزود: «رزمایش کشورهای رقیب امریکا در نیمکره غربی یکی از آشکارترین نشانه‌ها است که نشان می‌دهد ائتلاف دولت‌های ضد امریکا در امریکای لاتین برای تقویت روابط با روسیه، چین و ایران تلاش می‌کند».

شراکتی که دیگر معطل نماند

اجرای توافق راهبردی ۲۵ ساله تهران و پکن

دولت سید ابراهیم رئیسی از همان آغاز، تصمیم به ترمیم و توسعه رابطه با کشورهای حوزه آسیا بویژه دو بازیگر مهم این حوزه یعنی چین و روسیه گرفت و توانست در طول یک سال گذشته، این مناسبات را از رابطه‌ای مبتنی بر دوگانه دوستی و دشمنی به رابطه‌ای تبدیل کند که بر بسیاری از معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بگذارد.



تأکید رئیسی در آغاز به کار دولتش مبنی بر تقویت مناسبات با چین و روسیه در حقیقت ترسیم نقشه راهی برای سامان دادن به ایده «تعامل گسترده و سازنده» بود که هم گستردگی و هم سازنده بودن آن مدنظر است. ایده‌ای که در دولت پیشین چندان مورد اعتنا قرار نگرفت و حاصلی جز چند قرارداد کم‌بهره اقتصادی با این کشورها نداشت. دستگاه دیپلماسی دولت سیزدهم در حالی اداره امور را به دست گرفت که در حوزه روابط تهران با پکن و مسکو پرونده‌های نیمه‌کاره زیادی روی میز بود اما رئیسی ذیل برنامه‌هایی که برای تعمیق روابط با پکن تدارک دید، بیش از هر چیز در پی ارائه یک مدل واقع‌بینانه از رابطه برآمد. چه آنکه روند تحولاتی که در مسیر اجرای توافق هسته‌ای رخ داد و خروج یکجانبه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا از این توافق، از جمله بزنگاه‌های تاریخی بود که محل بروز دیپلماسی هدفمند دولت رئیسی قرار گرفت. اگرچه پایه‌های شکل‌گیری همکاری‌های راهبردی با کشورهای هدف، پیشتر در دستور کار مقام‌های دولت قرار گرفته بود اما حضور ترامپ در رأس سیاست خارجی آمریکا و خروج او از برجام و سیاست فشار حداکثری که در پیش گرفت، ایران را برآن داشت تا نگاهی راهبردی و بلندمدت و هم‌راستا با تحولات جهانی قدرت به منظور کاهش فشارها و اثرات منفی تحریم‌ها در پیش بگیرد. در امتداد عملی کردن همین هدف، رئیسی ورود به همکاری‌های سطح بالاتر با چین را کلید زد و در پیگیری این رویکرد با سایر کشورها مداومت به خرج داد.

توافق بالاخره اجرا شد

بدون تردید یکی از مهم‌ترین وجه همکاری تهران و پکن در روند مشارکت اقتصادی و سیاسی دو کشور تجلی پیدا کرده است. در این راستا پیمان مشارکت راهبردی ۲۵ ساله تهران و پکن که اجرای آن در دی ماه سال گذشته از سوی وزرای خارجه ایران و چین اعلام شد، گام مهمی بود که دو طرف بر مبنای آن تصمیم گرفتند، همکاری‌های دوجانبه را در قالب مشارکت راهبردی تداوم و ارتقا دهند. حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه

ایران در دهم دی ماه ۱۴۰۰ در سفری که به دعوت «وانگ یی» همتای چینی خود به پکن داشت، از اجرای این توافق راهبردی و جامع ۲۵ ساله دو کشور خبر داد. این چنین بود که جمهوری اسلامی که پیشتر در دولت پیشین همه توجه خود را معطوف به حیطه جغرافیایی خاصی کرده و همه توان دیپلماسی‌اش را در ایستگاه غرب به کار گرفته بود، در دولت سیزدهم با چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی جهان وارد سطح تازه‌ای از همکاری‌ها شد. تغییری که جایگاه کشورمان را در سطوح دسته‌بندی شده همکاری‌های راهبردی چین که دومین قدرت اقتصادی جهان به شمار می‌آید، چند پله ارتقا داد و اجرای یک نقشه راه همکاری ۲۵ ساله را هدف قرار گرفت.

برد- برد به صورت واقعی

توافق راهبردی تهران و پکن یک برنامه جامع در بازه زمانی ۲۵ ساله را شامل می‌شود که با ابتنا بر احترام متقابل و منافع برد- برد در زمینه روابط دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی میان ایران و چین تنظیم شده است تا دو کشور همکاری نزدیک خود را در عرصه‌های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مطابق بر یک نقشه راه و افق بلندمدت روابط در عرصه‌های مختلف برای تحقق مشارکت جامع راهبردی و ارتقای عملی به مرحله اجرا درآورند. توافقی که از همکاری‌های سیاسی و منطقه‌ای گرفته تا همکاری‌های اقتصادی از جمله مشارکت مؤثر ایران در ابتکار کمربند-راه طرف چینی، پیوند دادن ایران به زنجیره ارزش محور از طریق تکمیل زنجیره‌های مکمل فرآوری داخلی و تولید مشترک به منظور تأمین بازارهای داخلی دو کشور و کشورهای ثالث، همکاری در حوزه‌های نفت، صنعت و معدن و حوزه‌های مرتبط با انرژی، همکاری در زمینه‌های زیرساختی، ارتباطی (ریلی، جاده‌ای، بندری و هوایی)، مخابراتی، علمی- فناوری، آموزشی و سلامت، تسهیل همکاری‌های مالی- بانکی، گمرکی، مقررات‌زدایی و تسهیل همکاری‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌ها و همکاری‌های اقتصادی را شامل می‌شود.

همکاری سیاسی قابل اتکا

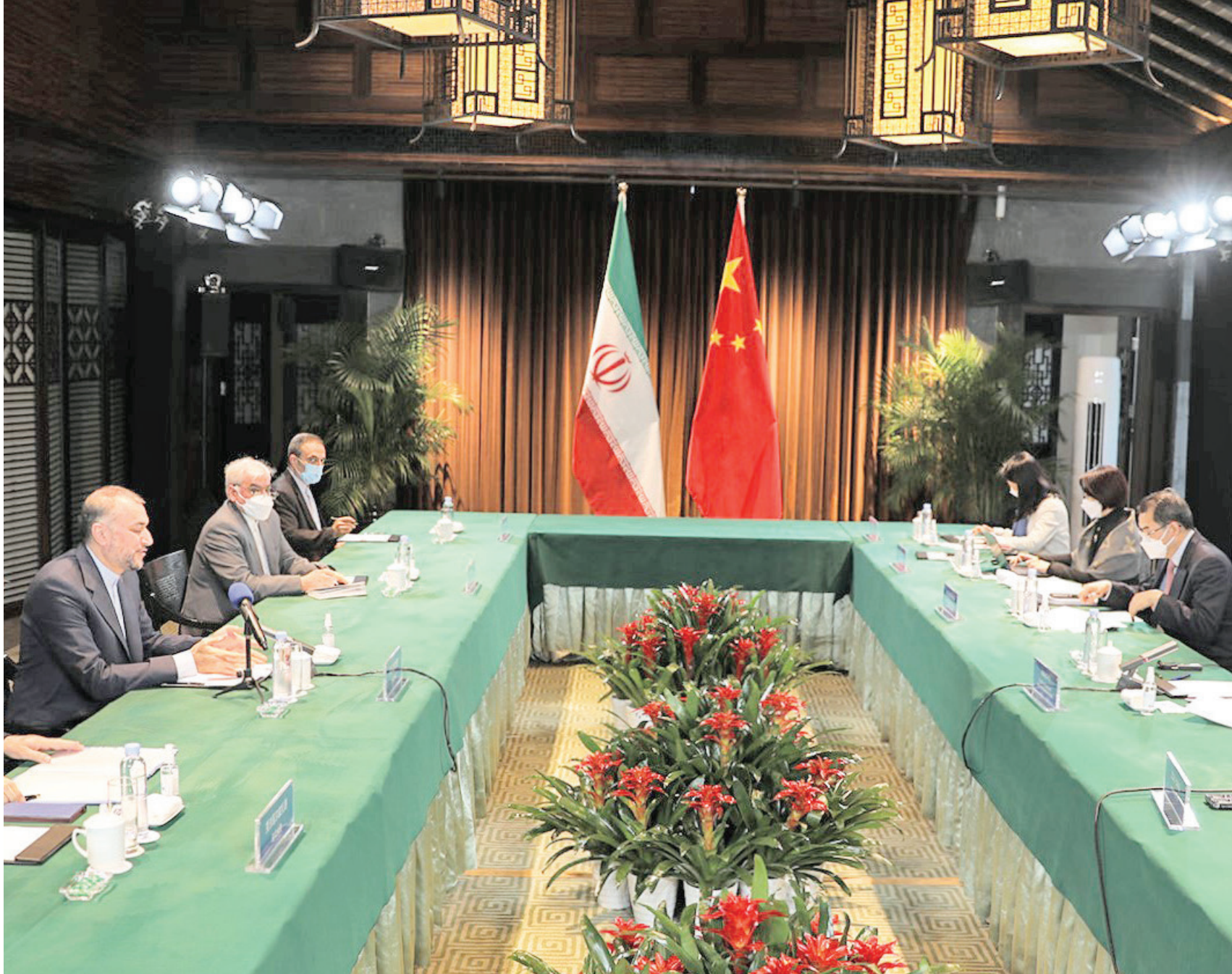
ذیل شکل‌گیری چنین سطحی از همکاری‌هاست که اینک چین در روند مواجهه ایران و شرکای غربی‌اش برای اجرای توافق هسته‌ای به دلیل عدم پایبندی این کشورها به تعهداتشان، در کنار ایران قرار گرفته و با مواضع و اتهامات واهی آمریکا علیه ایران مشارکت نمی‌کند. در حقیقت دولت رئیسی توانست زیر سایه تغییرات شگرف در سیاست خود در قبال چین، شکل‌گیری رابطه ویژه‌ای را رقم زند تا این کشور در مسیر کمپین فشار حداکثری غرب، دوشادوش ایران حرکت کند. این واقعیت مقدمه‌ای بود که دولت سیزدهم در اعلام رویکرد جدید خود ضرورت بهبود و توسعه روابط شایسته دو کشور را یادآوری کند. چه آنکه علاوه بر همکاری‌های اقتصادی و تلاش برای گسترش مبادلات تجاری دوجانبه و چندجانبه، تعاملات سیاسی نیز بویژه در شرايطی که رویکرد ناعادلانه غرب و در رأس آنها آمریکا، مناسبات کشورهای حوزه آسیا را تهدید می‌کند و بر اهمیت همکاری‌های نزدیک درون منطقه‌ای می‌افزاید، در اهداف ایران از توسعه این روابط قرار دارد. در چنین فضایی است که امضا و پیگیری توافق یادشده، نشان می‌دهد

ویژه‌نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱



در صحنه جهانی برخوردار شود. یعنی به هر ترتیب سیاست خارجی دولت رئیسی در رویکرد فعال خود توانست روابطی را که طی ۲۵ سال گذشته در حاشیه قرار داشت در مسیر تبدیل شدن به روابطی راهبردی از منظر سیاسی و اقتصادی قرار دهد. دستاوردی که اهمیت آن با به ثمر رسیدن توافق جامع راهبردی در آینده بیش از پیش نمود خواهد یافت.

که ایران در صدد است با متوازن سازی روابطش از بطن یک رابطه راهبردی و تغییر موازنه در جبهه بندی کشورهای مرتبط با سیاست خارجی اش به یکی از عناصر تأثیرگذار در صحنه منطقه و بین الملل تبدیل شود و با ترسیم یک رابطه هدفمند و مطمئن از پشتوانه سیاسی قابل اتکایی در مواجهه با بحران های متعدد غیر قابل پیش بینی

توافق راهبردی تهران و پکن یک برنامه جامع در بازه زمانی ۲۵ ساله را شامل می شود که با ابتدا بر احترام متقابل و منافع برد-برد در زمینه روابط دو جانبه، منطقه ای و بین المللی میان ایران و چین تنظیم شده است تا دو کشور همکاری نزدیک خود را در عرصه های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مطابق بر یک نقشه راه و افق بلندمدت روابط در عرصه های مختلف برای تحقق مشارکت جامع راهبردی و ارتقای عملی به مرحله اجرا درآورند



ویژه نامه



ایران

شماره
۵ شهریور ۱۴۰۱

در حقیقت ایران و روسیه در این مسیر کوتاه یک سال گذشته، از حس بی اعتمادی به سمت همکاری‌های راهبردی حرکت کرده و دلایل متعددی برای گسترش همکاری با یکدیگر یافته‌اند و با وجود برخی تفاوت‌ها و حتی اختلاف نظرها در جهت‌گیری‌ها، ضرورت‌های همکاری بلندمدت و عمیق را به درستی درک می‌کنند. در چنین فضایی از همکاری است که پیگیری تمدید قرارداد ۲۰ ساله میان دو کشور، به یکی از رؤس برنامه دیپلمات‌ها در روند همکاری‌های دوجانبه تبدیل شده است. قابل انتظار بود که معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه که در سال ۱۳۷۹ به امضای دو کشور رسیده بود، به اقتضای شرایط روز مورد بازنویسی در حوزه‌های مختلف همکاری قرار گیرد و به آن به صورت واقعی جامه عمل پوشانیده شود. مقرر شده بود که پس از پایان مهلت ۱۰ ساله این معاهده، اگر دو کشور یکسال قبل از خاتمه دوره معاهده به طرف مقابل ملاحظه و نکته‌ای را اعلام نکردند، این قرارداد به شکل خودکار برای پنج سال تمدید شود. حالا با گذر ۲۰ سال از عمر این توافق همکاری، مقام‌های دو کشور در نظر دارند افق تازه‌ای را برای تعمیق همکاری‌ها در قالب این معاهده همکاری ترسیم کنند و ذیل این تفاهنامه، قراردادهای بلندمدت همکاری‌های مشترک عقد نمایند.

نگاهی به روابط ایران و روسیه در یک سال اخیر

گذار از بی اعتمادی به سمت شراکت راهبردی

تجربه‌ای که ایران در یک سال گذشته از آنچه در قالب توافق راهبردی ۲۵ ساله با چین رقم خورد، الگوی قابل تکراری با سایر متحدان منطقه‌ای و آسیایی‌اش بویژه روسیه شد. چه آنکه مرور مناسبات ویژه‌ای که مقامات عالی ایران و روسیه بویژه در یک سال اخیر از سر گذرانده‌اند تا حدود زیادی به تثبیت این همکاری بلندمدت جامه عمل می‌پوشاند. اگرچه پیشتر تمرکز تام و تمام دولت پیشین بر ترمیم رابطه با کشورهای بلوک غرب جهت حل این پرونده، به سدی تبدیل شده بود که از تمایل مسکو به گسترش رابطه با تهران ممانعت به عمل می‌آورد اما از این نظر، تغییر در سیاست خارجی ایران در دولت سیزدهم و نگاه متوازن آن در عرصه دیپلماسی را می‌توان به عنوان کاتالیزور بهبود روابط ایران و روسیه ارزیابی کرد. اینگونه بود که دولت سید ابراهیم رئیسی با وجود تلاش برای حل موضوع تحریم‌ها در مواجهه‌اش با غرب، از طریق تغییر رویکرد خود و تلاش برای تقویت سیاست خارجی منطقه‌ای‌اش، مسکو را به تغییر در زمین بازی اتحادهای سیاسی خود ترغیب کرد. نمایش مهم تأثیر این تغییر رویکرد بر روابط دوجانبه را می‌توان در سفرهای مکرر مقامات دیپلماتیک دو کشور که با هدف رایزنی در موضوعات مختلف و بویژه مسائل منطقه‌ای و به طور خاص در زمینه همکاری‌های اقتصادی، انجام می‌شود، جست‌وجو کرد. روابط ایران و روسیه در یک سال اخیر و به دنبال آن همکاری در موضوعات دوجانبه و چندجانبه و همچنین حمایت قاطع مسکو در سازمان‌های بین‌المللی از مواضع ایران از اهمیت مضاعفی برخوردار شد و زمینه را برای شکوفایی روابط اقتصادی بین دو طرف بخصوص در شرایط تحریم‌ها و بحران کرونا فراهم کرد.





توافق جامع راهبردی؛ صدر فهرست

تنها چند روز بعد از اعلام اجرایی شدن توافق جامع راهبردی ایران و چین بود که موضوع دستیابی به توافقی مشابه در سفر سال گذشته سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور کشورمان به مسکو در صدر فهرست موضوعات مورد گفت‌وگو در کاخ «کرم‌لین» قرار گرفت. توافقی که به نظر می‌رسد مسیر دستیابی به آن بعد از پیوستن رسمی ایران به پیمان امنیتی سازمان همکاری «شانگهای» هموارتر از همیشه شده است. قابل انتظار بود که زیر سایه تشدید و تداوم سیاست‌های زورگویانه آمریکا در عرصه بین‌المللی، عزم تهران و مسکو برای شکل دادن به یک رابطه همه‌جانبه امنیتی، نظامی و اقتصادی بیش از هر وقت دیگری تقویت شود. این چنین بود که رئیسی در سفر خود به مسکو، پیش‌نویس قراردادی ۲۰ ساله با روسیه را به همراه خود برد. در همین حال کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه اعلام کرد که مقامات ارشد تهران و مسکو پیش‌تر توافق کرده بودند که قراردادی ۲۰ ساله یا بیشتر بین این دو کشور منعقد شود. او در این زمینه افزود که «پیش‌نویس این قرارداد به مقامات روسیه تحویل داده می‌شود تا پس از بررسی آن توسط کرم‌لین، توافق نهایی با این کشور حاصل شود.»

هدف ۲۵ میلیارد دلاری

تلاش‌ها برای به ثمر رساندن تفاهم جدید راهبردی ایران و روسیه در حالی است که رابطه دو کشور در دولت سیزدهم شاهد شکل‌گیری گفتمان جدیدی است که به توسعه قابل ملاحظه مبادلات تجاری دو کشور و ابراز تمایل شرکت‌های روسی برای سرمایه‌گذاری در ایران انجامیده است.

قابل انتظار بود که زیر سایه تشدید و تداوم سیاست‌های زورگویانه آمریکا در عرصه بین‌المللی، عزم تهران و مسکو برای شکل دادن به یک رابطه همه‌جانبه امنیتی، نظامی و اقتصادی بیش از هر وقت دیگری تقویت شود. این چنین بود که رئیسی در سفر خود به مسکو، پیش‌نویس قراردادی ۲۰ ساله با روسیه را به همراه خود برد. در همین حال کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه اعلام کرد که مقامات ارشد تهران و مسکو پیش‌تر توافق کرده بودند که قراردادی ۲۰ ساله یا بیشتر بین این دو کشور منعقد شود. او در این زمینه افزود که «پیش‌نویس این قرارداد به مقامات روسیه تحویل داده می‌شود تا پس از بررسی آن توسط کرم‌لین، توافق نهایی با این کشور حاصل شود»

یکی از مهم‌ترین وجوه همکاری ایران و روسیه در قالب این تفاهم برای همکاری راهبردی، حوزه اقتصادی است که دو طرف این ظرفیت را در خود دیده‌اند مبادلات اقتصادی دوجانبه را تا ۲۵ میلیارد دلار در سال افزایش دهند. این در حالی است که روند مبادلات بازرگانی تهران-مسکو در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ و با وجود اپیدمی کرونا با روندی افزایشی روبه‌رو شد که از وجود ظرفیت‌های بالقوه همکاری حکایت می‌کرد. حجم مبادلات تجاری دو کشور با وجود آثار مثبت ناشی از امضای موافقتنامه موقت تجارت ترجیحی میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، طی سه سال اخیر با رشد قابل توجهی همراه بوده است. همچنین در دوره یک ساله از عمر دولت سیزدهم، تحولات مناسبی در مسیر اجرایی و عملیاتی شدن کریدور شمال-جنوب صورت گرفته است. به نظر می‌رسد بخشی از این کریدور به عنوان کریدور تجاری موافقتنامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بتواند اجرایی و عملیاتی شود.

سامان دادن به پرونده‌های سیاسی

رفت و آمدهای دیپلماتیک غیرنمایشی و رایزنی‌های کارآمد سیاسی در عالی‌ترین سطوح از دیگر اتفاقاتی هستند که ذیل تغییر رویکرد ایران در سامان دادن به سیاست خارجی خود در قبال هم‌پیمانان آسیایی‌اش صورت گرفته است. واقعیت آن است که ایران و روسیه توانسته‌اند از رهگذر این همکاری و همسویی شکل گرفته ضمن قرار گرفتن در مسیر دستیابی به یک توافق جامع راهبردی، نبض هدایت گفت‌وگوهای سیاسی در موضوعات مهم منطقه‌ای همچون فرایند مذاکرات صلح سوریه را به دست گیرند و در این راه نیز متحدان را با خود همراه سازند.

ویژه‌نامه



ایران

شماره ۱۴۰۱ شهریور ۱۴۰۱

شهریور ماه ۱۴۰۰ بود که سفر آیت‌الله رئیسی به تاجیکستان به عنوان اولین سفر خارجی وی در جایگاه ریاست جمهوری خبر از فصلی جدید از روابط بین دو کشور می‌داد. رسانه‌های فارسی زبان بیگانه با تیتراژ «رئیس با وجود تحریم‌های بین‌المللی به تاجیکستان سفر می‌کند» عصبانیت خود از این سفر را نشان دادند. اتفاقات پس و حین این سفر نشان داد این نگرانی آنها البته بیجا هم نبوده است! «آسیا پلوس» یکی از رسانه‌های پرمخاطب تاجیکستان چند روز بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ با انتشار گزارشی نوشته بود: «امروز در حالی که روند انتقال قدرت از رئیس جمهور سابق به رئیس جمهور منتخب ایران شروع شده است، می‌توان گفت از همان ابتدای ریاست «حسن روحانی» روابط ایران و تاجیکستان به خوبی پیش رفت. البته دلایل عینی هم وجود داشت. یکی از آنها و احتمالاً مهمترین‌شان به طور کامل مشغول شدن دولت دوازدهم به حل برنامه هسته‌ای با آمریکا و کشورهای اروپایی بود؛ هرآنچه که ارتباط مستقیمی با حل این مسأله نداشت، برای تیم حسن روحانی از اولویت برخوردار نبود.» توسعه روابط ایران و تاجیکستان به سرعت توسط مقامات دو کشور با شروع به کار دولت سیزدهم در ابعاد مختلف پیگیری شد. این اتفاق از این جهت اهمیت داشت که در دولت گذشته روابط ایران و تاجیکستان رو به تیرگی و سردی رفته بود و متعاقب آن مبادلات تجاری و همکاری‌های فرهنگی دو کشور کاهش یافت. این درحالی است که اشتراکات فراوان فرهنگی، تاریخی، زبانی و... بین دو کشور قابل توجه است. از همین رو رئیس جمهور جدید ایران پیش از سفر به تاجیکستان از ترمیم و بهبود روابط دو کشور پس از وقفه چند ساله خبر داد و مقامات تاجیک نیز از این موضوع بشدت استقبال کردند. از آنجایی که تاجیکستان جزو کشورهای فارسی زبان است و از اعضای اصلی سازمان همکاری شانگهای نیز محسوب می‌شود، کاهش سوءتفاهم‌ها و بهبود روابط با این کشور برای منافع دو کشور اهمیتی شایان توجه داشت.

عصبانیت آمریکایی‌ها

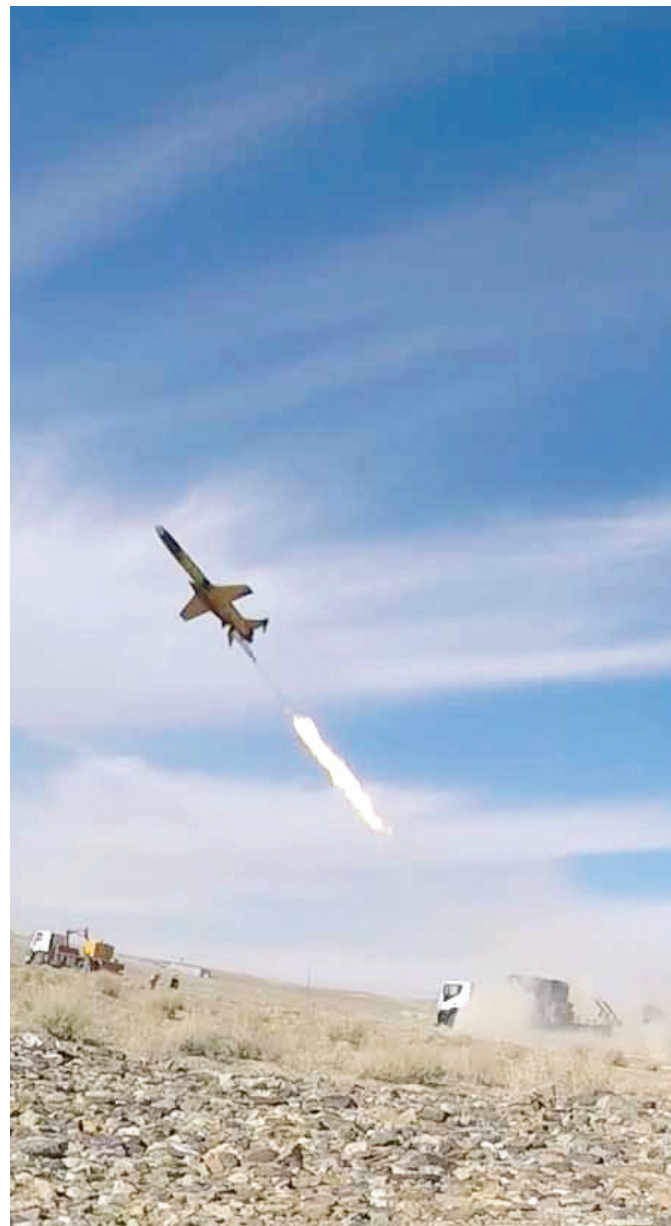
چند ماه پس از بهبود روابط سیاسی تهران و دوشنبه، در اردیبهشت ۱۴۰۱ کارخانه تولید پهپاد تمام ایرانی با حضور سرلشکر باقری و شیرعلی میرزا وزیر

«ایران» از جهش اساسی در دو صنعت مهم کشور با کمک دیپلماسی گزارش می‌دهد

از صادرات پهپاد تا احیای صنعت فضایی

جهش در حوزه‌های گوناگون طی یکسال گذشته به خوبی قابل مشاهده است. گرچه مسأله پهپادی ایران سال‌هاست دستاوردهای قابل توجهی را نشان می‌دهد اما ورود رسمی ایران به جمع معدود کشورهای صادرکننده پهپاد دستاوردی است که در جریان ایجاد تغییرات لازم در سیاست خارجی و توجه به دیپلماسی اقتصادی رقم خورده است. این اتفاق حتی باعث شده تا آمریکایی‌ها از این مسأله احساس خطر کنند و حتی به جنگ روانی علیه این اقدام متعارف و قانونی روی آورند. روسیه و تاجیکستان دو کشوری هستند که خبرها بیش از همه حول آنها شکل گرفته بود. همچنین پس از این اقدام بود که مقامات آمریکایی با طرح بحث مسأله صادرات پهپاد ایرانی به روسیه سعی داشتند به افکار عمومی ضدایرانی دامن بزنند. «ایران» در این گزارش به زمینه‌های شکل‌گیری روابط اقتصادی تهران با دوشنبه و همچنین مسکو و حواشی پیرامون آن می‌پردازد.





داشته است. گرچه اولین تحقیقات در خصوص پرتاب ماهواره اوایل دهه هشتاد آغاز شد و در سال ۱۳۸۶ اولین ماهواره به فضا پرتاب گشت تا ایران نیز در جمع معدود کشورهای قرار بگیرد که توانسته علاوه بر دانش این مسأله آن را عملیاتی و اجرایی کند؛ اما این مسیر که انگیزه زیادی را در دانشجویان و اساتید این حوزه ایجاد کرده بود در دهه ۹۰ و با قدرت گرفتن جریان غربگرا با عقبگرد مواجه شد. بی‌توجهی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در سیاستگذاری و عرصه‌های کسب و کار رشته‌های فنی و مهندسی باعث شد تا انگیزه‌ها برای تحصیل در این رشته‌ها نیز کاهش یابد. حسین سالاریه، رئیس سازمان فضایی کشور در این خصوص معتقد است: «در دهه ۹۰ ورودی دانشجویان فنی مهندسی به دانشکده‌ها کاهش یافت و تربیت نیروی انسانی بخوبی شکل نگرفته است. در کنکور امسال نیز شاهد آن بودیم که داوطلبان کنکور ریاضی از لحاظ تعداد در جایگاه آخر بودند. کاهش ورودی دانشجویان

چند ماه پس از بهبود روابط سیاسی تهران و دوشنبه، در اردیبهشت ۱۴۰۰ کارخانه تولید پهپاد تمام ایرانی با حضور سرلشکر باقری و شیرعلی میرزا وزیر دفاع و جمعی از فرماندهان عالی‌رتبه کشور تاجیکستان آغاز به کار کرد. این اتفاق نشان داد ایران در جایگاهی قرار گرفته است که می‌تواند علاوه بر رفع نیازهای داخلی به کشورهای همپیمان و دوست در جهت افزایش امنیت و صلح پایدار، تجهیزات نظامی صادر کند.

دفاع و جمعی از فرماندهان عالی‌رتبه کشور تاجیکستان آغاز به کار کرد. این اتفاق نشان داد ایران در جایگاهی قرار گرفته است که می‌تواند علاوه بر رفع نیازهای داخلی به کشورهای همپیمان و دوست در جهت افزایش امنیت و صلح پایدار، تجهیزات نظامی صادر کند. تیرماه امسال نیز ارتش ونزوئلا برای اولین بار در رژه نظامی خود پهپادهای رزمی مونتاژ شده ایرانی را نمایش داد. پس از این رژه مشخص شد پهپادهایی که در ابتدا با نام ایرانی «مهاجر-۲» شناخته می‌شدند، اکنون با نام «آنتونیو خوزه سوکره» شناخته می‌شوند. رصد، شناسایی و حمله با قابلیت ضد تانک و ضد نفراروپی‌های تجهیزاتی این پهپاد است که هراس آمریکایی‌ها را در پی داشته است.

دیپلماسی و جان تازه به صنعت فضایی

دولت سیزدهم در حوزه فضایی نیز جهشی جدی به این صنعت راهبردی



ایران

شماره ۱۴۰۱ شهریور ۱۴۰۱

ریاضی در دانشگاه‌ها تأثیر منفی بر صنعت فضایی می‌گذارد و در واقع افت و توفقی که در صنعت فضایی در دهه ۹۰ با آن روبه‌رو شدیم در پایین آمدن تمایل داوطلبان به تحصیل در رشته‌های مرتبط با صنعت فضایی بی‌تأثیر نبوده است. باید تربیت نیروی انسانی در این زمینه را افزایش دهیم و از متخصصان حوزه‌های فضایی در شرکت‌های دانش‌بنیان بخوبی استفاده کنیم.»

دولت روحانی بزرگترین مانع رکود فضایی

روستا آزاد، رئیس سابق دانشگاه صنعتی شریف در یک گفت‌وگوی تلویزیونی، یکی از نمونه‌های بدرفتاری دولت سابق با این صنعت مهم و دلزدگی نیروهای نخبه و جوان را روایت کرده است. او در خصوص پرتاب «شریف ست» که دولت سابق مانع پرتاب آن شد گفته بود: «بعد از همه ملاحظات، ماهواره روی سکو هم رفت و آسوشیتدپرس فیلمش را هم

رئیس جمهور پس از یازده سال جلسه شورای عالی فضایی کشور را تشکیل داد و وزیر ارتباطات نیز به پشتوانه حمایت‌های وی گفته است تا یک سال آینده به یکی از قطب‌های پرتاب ماهواره در مدار ۵۰۰ کیلومتری در منطقه تبدیل می‌شویم و می‌توانیم به کشورهای دیگر نیز خدمات ارائه کنیم. همه اینها باعث شد دومین ماهواره نظامی ایران با نام نور-۲ در اسفند ماه سال گذشته توسط ماهواره‌بر سه مرحله‌ای و سوخت ترکیبی قاصد نیروی هوافضای سپاه به فضا پرتاب و با موفقیت در مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین تزریق شد. نور-۲ که ماهواره‌ای سنجشی و شناسایی است با سرعت ۶/۷ کیلومتر بر ثانیه و ۴۸۰ ثانیه پس از پرتاب در مدار ۵۰۰ کیلومتری قرار گرفت

نشان داد علی‌رغم تحریم‌ها می‌توان با همکاری دیگر کشورها در توسعه این صنعت راهبردی قدم گذاشت. ماهواره خیام که قبلاً اقدامات مربوط به ساخت آن با کشور روسیه انجام شده بود برای پرتاب با دو مانع در دولت قبل روبه‌رو بود. یکی مانع حقوقی که متن ضعیف توافقات پیشین با روسیه در خصوص این ماهواره مشکلات فنی فراوانی داشت که به رغم آماده شدن ماهواره مجال پرتاب پیدا نکرده بود و دیگری مانع سیاسی که غربگرایی دولت وقت منجر به افول روابط تهران-مسکو و سایر کشورهای همسایه و شرقی شده بود. از همین رو دولتمردان جدید برای آنکه ماهواره خیام به فضا پرتاب شود نیازمند به کارگیری دیپلماسی فعالانه در این خصوص شدند. همچنین دولت سیزدهم با تغییر ماهیت قرارداد منعقد شده را از قرارداد خرید به قرارداد انتقال تکنولوژی تغییر داد.



گرفت و از بالا عکسش را هم ماهواره گرفت. بعد از اینکه امریکایی‌ها هشدار دادند به ایران، بلافاصله فیوز کشیده شد، الان دو مرتبه به آشیانه برگشته است که خیلی هم خطرناک است. دلم می‌خواست وقتی که جلوی رونمایی ماهواره شریف ست را گرفتند، می‌آمدند گزارش تهیه می‌کردند از اشک و گریه بچه‌ها. بچه‌های دکترا و ارشد و حتی استادان دانشگاه که چرا نگذاشتند رونمایی شود. همان زمان من این طرف و آن طرف، به ریاست جمهوری مکاتبه کردم. آخر حرف‌شان این بود که این کارها به شما ربطی ندارد.»

جانی دوباره به نخبگان فضایی

حالا دولت اعلام کرده است با کنار گذاشتن موانع و فعال کردن دوباره این ظرفیت راهبردی و مغفول مانده برنامه ۱۰ ساله رسیدن به مدار ۳۶۰۰۰ کیلومتری از ۱۰ سال به چهار سال کاهش داده است و نقطه پایانی بر خودتحریمی‌های

داخلی نهاده است. رئیس جمهور پس از یازده سال جلسه شورای عالی فضایی کشور را تشکیل داد و وزیر ارتباطات نیز به پشتوانه حمایت‌های وی گفته است تا یک سال آینده به یکی از قطب‌های پرتاب ماهواره در مدار ۵۰۰ کیلومتری در منطقه تبدیل می‌شویم و می‌توانیم به کشورهای دیگر نیز خدمات ارائه کنیم. همه اینها باعث شد دومین ماهواره نظامی ایران با نام نور-۲ در اسفند ماه سال گذشته توسط ماهواره‌بر سه مرحله‌ای و سوخت ترکیبی قاصد نیروی هوافضای سپاه به فضا پرتاب و با موفقیت در مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین تزریق شد. نور-۲ که ماهواره‌ای سنجشی و شناسایی است با سرعت ۶/۷ کیلومتر بر ثانیه و ۴۸۰ ثانیه پس از پرتاب در مدار ۵۰۰ کیلومتری قرار گرفت.

«خیام» نماد همکاری علمی و دیپلماتیک

پس از آن ماهواره خیام بود که نه تنها نشان عزم داخلی کشورمان شد بلکه

گرچه بدخواهان تلاش کردند تا ایرانی بودن ماهواره خیام را زیرسؤال ببرند اما طراحی کلان ماهواره با دانشمندان ایرانی بوده و تنها ساخت آن بوسیله روس‌ها انجام شده است. حامیان دولت سابق در فضای مجازی همواره دولت سیزدهم را هم راستا با سیاست‌های روسیه وانمود می‌کنند اما مذاکرات ایران و روسیه نشان داده پافشاری ایران برای پرتاب ماهواره خیام با ماهواره‌بر امتحان داده شده «سایوز» با دیپلماسی فعالانه، مورد رضایت طرف مقابل قرار گرفت؛ چرا که تهران در صدد بود با پرتابی مورد اعتماد که موفقیت ماهواره را تضمین کند، عملیات مذکور انجام شود. این تجربه موفق باعث شده تا خیام‌های ۲، ۳ و ۴ نیز در دستور کار دولت سیزدهم قرار بگیرد. در هر صورت ایران در یک‌سال گذشته گام‌های بلند در تقویت صنایع راهبردی انجام داده است که جز با تغییر ریل دیپلماسی و نوع نگاه انقلابی و عقلانی به حکمرانی غیرممکن بود.

ویژنامه



ایران

شماره ۱۴۰۱ شهریور ۱۴۰۱